



سال هشتم، شماره‌ی هفتاد و چهارم، اسفندماه ۱۳۹۹

برگزیده‌شدن آثار استادان پژوهشگاه در سی‌وهشتمین دوره‌ی جایزه‌ی کتاب سال تعلق جایزه‌ی دکتر کاظمی آشتیانی به عضو هیأت علمی پژوهشگاه هفتمین هم‌اندیشی جایگاه مطالعات قرآنی در اعتلای علوم انسانی: «باززایی الهیات در عصر پسا کرونا» رونمایی از سامانه‌ی تعاملی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه دکتر قبادی در مصاحبه با ایسنا: نیل به مدیریت کاربردی گرا، تولیدمدار و پرهیز از هزینه‌کرد بدون دستاورد همایش ملی «بحران کرونا و چالش‌های فلسفه‌ی سیاسی-اجتماعی غرب» هفدهمین نشست کمیته‌ی طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور انتخابات رؤسای پژوهشگاهها

## نشست‌ها و سخنرانی‌ها

کودتا و ظهور لویاتان ایرانی  
سرزمین وحی به روایت سفرنامه‌نویسان معاصر عرب  
استعاره‌ی مفهومی در پژوهش‌های ادبی  
تمثیل‌های مشترک مثنوی و غزلیات شمس  
آموزش کدام زبان فارسی: سواد در عصر واگرایی  
نقد و بررسی رمان «قوها انعکاس فیل‌ها»  
کرسی ترویجی «تابعیت و جنسیت»

معناشناسی نحوی خطبه‌ی شقشقیه در نهج‌البلاغه  
ارتباطات سلامت و ارتقاء آگاهی گروه‌های اجتماعی  
تعامل مؤثر روزنامه‌نگاران و نظام سلامت در دوران همه‌گیری کووید ۱۹  
مسئولیت‌پذیری اجتماعی-رویکردی انتقادی  
تأملات روش‌شناختی، ساحت‌های نظری و عینی تاریخ‌پژوهی  
رنالیسم جادویی در ادبیات و سینمای ایران و مکزیک  
ارزیابی انتقادی فمینیسم پساساختارگرا  
کارکرد بلاغی در متون نثر صوفیه



## برگزیده شدن آثار استادان پژوهشگاه در سی و هشتمین دوره ی جایزه ی کتاب سال

به گزارش روابط عمومی خانه ی کتاب و ادبیات ایران، برگزیدگان و شایستگان تقدیر سی و هشتمین دوره ی جایزه ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و بیست و هشتمین دوره ی جایزه ی جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، دوم اسفند ماه ۱۳۹۹، با حضور دکتر حسن روحانی رئیس جمهور کشورمان معرفی شدند. در جمع برگزیدگان این دوره نام دو استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز به چشم می خورد.



کتاب «فرهنگ زبان آموز پیشرفته ی فارسی» تألیف دکتر سیدمصطفی عاصی به عنوان اثر برگزیده در بخش زبان فارسی و کتاب «چشم اندازهای فرهنگ معاصر ایران» تألیف دکتر نعمت الله فاضلی و دکتر مانی کلانی، به عنوان اثر شایسته ی تقدیر در بخش علوم اجتماعی سی و هشتمین دوره ی جایزه ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران انتخاب شدند. این موفقیت را به اهالی علم و دانش مخصوصاً خانواده ی بزرگ پژوهشگاه تبریک و تهنیت عرض می کنیم و امیدواریم موفقیت های این مرکز علمی، پژوهشی هم چنان ادامه داشته باشد.





## انتخاب «چشم‌اندازهای فرهنگ معاصر ایران» در جشنواره‌ی ملی نشر دانشگاهی

ششم اسفندماه ۱۳۹۹، طی مراسمی جایزه‌ی جشنواره‌ی ملی نشر دانشگاهی به کتاب «چشم‌اندازهای فرهنگ معاصر ایران» اختصاص یافت. براساس این خبر مجموعه‌ی سه‌جلدی «چشم‌اندازهای فرهنگ معاصر ایران» پژوهش نعمت‌الله فاضلی و مانی کلانی در دومین جشنواره‌ی ملی نشر دانشگاهی و در بخش کتاب برتر دانشگاهی، به‌عنوان اثر برتر شناخته شد.

آیین اختتامیه‌ی این جشنواره از سوی انجمن فرهنگی ناشران دانشگاهی برگزار شد. محتوای مناسب علمی، نوآوری در ارائه‌ی موضوع، نحوه‌ی نگارش و ویرایش علمی و ادبی متن، هم‌چنین کیفیت ارائه‌ی اثر از نظر حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، کیفیت فنی چاپ و صحافی و طراحی جلد معیار داوران در انتخاب کتاب‌های برتر بوده است.

کتاب «چشم‌اندازهای فرهنگ معاصر ایران» که در سه جلد با عناوین «از تمنای اسطوره تا تقلا‌ی جامعه»، «ایران در گذر از گذشته به آینده؛ تفاهم ملی یا نزاع بی‌پایان» و «فرهنگ ایرانی در درازنای تاریخ؛ آیا هم‌چنان ایرانی هستیم» از سوی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات منتشر شده به ارزیابی انتقادی دیدگاه‌های اندیشمندان کنونی ایران می‌پردازد. اندیشمندانی که در این مجموعه طرف‌گفت‌وگو قرار گرفته‌اند کسانی هستند که در حوزی جامعه و فرهنگ معاصر ایران تلاش کرده‌اند تا نظریه یا ایده‌ای را در قالب کتاب، مقاله یا فیلم تهیه یا منتشر سازند و البته برخی از آن‌ها نیز نقشی اساسی در راهبری نظام مدیریتی کشور و به تبع آن تحولات ایران معاصر داشته‌اند؛ اندیشمندان و صاحب‌نظران چون: جلال ستاری، رضا داوری، سیدمحمدامین قانع‌راد، محمدرضا اصلانی، سیدمحمد بهشتی، ابراهیم توفیق، مقصود فراستخواه، تقی آزادارمکی، عماد افروغ، محسن رنانی، محمود سریع‌القلم، حسین کجویان و حمیدرضا جلابی‌پور.

پیش از این نیز کتاب «چشم‌اندازهای فرهنگ معاصر ایران» در سی‌وهشتمین جایزه‌ی کتاب سال، به‌عنوان اثر شایسته‌ی تقدیر معرفی شد.

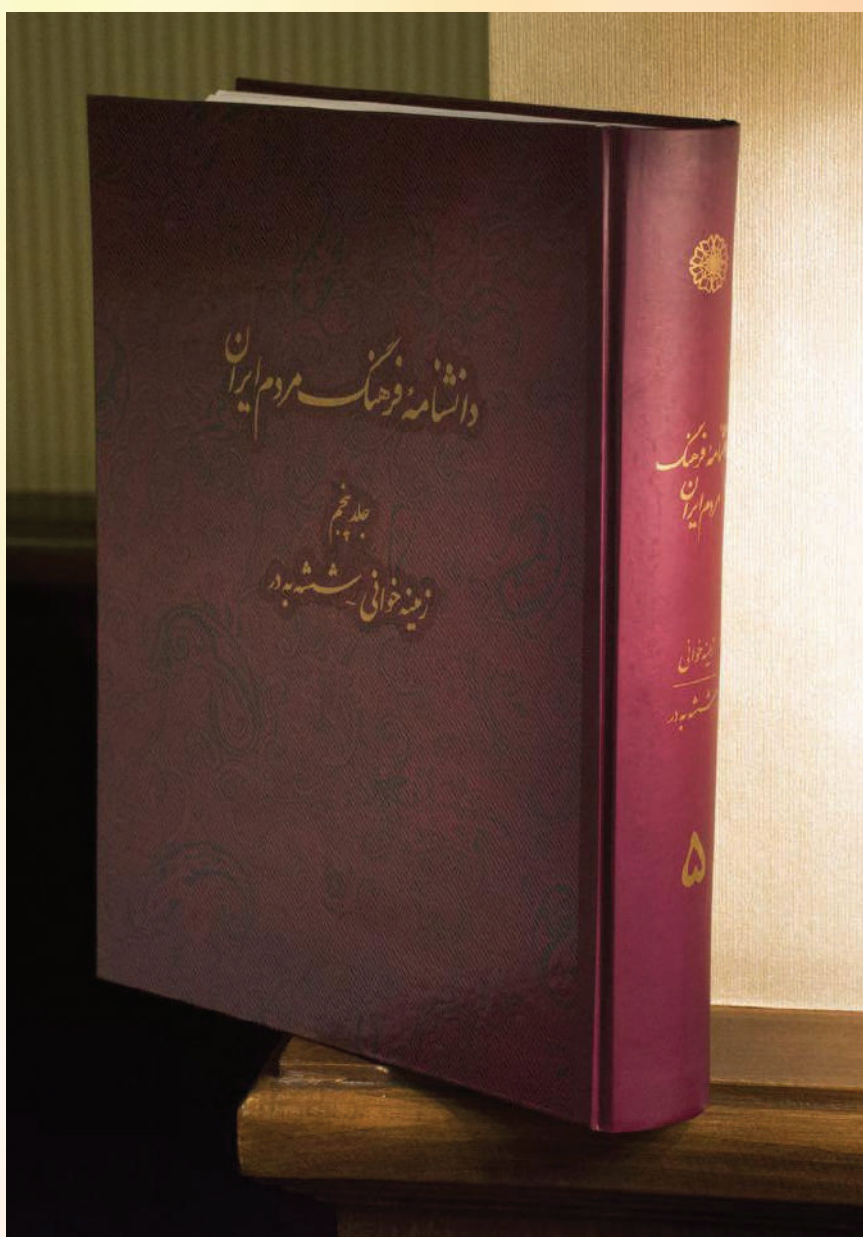




## مشارکت اعضای هیأت علمی پژوهشگاه در تدوین کتاب برگزیده‌ی سال «دانشنامه فرهنگ مردم ایران»

از برگزیدگان سی‌وهشتمین دوره‌ی جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در بخش «دایره‌المعارف‌ها و فرهنگنامه‌ها» کتاب «دانشنامه فرهنگ مردم ایران» تألیف گروه نویسندگان، انتخاب شد که از دکتر فرزانه گشتاسب و دکتر دالوند، اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به ترتیب ۲۴ و ۳۰ مقاله در این کتاب منتشر شده است. همچنین دکتر نعمت‌الله فاضلی، عضو شورای علمی دانشنامه فرهنگ مردم ایران، نیز عضو هیأت علمی پژوهشگاه است.

ضمن تبریک، آرزومندیم همه‌ی عزیزان به توفیقات بیشتری در عرصه‌های علمی و پژوهشی دست یابند.



## در آخرین جلسه‌ی شورای پژوهشی سال ۹۹ از افتخارآفرینان پژوهشگاه قدردانی شد

در حاشیه‌ی جلسه‌ی شورای پژوهشی پژوهشگاه که روز چهارشنبه، ۱۳ اسفندماه ۱۳۹۹، به صورت حضوری و با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی در سالن حکمت پژوهشگاه برگزار شد، از افتخارآفرینان پژوهشگاه تجلیل به عمل آمد.

در این جلسه ۱۰ طرح‌نامه‌ی پژوهشی موظف اعضای هیأت علمی مورد بررسی قرار گرفت و تصویب شد و گزارش طرح‌های پایان یافته و طرح‌نامه‌های مصوب طرح جامع اعتلای علوم انسانی نیز قرائت شد. در انتهای مراسم از برگزیدگان سی‌وهشتمین دوره‌ی جایزه‌ی کتاب سال؛ دکتر سیدمصطفی عاصی برای کتاب «فرهنگ زبان آموز پیشرفته فارسی» و دکتر فاضلی برای کتاب «چشم‌اندازهای فرهنگ معاصر ایران» قدردانی به عمل آمد. هم‌چنین از زحمات رؤسای پیشین پژوهشگاه‌ها دکتر محمدنژاد، دکتر حسنی‌فر، دکتر منصوری و دکتر هدایتی با اهدای لوح تقدیر سپاسگزاری شد.





## رونمایی از سامانه‌ی تعاملی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه

به مناسبت عید مبعث رسول اکرم (ص) از سامانه‌ی تعاملی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی با نهادها و سازمان‌های متقاضی طرح‌های پژوهشی رونمایی شد. (<http://setak.ihcs.ac.ir>) سامانه‌ی مذکور به‌همت معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی و مدیریت کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی به‌منظور «ایجاد و سامان‌دهی فعالیت‌ها و ارتباطات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی اعضای هیأت علمی»، «آشنایی نظام‌مند اعضای هیأت علمی با نیازها و اولویت‌های پژوهشی مؤسسات، سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی» و «آشنایی نهادها و سازمان‌ها با حوزه‌ی تخصص اعضای هیأت علمی» طراحی شده است.

در این جلسه که در روز چهارشنبه ۲۰ اسفندماه ۱۳۹۹، با حضور اعضای هیأت رئیسه و اعضای هیأت علمی پژوهشگاه برگزار شد، ریاست پژوهشگاه، دکتر حسینی‌قبادی به‌ضرورت توجه به رویکرد کاربردی‌سازی طرح‌ها بر اساس برنامه‌ی راهبردی پژوهشگاه اشاره کرد. دکتر زهرا پارساپور، معاون کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی ضمن تأکید بر اهمیت و ضرورت ایجاد سامانه‌های هوشمند برای ارتقای اثربخشی اقدامات معاونت کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی و فرهنگی، ابراز امیدواری کرد که این سامانه تسهیل‌گر ارتباطات برون‌سازمانی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه باشد.

دکتر الهام ابراهیمی، مدیر کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی با اشاره به آمار طرح‌های کاربردی و کارفرمایی و روند روبه‌رشد آن‌ها، به شکاف‌های عملیاتی و اجرایی موجود در برقراری ارتباط با نهادها و سازمان‌ها و نیز به نقاط قوت و قابل بهبود فرایندهای این مدیریت اشاره کرد. دکتر فرزانه میرشاه‌ولایتی به لزوم عنایت جدی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در اقتصاد دانش‌بنیان امروزی به طرح‌های ذینفع‌محور اشاره کرد و افزود: حدود ۶۰ درصد طرح‌های کارفرمایی از مبداء مدیریت کاربردی‌سازی و معرفی اولویت‌ها توسط این مدیریت آغاز می‌شود و این موضوع ضرورت توجه ظرفیت‌های موجود را دوچندان می‌کند.

در ادامه علیرضا شمسایی به معرفی سامانه و امکانات آن پرداخت. در پایان جلسه، از سامانه رونمایی و مقرر شد در جلساتی با اعضای هیأت علمی پیشنهادهای آنان برای ارتقای سامانه دریافت شود.





## جایزه‌ی دکتر کاظمی آشتیانی به عضو هیأت علمی پژوهشگاه تعلق گرفت

جایزه‌ی دکتر کاظمی آشتیانی بنیاد ملی نخبگان به دکتر سیدمحمدهادی گرامی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تعلق گرفت.

بر اساس این خبر، بنیاد ملی نخبگان در جدیدترین فهرست برگزیدگان خود، جایزه‌ی مرحوم کاظمی آشتیانی را به دکتر سیدمحمدهادی گرامی عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی اختصاص داد.

طبق شیوه‌نامه‌ی جایزه‌ی کاظمی آشتیانی، استادیاران جوان حداکثر تا سه‌سال پس از جذب فرصت دارند تا برای این جایزه اقدام کنند. این جایزه در قالب کمک هزینه‌ی پژوهشی و کمک هزینه‌ی تجهیزات به استادیاران جوان پرداخت می‌شود.

گفتنی است، زنده‌یاد سعید کاظمی آشتیانی چهره‌ی ماندگار علمی، رئیس سابق پژوهشگاه‌ی رویان و جهاد دانشگاهی بود که در سال ۸۴ دار فانی را وداع گفت و چهار سال بعد از درگذشت وی، جایزه‌ی به این نام برای حمایت و تجلیل از محققان برتر شکل گرفت.



## قدردانی از اعضای هیأت علمی برگزیده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در ارتباط با جامعه و صنعت

در راستای رویکرد حمایت و توسعه‌ی طرح‌های پژوهشی ذی‌نفع‌محور، کاربردی و کارفرمایی مطابق با برنامه‌ی توسعه‌ی راهبردی پژوهشگاه، ۱۷ اسفندماه ۱۳۹۹، در جلسه‌ی هیأت رئیسه از اعضای هیأت علمی فعال در این زمینه؛ دکتر سیدمحسن علوی‌پور، دکتر سجادی، دکتر سیدحسین میرجلیلی، دکتر محمدعلی ابوترابی و دکتر الهام ابراهیمی قدردانی شد.

گفتنی‌ست، دو طرح پژوهشی برگزیده‌ی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در ارتباط با جامعه و صنعت، تنها طرح‌های پژوهشی در حوزه‌ی علوم انسانی و اجتماعی و متعلق به اعضای هیأت علمی پژوهشگاه بودند. در عین حال از میان شش عضو هیأت علمی برگزیده‌ی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در ارتباط با جامعه و صنعت، سه عضو از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه حضور داشتند و پژوهشگاه علوم انسانی یکی از سه پژوهشگاه برگزیده در زمینه‌ی طرح‌های پژوهشی ارتباط با جامعه و صنعت در کنار پژوهشگاه‌های رنگ، مواد و انرژی و علوم و صنایع غذایی بود.





## حمایت ویژه‌ی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور، از رویکرد کاربردی پژوهشگاه و بین‌المللی شدن نشریات و انتشارات

رئیس و مدیران پژوهشگاه روز سه‌شنبه، ۵ اسفندماه ۱۳۹۹، طی جلسه‌ای با رئیس صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور، راه‌های تحقق ظرفیت‌های حمایت از تحقیقات در حوزه علوم انسانی و اجتماعی را بررسی کردند. دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه، در این جلسه که دکتر قنبرلو، معاون اداری، مالی و مدیریت منابع، دکتر الهام ابراهیمی، سرپرست مدیریت نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی و دکتر سپیده میرمجیدی، سرپرست مدیریت امور حقوقی، قراردادها و پاسخ‌گویی به شکایات نیز حضور داشتند؛ با تأکید بر این‌که در سال‌های اخیر، پژوهشگاه با روی آوردن به اجرای طرح‌های کاربردی و مسئله‌محور، قدم‌های مؤثری جهت پیوند هرچه بیشتر علوم انسانی و جامعه برداشته است، به‌وجود تفاهم‌نامه‌ی همکاری میان پژوهشگاه و صندوق اشاره کرد و خواستار رفع برخی مشکلات اجرایی موجود در فرایند تصویب طرح‌ها شد.

دکتر ایمان افتخاری، رئیس صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور نیز با اشاره به‌ضرورت متنوع‌سازی فعالیت‌های پژوهشی کاربردی و امکان اجرای طرح‌های پژوهشی چندجانبه با مشارکت کارفرمایان بیرونی، پژوهشگران پژوهشگاه را سرمایه‌ی بزرگی برای علوم انسانی کشور معرفی کرد و با اعلام این‌که صندوق جهت رفع مشکلات اجرایی تصویب طرح‌ها تلاش می‌کند، بر ضرورت گسترش فعالیت‌های علمی به‌عرصه‌ی بین‌المللی، ازجمله بین‌المللی شدن نشریات پژوهشگاه تأکید کرد و آمادگی صندوق برای هرگونه مساعدتی را در این زمینه یادآور شد.

در ادامه، حاضران نظرات و پیشنهادهایی را در جهت تقویت همکاری‌های دو مؤسسه ارائه کردند و مقرر شد این موضوعات و جلسات کارشناسی تخصصی مورد بررسی قرار گیرد و راهکارهای تحقق اهداف دوجانبه تدوین و اجرایی شود.







دکتر قبادی در جلسه‌ی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی:

## برای افزایش اثربخشی شبکه‌ی نخبگانی باید مسئله‌محور و خروجی‌مدار حرکت کنیم

جلسه‌ی ۲۲۵ شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، روز پنج‌شنبه ۱۴ اسفندماه ۱۳۹۹، با حضور اعضای شورا، رئیس و معاونان پژوهشگاه علوم انسانی در سالن حکمت برگزار شد.

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ابتدای این نشست، ضمن عرض خیرمقدم به مدیران شورا، به مسئولیت تمامی اعضای شورا در تقویت شبکه‌ی نخبگانی اشاره کرد و افزایش اثربخش آن را خواستار شد. وی اظهار داشت: برای افزایش اثربخشی شبکه‌ی نخبگانی علوم انسانی باید مسئله‌محور و خروجی‌محور حرکت کنیم و گاهی لازم است که سبک تولید را تغییر دهیم. دکتر قبادی در ادامه به کلان‌مسئله‌ها پرداخت و گفت: کلان‌مسئله‌ها ناظر به منابع درسی در حوزه‌ی مأموریت شورا است و محصولات شورا باید به صورت منابع درسی و کمک درسی به دست مخاطبان برسد اما مسائل کلان در حوزه‌ی مأموریت گروه‌های تخصصی است که آن هم باید معطوف به نیاز دانشگاهی باشد. این جلسه با گزارش دکتر کریمی مطهر، دبیر شورای بررسی متون درباره‌ی عملکرد این شورا در سال جاری ادامه یافت و در ادامه اعضای شورا به بحث و تبادل نظر درباره‌ی مسائل گروه‌های تخصصی، نشست‌های علمی، مسائل کلان گروه‌ها و غیره پرداختند.

دکتر معین‌زاده: حیث هستی‌شناختی مفهوم فرونیسیس در سنت فلسفی دیده نشد در بخش پایانی این نشست، دکتر معین‌زاده از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به ایراد سخنانی در خصوص اثر خود در طرح اعتلاء علوم انسانی با عنوان کتاب «تلائم نظر و عمل در تلقی از علوم انسانی به مثابه فرونیسیس» پرداخت.

معین‌زاده در خصوص مباحث این کتاب توضیح داد: ارسطو با قراردادن فرونیسیس در کنار چهار فضیلت عقلانی دیگر - ایستمه (معرفت علمی)، سوفیا (حکمت نظری)، نوس (عقل شهودی) و تخنه (هنر/صناعت) - به عنوان انحائی که ضمن آن‌ها پسوخته به حقیقت نائل می‌شود، گامی بسیار مهم و بلکه تاریخ‌ساز در فاصله گرفتن از ایده‌آل افلاطونی معرفت برداشت.

فرونیسیس که ما در فصل اول این نوشتار به تفصیل درباره‌ی تبار یونانی، سیر تطور و مفهوم آن برای ارسطو پرداخته‌ایم، از آن حیث حائز اهمیت بنیادین بود که معرفت عملی را به جد مورد عنایت قرار می‌داد. ارسطو از بین این پنج فضیلت عقلانی، سه فضیلت ایستمه، سوفیا و نوس را ناظر بر اموری دانست که تغییر و تبدل در آن‌ها راه ندارد. بدین ترتیب فرونیسیس نه ناظر بر ثبات که معطوف به سیلان و تحول بود، تأکیدی که بر تعلق فرونیسیس به امور جزئی و منفرد از سوی ارسطو می‌رود البته به معنای گسیختگی آن با کلیات نیست. در واقع به یمن رویکرد خاص ارسطو به نسبت امر کلی و جزئی و نیز تلقی او از اخلاق است که در مفهومی هم‌چون فرونیسیس، نظر و عمل با هم تلائمی ذاتی پیدا می‌کنند.

معین‌زاده افزود: این نکته‌ی بسیار اساسی در سنت فلسفی نشأت گرفته از ارسطو مغفول ماند که وی فرونیسیس را از انحائی دانسته‌است که ضمن و ذیل آن‌ها، روح به حقیقت نائل می‌شود. در سنت فلسفی مفهوم فرونیسیس به عنوان مفهومی اخلاقی یا تحت عنوان حکمت عملی (در برابر حکمت نظری) برای تقسیم‌بندی علوم به کار گرفته شد و حیث هستی‌شناختی آن مطرح نشد.

وی تأکید کرد: پس از هایدگر، گادامر فرونیسیس را عملاً بنیادی برای علوم انسانی قرار داد. گادامر در کتاب مشهور خود - حقیقت و روش - به نحوی مستوفاً به ماهیت علوم انسانی می‌پردازد. ما نیز این سه موقف اصلی - ارسطو، هایدگر و گادامر - را برای مدلل ساختن مدعای مان در خصوص ذات فرونتیک علوم انسانی برگزیده‌ایم. وی افزود: مفهوم فرونیسیس می‌تواند در بحث علوم انسانی و البته تقریب آن به قلمرو کاربرد - که منظور نظر طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور است - مداخلت پیدا کند.

دکتر معین‌زاده در پایان یادآور شد: ما در این اثر، سه موقف اصلی در تطور مفهوم فرونیسیس را بررسی کرده‌ایم؛ ارسطو، هایدگر و گادامر و البته تلاش داشته‌ایم که جابه‌جا نسبتی بین تلقی این فیلسوفان از فرونیسیس از یک‌سو و مسئله‌ی علوم انسانی از سوی دیگر، برقرار کنیم.



## مراسم انتخابات رؤسای پژوهشکده‌های مختلف پژوهشگاه برگزار شد

انتخابات رؤسای پژوهشکده‌های پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از روز نهم تا یازدهم اسفندماه ۱۳۹۹، با مشارکت اعضای هیأت علمی پژوهشکده‌های مختلف، برگزار شد. در این انتخابات که برای نخستین بار پس از اجرای ساختار جدید تشکیلاتی پژوهشگاه برگزار می‌شد و مدیریت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت، مسئولیت برگزاری آن را بر عهده داشت، اعضای هیأت علمی از میان نامزدها، گزینه‌ی مورد نظر خود را برای ریاست پژوهشکده‌های خود برگزیدند که بر اساس آراء اعلام‌شده، افراد ذیل برای ریاست پژوهشکده‌ها مورد اعتماد اعضا قرار گرفتند:

پژوهشکده‌ی تاریخ ایران؛ دکتر نیره دلیر

پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات؛ دکتر علیرضا شعبانلو

پژوهشکده‌ی زبان‌شناسی؛ دکتر سیروس نصرالله‌زاده

پژوهشکده‌ی مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل و حقوق؛ دکتر محمدعلی فتح‌الهی

پژوهشکده‌ی فلسفه و تاریخ علم؛ دکتر علیرضا منجمی

پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری؛ دکتر آریتا افراشی

پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات و تحقیقات اسناد فرهنگی آسیا؛ دکتر سیده زهرا اجاق

پژوهشکده‌ی مطالعات اجتماعی؛ دکتر محمدسالار کسرائی

لازم به یادآوری است که بر اساس آیین‌نامه‌ی انتخابات رؤسای پژوهشکده‌ها، در پژوهشکده‌های دارای کمتر از ۹ عضو هیأت علمی، انتخابات برگزار نمی‌شود و رئیس این پژوهشکده‌ها از سوی رئیس پژوهشگاه منصوب می‌شود.



## تأملات روش‌شناختی، ساحت‌های نظری و عینی تاریخ‌پژوهی

نشست «تأملات روش‌شناختی، ساحت‌های نظری و عینی تاریخ‌پژوهی» نوزدهم اسفندماه ۱۳۹۹، با سخنرانی دکتر محسن الویری به‌صورت مجازی برگزار شد. در آغاز نشست شمس‌الملوک مصطفوی در معرفی کمیته‌ی روش‌شناسی علوم انسانی شورای بررسی متون و کتب درسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: این کمیته جهت گسترش دانش نوپایی روش‌شناسی در ایران و روشن کردن نسبت علوم انسانی با روش‌شناسی به نحو نظری و عملی تشکیل شده است. کمیته روش‌شناسی فعالیت‌های خود را حول محور کلان مسئله‌هایی مانند چیستی روش و روش‌شناسی، نسبت روش با اندیشه، نیاز به بازاندیشی در روش و... سامان داده است. در راستای این مسئولیت خطیر چهره‌های شاخص علمی و نخبگان حوزه‌های مختلف علوم انسانی مانند فلسفه، اقتصاد، علوم، اجتماعی، تاریخ، حقوق، روان‌شناسی و... با این کمیته همکاری می‌کنند.



وی ابراز امیدواری کرد با حضور این محققان که هر یک مطالعات و آثار جدی و در خور تأمل و بعضاً یگانه‌ای در روش‌شناسی رشته‌ی خود دارند، بتوانیم خلاء ناشی از عدم وجود مطالعات روش‌شناختی در علوم انسانی را پر کنیم و نقش این مطالعات را در ارتقاء سطح علوم انسانی در جامعه‌ی علمی معلوم داریم. مصطفوی ادامه داد: یکی از چهره‌های شاخص علمی در حوزه‌ی روش‌شناسی تاریخ دکتر محسن الویری است که کمیته‌ی روش‌شناسی از همراهی و هم‌فکری ایشان در بهبود روند کارها به لحاظ کمی و کیفی بهره‌مند بوده است. مصطفوی در پایان از دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام به خاطر مشارکت فعال در برگزاری این

نشست سپاسگزاری و اظهار امیدواری کرد که این نشست زمینه‌ای باشد جهت همکاری‌های جدی آتی. در ادامه دکتر الویری برخی ملاحظات مهم خود را در دو ساحت نظری و عینی مطرح کرد که با توجه به چندگانگی مفهوم تاریخ تأمل در این ملاحظات توجه به پیامدهای آن برای پژوهشگران حوزه‌ی تاریخ بسیار مفید و راه‌گشا خواهد بود.

چکیده‌ی سخنان وی چنین بود: چندگانگی مفهوم واژه‌ی تاریخ هم‌چنان از بنیادی‌ترین مسائل مؤثر بر هرگونه بحث اندیشه‌ای درباره تاریخ است. تاریخ به‌مثابه رویداد بیرونی و تاریخ به‌مثابه آگاهی از آن و گزارش آن، دو ساحت متفاوت ولی درهم‌تنیده را پدید آورده است که این تفاوت و در هم‌تنیدگی را در همه ابعاد و مسائل آن دو می‌توان دید. اگر بپذیریم که تاریخ به مفهوم نخست سرشتی هستی‌شناختی و تاریخ به مفهوم دوم سرشتی معرفت‌شناختی دارد و اگر بپذیریم که پارادایم‌های پژوهش در حقیقت گونه‌های روش و یا بن‌مایه‌های معرفتی متمایز کننده‌ی روش‌ها از یکدیگر هستند، آن گاه می‌توان گفت که نخستین و مهمترین تأمل روش‌شناختی درباره‌ی این دو ساحت تاریخ به تفاوت پارادایم‌های پژوهش در آنها پیوند می‌یابد، این نکته به نوبه خود روش‌های پژوهش متفاوتی را پیش روی پژوهشگران این دو حیطه قرار می‌دهد. از سوی دیگر از آن‌جاکه روش‌های متعارف پژوهش در تاریخ نیز به‌صورت عمده با تلقی دوم از تاریخ (تاریخ به‌مثابه شناخت رویداد و گزارش رویداد) پیوند دارد، این امر سبب شده است که موضوعات ذیل روش‌شناسی تاریخ اغلب تنها به مسائل روش‌شناختی معرفت تاریخی و گزارش تاریخ محدود بماند و تقریباً هیچ‌کس درباره‌ی ملاحظات روش‌شناختی ساحت نظری تاریخ سخن نگوید.

در ادامه الویری ضمن تبیین این دو ملاحظه، پیامدهای آن دو را هم در قالب چند تأمل روش‌شناختی برای مخاطبان توضیح داد. پس از اتمام سخنان وی، پرسش‌ها و مسائلی درباره‌ی موضوعات ارائه شده طرح شد که مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفت.



## رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مصاحبه با ایسنا مطرح کرد: نیل به مدیریت کاربردی گرا، تولیدمدار و پرهیز از هزینه‌کرد بدون دستاورد

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با بیان این‌که برنامه‌ی توسعه‌ی راهبردی پژوهشگاه علوم انسانی را به مرحله کاربردی‌سازی رسانده است، گفت: این پژوهشگاه از مرحله‌ی محصور بودن در سطح تحقیقات صرفاً نظری عبور کرده در حال حاضر نزدیک به ۵۰ درصد از اعضای هیأت‌علمی این پژوهشگاه درگیر طرح‌های راهبردی توسعه‌ای و کاربردی هستند.



دکتر حسینعلی قبادی ضمن تبریک اعیاد مبعث و اعیاد شعبانیه و نوروز، با اشاره به این نکته که جشن‌های همه ملت‌ها، رنگ و مایه‌ی تمدنی خودشان را دارند و نوروز می‌تواند ژرفای تمدن ایران و فکر، فلسفه و فرهنگ ایرانی را نشان دهد، اظهار کرد: نوروز جشنی است که هم‌زمان، هم جنبه‌ی شادی و ظاهری و هم جنبه‌ی کاملاً معنوی دارد. این جشن هم‌ذات‌پنداری با کیهان است و از ابتدا ایرانیان بر مبنای جهان‌بینی شهودی، حکمت خسروانی و حکمت اشراق، نوروز را نقطه تلاقی حکمت نظری و حکمت عملی قرار دادند. در واقع نشأت گرفتن نوروز از ذات و سرشت آدمی، باعث شده است که حتی با گذشت تاریخ و دگرگونی‌ها؛ نوروز جای خود را در میان ایرانیان و بسیاری از دیگر ملل جهان حفظ کند.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه ضمن اشاره به قدمت ۵۵ ساله و تغییرات ساختاری اخیر این پژوهشگاه گفت: در سال ۱۳۹۹ و با پیگیری‌های انجام‌شده، ساختار سازمانی جدید برای پژوهشگاه ابلاغ و اعمال شد و حسب تحولات تشکیلاتی صورت‌گرفته، اکنون پژوهشگاه به کارآمدترین وجه سازمانی خود دست یافته است؛ بر اساس بررسی‌ها، این پژوهشگاه بزرگ‌ترین پژوهشگاه علوم انسانی در قاره‌ی آسیا است؛ چرا که ۱۲ مؤسسه‌ی تحقیقاتی «انجمن حکمت و فلسفه‌ی ایران، بنیاد شاهنامه فردوسی، بنیاد فرهنگ ایران، بنیاد فرهنگ و هنر ایران، پژوهشکده‌ی علوم ارتباطی و توسعه‌ی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگستان ادب و هنر ایران، فرهنگستان زبان ایران، فرهنگستان علوم ایران، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، مرکز ایرانی تحقیقات خارجی و مرکز ایرانی مطالعه‌ی فرهنگ‌ها» در این مرکز ادغام شده. هم‌چنین دو سال گذشته نیز بنیاد دانشنامه‌نگاری به مجموعه‌ی این پژوهشگاه اضافه شده است.

دکتر قبادی خاطر نشان ساخت: ما در سال‌های اخیر و به موازات تغییرات شکلی، در پی تغییرات محتوایی، کارکردی و راهبردی نیز بوده‌ایم؛ تدوین نخستین برنامه‌ی راهبردی پژوهشگاه در دوره‌ی مدیریت جدید نیز بر پایه‌ی همین مهم صورت گرفت. برنامه‌ی یادشده در سال ۱۳۹۳ با تأسی به آرمان‌های والای انقلاب اسلامی، منویات امام راحل و رهنمودهای مقام معظم رهبری، منطوقات اسناد بالادستی و سیاست‌های دولت تدبیر و امید در حوزه‌ی علوم انسانی تدوین شد. برنامه‌ی راهبردی نخست برنامه‌ای ۵ ساله بود و سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ را در برمی‌گرفت. بر اساس این برنامه پژوهشگاه تعمیق پژوهش‌های علوم انسانی و تلاش برای حل معضلات فرهنگی و اجتماعی را در اولویت کار خود قرار داده است.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در خصوص عملکرد پژوهشگاه در مسیر تحقق برنامه‌ی راهبردی نخست و تعمیق پژوهش‌های علوم انسانی تشریح کرد: یکی از مهم‌ترین ارکان پژوهشی به طرح‌های پژوهشی اعضای هیأت‌علمی مربوط می‌شود که در دوره‌ی جدید تلاش حداکثری صورت گرفت تا روند ارائه‌ی این طرح‌ها سامان بهتری پیدا کند.

وی ادامه داد: در نتیجه‌ی همین تلاش‌ها، اکنون پژوهشگاه به‌لحاظ سرانه‌ی تعداد طرح‌های پژوهشی پایان‌یافته



در بهترین شرایط خود قرار دارد و آمارها بیان‌گر آن است که در سال ۱۳۹۴ سرانه برابر با ۰.۲۷ طرح به ازای هر عضو هیأت علمی و روند آن تا سال ۱۳۹۹ صعودی بوده است به‌طوری که در سال ۱۳۹۹ سرانه به ۰.۵۶ طرح پایان‌یافته به ازای هر عضو هیأت علمی رسیده است.

این استاد دانشگاه افزود: هم‌چنین درصد رشد سالانه‌ی طرح‌های پایان‌یافته نشان می‌دهد که بالاترین میزان رشد تعداد طرح‌های پایان‌یافته در سال ۱۳۹۷ نسبت به مدت مشابه سال ۱۳۹۶ اتفاق افتاده است. میزان رشد در سال ۱۳۹۷ برابر با ۶۸ درصد بوده است.

به گفته‌ی دکتر قبادی؛ این موفقیت برآیند تلاش در جهت نظام‌مندسازی رویه‌های پژوهشی بوده است که در چارچوب اهداف برنامه‌ی راهبردی نخست پیگیری شد؛ تدوین آئین‌نامه، شیوه‌نامه و نظام‌نامه‌ها در زمره‌ی مهم‌ترین اقدامات به‌منظور نظام‌مندسازی رویه‌های پژوهشی به‌شمار می‌رود. از همین‌رو، در دوره‌ی برنامه‌ی راهبردی نخست می‌توان تهیه و تدوین آئین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌ها را از اقدامات مهم پژوهشگاه دانست.

وی با اشاره به مهم‌ترین این اقدامات اظهار کرد: تدوین شیوه‌نامه اجرایی انتخاب پژوهشگران و کارشناسان برتر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، آئین‌نامه‌ی ترفیع پایه‌ی استحقاقی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، آئین‌نامه‌ی شورای پژوهشی و شورای تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه، آئین‌نامه‌ی شورای انتشارات، آئین‌نامه‌ی گزینش اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شیوه‌نامه طرح‌های پژوهشی غیرموظف، نظام‌نامه‌ی پژوهشی و شیوه‌نامه‌ی برگزاری «همایش‌ها»، «سمینارها»، «نشست‌ها» و «سخنرانی‌های علمی» نمونه‌هایی از این اقدامات هستند.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ با اشاره به تمدن‌مدار بودن برنامه‌ی راهبردی نخست، علوم انسانی را در زمره‌ی علوم تمدن‌ساز دانست و در خصوص اقدامات پژوهشگاه در راستای تقویت تمدن ایرانی-اسلامی گفت: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز به‌عنوان یکی از نهادهای پژوهشی دیرپا در تاریخ معاصر ایران همواره بر صیانت و تقویت تمدن ایرانی اسلامی همت گمارده است و خود با بیش از ۵۵ سال سابقه فعالیت در عرصه‌ی علوم انسانی کشور، میراث‌دار مجموعه مؤسسات و نهادهایی است که هر یک به تنهایی با همت پیشکسوتان و بزرگان از این مرزوبوم، آثار مختلف گران‌سنگ و بی‌بدیلی را پدید آورده‌اند.

وی ادامه داد: بهره‌مندی از میراث تمدنی اسلامی-ایرانی در گرو عزمی جدی برای صیانت از اسناد تاریخی و میراث مکتوب است. در همین راستا پژوهشگاه در بازه‌ی زمانی برنامه‌ی راهبردی نخست، اقداماتی را در راستای پاسداری از میراث مکتوب انجام داده است. از جمله مهم‌ترین این اقدامات می‌توان به گردآوری و تکمیل تصاویر مجموعه نسخ خطی شاهنامه متعلق به بنیاد شاهنامه، انتقال مجموعه‌ای از نسخ خطی دیجیتال گنج بخش پاکستان به پژوهشگاه و انتقال اسناد اداری و تاریخی به سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران اشاره کرد. هم‌چنین در سال‌های اخیر اقدامات مهمی در راستای مرمت ساختمان کتابخانه‌ی مینوی و سامان‌بخشی وضعیت اسناد تاریخی آن صورت گرفته است. افزون بر آن، تلاش‌های مهمی برای تقویت زبان و فرهنگ ملی از جمله تأسیس پایگاه دادگان زبان فارسی، تدوین فرهنگ جامع فارسی میانه-فارسی نو و اجرای طرح برنامه‌ریزی زبانی صورت گرفته است.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با اشاره به دستاوردهای برنامه‌ی راهبردی پژوهشگاه در دو سطح کلان و خرد، گفت: دستاوردهای سطح کلان عبور از «مدیریت هزینه» به مدیریت کاربردی‌گرا، تولیدمدار و دستاوردمحور بود که عیناً ملهم از رهنمودها و سفارش‌های مقام معظم رهبری در دیدار با بخشی از مدیریت پژوهشگاه بوده است.

وی در ادامه افزود: در سطح دوم نیز شاهد ارتقاء همه‌جانبه شاخص‌های عملکردی بودیم. برای مثال رشد نزدیک به ۳۰۰ درصدی تولید سرانه‌ی علم در پژوهشگاه نمونه‌ای از آن است.

دکتر قبادی تغییر نظام مدیریتی پژوهشگاه را یکی دیگر از اقدامات انجام‌شده در جهت اهداف پژوهشگاه عنوان کرد و گفت: در این مدت با اجرای برنامه‌ی اول راهبردی توسعه‌ی پژوهشگاه مدیریت بر مبنای هزینه به مدیریت تولیدمدار تبدیل شده است.



وی افزود: مدیریت تولیدکننده در عرصه‌ی نظر، راه‌کار و توصیه‌ی سیاستی تولید می‌کند و در عرصه‌ی هزینه نیز، به جای آن‌که به دولت، مجلس و بودجه مصوب سالانه چشم داشته باشد، با حل مشکلات سازمان‌های دولتی و حتی بخش خصوصی و راه‌اندازی مرکز نوآوری، رابطه‌ی پژوهشگاه و صنعت را نهادینه کرده و آن را تبدیل به مدیریت کاربردی می‌کند. در واقع امروزه پژوهشگاه با توجه به رویکرد برنامه‌ی راهبردی، به سمت کاربردی‌سازی و تحکیم پیوند خود با بدنه‌ی جامعه حرکت کرده است.

دکتر قبادی در پاسخ به این پرسش که پژوهشگاه تا چه میزان توانسته از بودجه‌های دولتی مستقل شود و نیازهای خود را بر اساس توان و پتانسیل خود بر طرف کند، بیان کرد: پژوهشگاه تاکنون نزدیک به ۷۰ پروژه کارفرمایی، تقاضامند و مسئله‌مند داشته است و این پژوهشگاه در دهه‌های متوالی به بحث‌های نظری و تحقیقات نظری می‌پرداخت ولی در حال حاضر نزدیک به ۵۰ درصد از اعضای هیأت‌علمی پژوهشگاه درگیر طرح‌های کارفرمایی هستند و معمولاً این افراد طیفی از همکاران خود را نیز به کار می‌گیرند و گاهی برخی از اعضای دانشگاه‌های دیگر و نخبگان نیز وارد کار می‌شوند.

وی افزود: هم‌چنین پژوهشگاه سهم خود از اعتبارات دولتی خالص را نیز در طرح‌های نیازمحور هزینه می‌کند. رئیس پژوهشگاه علوم انسانی با اشاره به بحث مطرح‌شدن نسل چهارم مؤسسات آموزش عالی، تشریح کرد: دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های نسل اول دانش‌محور، نسل دوم پژوهش‌محور و نسل سوم کارآفرین و ثروت‌آفرین بوده‌اند. اما در نسل چهارم، پژوهشگاه‌ها و دانشگاه‌ها باید ناظر بر اثرگذاری در عرصه‌ی سیاست‌گذاری‌های اجتماع و در خدمت توسعه‌ی اجتماعی و شکوفایی انسانی باشند. هر چند نباید از سه هدف نخست یعنی دانش محوری، پژوهش محوری و کارآفرینی غفلت شود.

وی ضمن اشاره به فعالیت‌های کاربردی پژوهشگاه، اظهار کرد: پژوهشگاه، پژوهش‌های علوم انسانی را در برخی زمینه‌ها به مرحله‌ی کارکرد بالینی رسانده است. برای نمونه، بخشی از فعالیت‌های پژوهشگاه در زمینه‌ی توانمندسازی کودکانی است که اختلالات گفتاری دارند، یعنی علوم انسانی به سمت عرصه‌های درمان‌گری گام برداشته است. هم‌چنین در حوزه‌ی روان‌شناسی، مشاوره، توسعه و امنیت هم به همین صورت عمل کردیم. در حوزه‌ی توسعه و امنیت پژوهشگاه نگاه به مسئله امنیت را تبدیل به رویکردی مردم‌محور، اجتماع‌محور و جامعه‌محور کرده است. این موضوع هر چند نظری است، اما به‌طور کامل حاوی دلالت‌های راهبردی و کاربردی است.

دکتر قبادی افزود: ما با این شیوه توانستیم هزینه‌های ملی را کاهش دهیم و سرمایه‌های انسانی و اجتماعی را صیانت کنیم.

وی در ادامه‌ی بحث خود درباره‌ی نقش‌آفرینی پژوهشگاه در عرصه‌ی اجتماعی، به پروژه‌ی کاربردی توانمندسازی روستاهای سواحل مکران اشاره کرد و توضیح داد: این پروژه‌ی کاملاً کاربردی که در حال حاضر به پایان رسیده است، با حمایت سازمان برنامه و بودجه، استانداری آن منطقه و فرمانداری چابهار، کنارک و شهرهای دیگر انجام شد. هدف از انجام آن پیدا کردن راهی برای مهاجرت معکوس، توانمندسازی و کشف مشاغلی بود که بتواند در خود روستاها احیا و زنده شود. این پروژه را با انجام مطالعات بیشتر می‌توان به دیگر مناطق نیز تعمیم داد.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی اقتضائات رشته‌های علوم انسانی و نوع نسبت آن‌ها با کاربردی شدن را، متفاوت دانست و خاطر نشان کرد: از حوزه‌ی فلسفه نمی‌توان انتظار کاربردهایی مشابه به علوم اجتماعی را داشت؛ ولی با این حال ما فلسفه را از حوزه‌ی انتزاعیات فراتر بردیم و از قابلیت‌های آن برای مواجهه با معضلات اجتماعی استفاده کردیم. برای نمونه، بحث «فلسفه و زیست‌جهان امروز در عصر کرونا» را طرح کردیم. در ابتدا خودمان یقین نداشتیم که بتوانیم اصحاب فلسفه را نیز وارد این حوزه‌ها کنیم؛ ولی وقتی انجام شد مشاهده کردیم که چه دنیای گسترده‌ای است و مورد استقبال علاقه‌مندان علوم انسانی قرار گرفت.

دکتر قبادی با اشاره به عملی‌شدن آرمان «پژوهشگاه بدون دیوار» در سال‌های اخیر گفت: در هفته‌ی پژوهش سال ۹۸ برای نخستین بار «آرمان پژوهشگاه بدون دیوار» عملی شد و جهت تعامل مستقیم با جامعه، نمایندگان



دستاوردهای پژوهش، فناوری و فن‌بازار وزارت علوم تحقیقات و فناوری در نواحی اطراف پژوهشگاه مانند برج‌های آ. اس. پ و برج بین‌المللی تهران برای برگزاری کارگاه‌ها، میزهای بالینی و کلینیکال برگزار شد. در این کارگاه‌ها خدمات رایگانی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی به مردم ارائه شد. وی ضمن تشریح این اقدامات عنوان کرد: در این کارگاه‌ها خدمات رایگان در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی ارائه شد، موضوعاتی نظیر مسائل تحصیلی خانواده‌ها و مشکلات آن‌ها برای حضور فرزندان‌شان در فضای مجازی طرح شد که با استقبال مخاطبان روبرو شد.

وی ادامه داد: از جمله در محوطه‌ی اطراف پژوهشگاه ۵ پنل و بعضاً کلینیک با عناوین: پژوهش و افق‌های پیشرفت؛ مشاوره خانواده، پژوهش و افق‌های پیشرفت؛ مشاوره تحصیلی، پژوهش و افق‌های پیشرفت؛ مشاوره فلسفی به والدین، پژوهش و افق‌های پیشرفت؛ مشاوره خلاقیت و پژوهش و افق‌های پیشرفت و مشاوره‌ی گفتار و زبان برگزار شد.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ارتباط با طرح‌هایی که با حمایت سازمان برنامه و بودجه و با عنوان طرح اعتلای علوم انسانی انجام شده است، تشریح کرد: در طرح اعتلاء، ما سه کارگروه با شش مسئله‌ی مشترک داشتیم و در آن تأملاتی در ذات علوم انسانی غرب و هم‌چنین تأملاتی در نحوه‌ی ورود این علوم به ایران داشتیم، به علاوه این‌که در کاربست علوم یادشده در ایران تحقیقاتی صورت گرفت.

وی ادامه داد: این طرح در حال حاضر در مرحله‌ی ثمردهی است. یک مجموعه‌ی نظام‌مند بر اساس آن طراحی شد که ۱۱ ماه زمان صرف آن شده است و گزارش سازمان برنامه هم در مرحله‌ی نهایی آن قرار دارد. ۹ کتاب آن منتشر شده و ۱۴ جلد نیز به‌زودی منتشر می‌شود. ده‌ها مقاله‌ی علمی-پژوهشی داخلی و بین‌المللی هم از آن استخراج شده است.

دکتر قبادی در ادامه به تهیه‌ی پشتوانه‌ی نظری برای کاربردی‌سازی علوم انسانی اشاره کرد و گفت: برخی معتقدند که کاربردی‌سازی علوم انسانی، فروش علم و فروش حقیقت است؛ در صورتی‌که این‌گونه نیست. به‌کارگیری علم بر ارزش علم می‌افزاید و کسی که فواید علم را می‌بیند، بیشتر به علم اعتقاد پیدا می‌کند. وی ادامه داد: اگر علوم انسانی بتواند آسیب‌هایی مانند طلاق، اعتیاد و افسردگی را در جامعه کاهش دهد، یا باعث ارتقای نظام اخلاق در جامعه شود، اعتماد عمومی به‌خود را افزایش می‌دهد. حتی علوم انسانی می‌تواند تکنیک‌هایی ارائه دهد که توسط آن‌ها علوم تجربی ساده‌تر آموزش داده شود.

دکتر قبادی افزود: علوم طبیعی هم محاط در علوم انسانی است و پایه، مایه، سرانجام و غایت علوم تجربی را علوم انسانی تعریف می‌کند. در دنیای غرب هم به‌همین صورت بوده است که ابتدا فیلسوفان ایده داده‌اند و بعد تکنولوژی به‌وجود آمده است. تغییر مفاهیم، تفسیر مفاهیم و تغییر جهان ابتدا در حوزه‌ی فکر، فلسفه و علوم انسانی بوده است. ولی متأسفانه جامعه‌ی ما از کارکرد پنهان، ذاتی و مستقیم علوم انسانی، یعنی معرفت‌افزایی در جامعه غافل است.

این پژوهشگر هم‌چنین به اهمیت مباحث بومی و دینی در برنامه‌ی راهبردی نخست اشاره کرد و با برشمردن فعالیت‌های پژوهشگاه علوم انسانی در رابطه با ارتقای هویت دینی و بومی عنوان کرد: وجود تعداد متنابهی از فصلنامه‌های تخصصی با رویکرد بومی و دینی از جمله آفاق الحضاره الاسلامی، پژوهش‌نامه‌ی علوی، پژوهش‌نامه‌ی علم و دین، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، نقدنامه‌ی فلسفه و کلام ادیان و عرفان، حکمت معاصر و فلسفه‌ی علم؛ ظرفیت‌های گسترده‌ای را در زمینه‌ی فعالیت دینی و بومی فراهم آورده است.

وی با اشاره به برگزاری همایش‌هایی با رویکرد دینی-بومی گفت: همایش «ظرفیت‌های پاسخ‌گویی فلسفه، کلام، ادیان و عرفان به چالش‌های امروز»، همایش ملی «استاد شهید مرتضی مطهری و مطالعات قرآنی معاصر»، سلسله همایش‌های ملی «میشاق علوی»، همایش ملی «بیداری اسلامی»، همایش بین‌المللی «حکومت علوی»، همایش ملی «نهج‌البلاغه در آراء و اندیشه‌های اسلام‌شناسان»، همایش‌های ادواری بین‌المللی «نهج‌البلاغه پژوهان جهان» و جشنواره و کنگره‌ی بین‌المللی «امام علی(ع) پژوهی» نمونه‌هایی از این همایش‌ها هستند.



دکتر قبادی ادامه داد: بیش از ۴۸ نشست تخصصی با عناوین مانند «نظام سیاسی اسلام»، «دولت در صدر اسلام»، «جهاد و ترور در اسلام»، «زن در اسلام»، «دلایل افول معتزله در جهان اسلام»، «تحولات نشانه‌شناختی در دیالوگ میان دین و سینما»، «دین، فرهنگ و فناوری» و بیش از ۶۰ نشست علمی در خصوص امام علی (ع) برگزار شده است و از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ شاهد چاپ بیش از ۳۵ عنوان کتاب با موضوعیت دینی هستیم.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ضمن تشریح فعالیت‌های بین‌المللی پژوهشگاه به برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی امام علی (ع) اشاره کرد و گفت: کنفرانس‌های بین‌المللی مهمی در حوزه امام علی (ع) پژوهی برگزار شده است که سومین کنگره‌ی بین‌المللی امام علی (ع) پژوهی از جمله گسترده‌ترین آن‌ها بود. این کنگره در هیأت‌رئیس پژوهشگاه با شعار «فرهنگ صلح در اندیشه و سیره امام علی علیه‌السلام؛ بازخوانی گفتمان با رویکردی جهانی، چالش امروز و طرحی برای فردا» در دفتر ریاست پژوهشگاه برگزار شد.

وی ادامه داد: در برگزاری این دوره از کنگره نهاد و مراکزی همچون وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت پژوهش و فناوری وزارت علوم تحقیقات و فناوری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مرکز تحقیقات امام علی (ع)، دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه الزهراء، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، دانشگاه مفید، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه معاونت پژوهش، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، مسجدالکوفه المعظم، عتبه‌العلویه المقدسه، جامعه‌الکوفه، بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، دانشگاه فرهنگیان، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، مؤسسه‌ی فرهنگی اکو، کتابخانه‌ی تخصصی امیرالمؤمنین علی (ع)، سیوبلیکا، مرکز همکاری‌های علمی و بین‌المللی، حوزه‌ی حضرت خدیجه (س)، دانشگاه علیگری هند مشارکت داشتند و ۱۴۸ مقاله‌ی داخلی و خارجی به این همایش ارسال شد.

وی عنوان کرد: ورود پژوهشگاه به طرح تراز بین‌المللی نیز یکی از مهم‌ترین تحولات در روابط بین‌الملل پژوهشگاه بوده است و پژوهشگاه علوم انسانی در دوره‌ی جدید توانست به‌عنوان تنها مؤسسه‌ی پژوهشی علوم انسانی کشور در کنار هشت مؤسسه‌ی پژوهشی دیگر در حوزه‌های علوم بنیادین، فنی و مهندسی و ۱۶ دانشگاه جامع و صنعتی در طرح «ارتقای پنج دانشگاه و پنج واحد پژوهشی برتر کشور به تراز بین‌المللی» حضور یابد. دکتر قبادی به اهمیت پیوند حوزه و دانشگاه به‌منظور تعمیق فعالیت‌های پژوهشی بومی-دینی اشاره داشت و در خصوص فعالیت‌های پژوهشگاه در راستای تعمیق بومی‌سازی علوم انسانی گفت: پژوهشگاه علوم انسانی با نهادهای زیادی نظیر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، جامعه‌المصطفی، پژوهشگاه ادیان، معاونت پژوهشی حوزه‌ی علمیه، انجمن‌های علمی حوزه‌ی علمیه، پژوهشگاه فرهنگ و علوم انسانی قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، دانشگاه علوم و حدیث، تقریب مذاهب و دانشگاه مفید ارتباط دارد. پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی و انجمن مطالعات قرآنی نیز در پژوهشگاه تأسیس شده است. هم‌چنین تنها مجله‌ی انتقادی کشور به‌صورت ماهنامه در پژوهشگاه منتشر می‌شود که طی آن مبانی نظری و دستاوردهای علمی غرب دائماً نقد می‌شود.

وی عنوان کرد: افزون بر این، تفاهم‌نامه‌های متعددی نیز با مراکز دینی و مذهبی از جمله بنیاد مطالعات اسلامی روسیه، دانشگاه باقرالعلوم، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشگاه مطالعات اسلامی لبنان، مدرسه‌ی اسلامی هنر قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، معاونت پژوهشی حوزه‌ی علمیه قم، دانشگاه امام صادق (ع)، جامعه‌المصطفی و انجمن‌های علمی حوزه علمیه‌ی قم و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه منعقد شده است.

به گفته دکتر قبادی مهم‌ترین اقدامات صورت‌گرفته در پژوهشگاه در برنامه‌ی پنج‌ساله اول؛ تأسیس معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی، جذب نیروهای متخصص، کسب ۲۶ جایزه ملی و بین‌المللی در سال‌های ۱۳۹۴ - ۱۳۹۹، توسعه‌ی چشم‌گیر پرتال جامع علوم انسانی، روزآمدسازی، ارتقاء و توسعه‌ی وب‌گاه پژوهشگاه، گسترش تلاش‌ها در راستای ترویجی‌سازی علوم انسانی، مجموعه فعالیت‌های پژوهشی پیرامون اقتصاد مقاومتی مجموعه مقالات حمایت از تولید ملی و کالای ایرانی و رونق تولید، اجرای طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور، اجرای طرح توانمندسازی اجتماع محور مناطق محروم سواحل مکران هستند.

وی ادامه داد: هم‌چنین همکاری و سازماندهی بیش از ۳۰۰۰ نفر از استادان دانشگاه‌های سراسر کشور در ۱۷ گروه تخصصی، تأسیس دفتر کرسی‌های نقد، نوآوری و نظریه‌پردازی و گسترش فعالیت‌های آن تا ۱۲ کرسی در سال،



تبدیل هیأت ممیزه و هیأت جذب پژوهشگاه به قطب هیأت ممیزه و جذب مؤسسات پژوهشی علوم انسانی وزارت علوم، بالا بردن سطح رفاهی و معیشتی کارکنان و پرداخت جدول معیشتی سالانه کم‌نظیر نسبت به پژوهشگاه‌ها و دانشگاه‌های شهر تهران، نظام‌مندسازی فرایندهای امور پژوهشی، تدوین انواع نظام‌نامه و شیوه‌نامه‌های مرتبط سامانه‌ی سیماپ و یکسان‌سازی فرایندهای امور پژوهشی، ایجاد واحدهای تازه‌ای چون دفتر نظارت و ارزیابی و دفتر اعضای هیأت علمی و تدوین برنامه‌ی راهبردی اول و دوم و برانگیختن اعضای هیأت علمی به داشتن برنامه‌ی راهبردی پژوهشی و تلاش برای تحقق آن؛ از دیگر اقداماتی صورت گرفته در این پژوهشگاه است.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ظرفیت‌های پژوهشگاه را به دو دسته؛ ظرفیت‌های انسانی و سازمانی تقسیم کرد و درخصوص ظرفیت‌های انسانی پژوهشگاه گفت: یکی از اهداف ترسیم شده در برنامه‌ی راهبردی نخست جذب ۵۱ عضو هیأت علمی جدید بود. یکی از موفق‌ترین حوزه‌های عملکرد پژوهشگاه در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ موفقیت در توسعه‌ی بدنه اعضای هیأت علمی و تحقق اهداف ترسیم‌شده در برنامه‌ی راهبردی نخست در این زمینه است.

وی ادامه داد: اعضای که در سال‌های اخیر جذب شده‌اند عمدتاً از دانشگاه‌های برتر کشور بوده‌اند. بیشترین تعداد جذب‌شدگان فارغ‌التحصیل دانشگاه تهران (۲۵ نفر؛ حدود ۴۰ درصد جذب شدگان) و در مرتبه‌ی بعد دانشگاه تربیت مدرس (۸ نفر) و دانشگاه علامه طباطبایی (۶ نفر) بوده‌اند.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی توفیقات پژوهشگاه در عرصه‌ی راهبردی و در عرصه‌ی کاربردی را محصول نگاه برنامه‌مدار دانست و با ذکر این‌که اکنون در سال اول برنامه راهبردی دوم هستیم، خاطرنشان کرد: در پنج سال اول هدف‌گذاری کردیم تا فرآیند پژوهش کاملاً اتوماسیون و نظام‌مند شود و این محقق شد. هم‌چنین هدف‌گذاری دیگری نیز برای بالا بردن کیفیت انتشارات و محصولات انجام دادیم و سرعت تصویب طرح‌ها در شوراهای نیز در عین حفظ و ارتقاء کیفیت افزایش دادیم. به‌علاوه پرتال جامع علوم انسانی، توسعه‌ی قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد. یکی از نقاط عطف در مسیر توسعه‌ی پرتال جامع، راه‌اندازی نسخه‌ی جدید این بانک اطلاعاتی در شهریور ۱۳۹۷ است. این نسخه‌ی جدید از امکانات نرم‌افزاری بیشتری برخوردار است و ساختار منعطف آن با معیارهای کاربردوستی منطبق‌تر است. در نتیجه تحول یادشده در میزان مراجعه کنندگان به پرتال در سال ۱۳۹۸ نسبت به زمان مشابه در سال ۱۳۹۷ با رشد حدوداً ۳۰۰ درصدی همراه بوده است. هم‌چنین رتبه‌ی پرتال در وب‌گاه معتبر الکسا در رابطه با میزان مراجعه‌کنندگان پس از ارائه‌ی نسخه‌ی جدید پرتال، از سوی کاربران ایرانی با رشد ۵۰۱ پله‌ای و از سوی کاربران سراسر جهان با رشد ۱۲۵۵۷ پله‌ای همراه بوده است.

وی ادامه داد: با توجه به آمار استخراج شده از نرم‌افزار معتبر گوگل آنالیتیکز ((Google Analytics، در ۴ ماهه‌ی نخست سال ۱۳۹۸ بیش از ۳ میلیون و ۸۰ هزار کاربر جهت بهره‌مندی از داده‌های پرتال به وب‌گاه [ensani.ir](http://ensani.ir) مراجعه کرده‌اند. این تعداد کاربر از بیش از ۶ میلیون و ۶۰۰ هزار صفحه در پرتال بازدید داشته‌اند که نسبت صفحه‌ی بازدید شده به تعداد کاربران ۲.۱ صفحه بوده است.

این استاد دانشگاه سه عامل اصلی را در توضیح توسعه‌ی چشم‌گیر پرتال جامع علوم انسانی در دوره‌ی برنامه راهبردی نخست برشمرد: ۱. دلایل تکنیکی اعم از تغییر نرم‌افزار، بهبود سرعت بارگذاری صفحات، امکانات جدید نرم‌افزاری و رفع کاستی‌های نرم‌افزاری پیشین، ۲. به‌روزرسانی سریع‌تر نشریات با استفاده‌ی بهینه از نیروی انسانی پژوهشگاه و کاربست حداکثری ظرفیت‌های دانشجویی و ۳- دسترسی رایگان مخاطبان به مقالات علمی در پرتال با توجه به پولی بودن اکثر بانک‌های اطلاعاتی مشابه در کشور.

دکتر قبادی در پایان خاطرنشان کرد: ما سالانه شعار سال را که مقام معظم رهبری اعلام می‌کنند، بلافاصله با کنش مستمر و پیگیری مداوم دنبال کرده‌ایم. برای نمونه در راستای تحقق شعار «اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال»، پژوهش‌هایی به‌منظور تحکیم پیوند علوم انسانی با عرصه‌ی صنعت و اجتماع انجام شد و اثری مهم در این زمینه به انتشار رسید. هم‌چنین در رابطه با بیانیه‌ی گام دوم انقلاب نیز ما به‌موقع وارد عمل شدیم و نشست‌های بسیار متعددی داشتیم و حتی با مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نیز همکاری‌های مهمی صورت گرفت.

منبع: ایسنا



دکتر قبادی در دیدار با گروه پژوهشی مدیریت:

## گروه مدیریت می‌تواند پل قابل اتکایی در مسیر پژوهش تقاضامحور و جامعه‌محور باشد

نخستین دیدار گروه پژوهشی مدیریت با رئیس پژوهشگاه، روز دوشنبه ۲۷ بهمن‌ماه ۱۳۹۹، در دفتر ریاست پژوهشگاه، با خوش‌آمدگویی دکتر قبادی به اعضای حاضر در این جلسه؛ دکتر براتلو، دکتر ابراهیمی، دکتر روشن‌نژاد، دکتر سیدکلالی و دکتر میرشاه‌ولایتی آغاز شد.

در ابتدای این جلسه دکتر قبادی به بیان اهمیت راه‌اندازی گروه مدیریت در پژوهشگاه و نقشی که این گروه می‌تواند در راهبری پژوهشگاه به سوی کاربردی‌شدن داشته باشد، پرداخت و گفت: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در مسیر افزایش کارآمدی، به پژوهش‌کده‌ی مدیریت هم نیاز داشت؛ از این‌رو طرح تأسیس پژوهشکده‌ی مدیریت در جلسات کمیسیون و هیأت‌امنا مطرح شد که در ادامه‌ی این مسیر باید به همت شما بزرگان، تبدیل گروه پژوهشی به پژوهشکده محقق شود.

قبادی تأکید کرد: در این راستا اول این‌که با امکان جذب نیروهای خوب در فراخوان جدید و سهمیه‌ای که از آن گروه است که البته پژوهشکده‌های دیگر هم با شما هم‌افق خواهند بود تا اجرای طرح‌های کارفرمایی و راهبردی‌شدن مباحث نظری در عمل تسهیل شود. در این باره اگر طبق اعلام سازمان یونسکو پژوهش را به سه دسته تقسیم کنیم؛ پژوهش اول، پژوهش نظری است که شامل دو بخش؛ نظری بنیادی و نظری راهبردی می‌شود. بخش دوم پژوهش توصیه‌ای و بخش سوم آن نیز کاربردی هستند، حتی در فلسفه که نظری‌ترین رشته است، ما می‌توانیم طرح‌های راهبردی و بعد کاربردی داشته باشیم. به‌عنوان یک نمونه؛ ورود و دخالت در موضوع کرونا که در ابتدا برخی آن را بی‌ربط به علوم انسانی می‌دانستند، و بعد گفته شد که حوزه‌هایی چون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و مدیریت هم در این زمینه دخیل هستند.

قبادی ادامه داد: گروه مدیریت می‌تواند پل قابل اتکایی در کنار همه‌ی رشته‌های دیگر در مسیر پژوهش تقاضامحور، جامعه‌محور و پژوهشگاه بدون دیوار باشد. قبلاً گروه مدیریتی وجود نداشت اما خدا را شکر الان گروه مستقلی داریم که استعداد ساختاری ذاتی و سازمانی بهتری برای رشد دارد و این بحث که ارائه شد دلیلی از دلایل باور به ضرورت تأسیس این گروه و پژوهشکده است.

وی گفت: رشته‌ی مدیریت می‌تواند بیش از این در مسئله‌محور کردن، نقش داشته باشد چون راهبرد بلد است و راه تبدیل راهبرد به تاکتیک را می‌داند. راه تبدیل فن به فناوری، هم‌چنین فن‌بازار و غیره را بلد است، لذا ما سرمایه‌ی عظیمی داریم که با توجه به رشته‌ی مدیریت می‌تواند به فعلیت برسد، اگر ما طبق فرمایشات مقام معظم رهبری که در دیدار با شورای بررسی متون فرمودند؛ «کاری کنید که محصول‌تان به بازار بیاید» باید به خروجی‌کردن آثار بیان‌دیشیم که در این‌راه باید با انرژی مضاعف کار شود و محصول‌محور باشید که مایه‌ی دوام، قوام، رشد و توسعه‌ی مدیریت باید این باشد.

در این جلسه دکتر براتلو (مدیر گروه پژوهشی مدیریت) و اعضای حاضر نیز به ارائه‌ی دیدگاه‌های خود پرداختند.



## نکوداشت دکتر صانع‌پور

مراسم نکوداشت استاد فرهیخته و فرزانه دکتر مریم صانع‌پور؛ دکترای فلسفه‌ی اسلامی، دکترای علوم و معارف نهج البلاغه، پژوهشگر و مؤلف پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با همکاری گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشکده غرب‌شناسی و علم پژوهی، پژوهشکده‌ی حکمت معاصر و گروه پژوهشی مطالعات قرآنی، هفتم بهمن‌ماه ۱۳۹۹ به‌صورت حضوری و مجازی (وبینار) برگزار شد.



در ابتدای نشست دکتر قبادی، ریاست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ضمن تأکید بر حسن سلیقه در برگزاری این برنامه و تقارن آن با میلاد حضرت زهرا (س) و بزرگداشت روز زن گفت: خدا را شاکریم که پژوهشگاه از نعمت حضور زنان رشید، کارآمد، عالم و فرزانه برخوردار است که درصد بالایی از مدیران و اعضای شورای پژوهشی پژوهشگاه را زنان تشکیل می‌دهند و این نشان دهنده‌ی بلوغ بالای جامعه‌ی ما به‌ویژه جامعه‌ی علمی پژوهشگاه است. امید است این مسیر تداوم پیدا کند و همواره شاهد نورافشانی علمی-فرهنگی و اجتماعی بانوان باشیم. قبادی در ادامه افزود: با مرور کار، اندیشه و منش دکتر صانع‌پور این بیت حافظ را متناسب با شخصیت و شأن ایشان می‌بینم؛

زمانه طرح محبت، نه این زمان انداخت

نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود



لازم است چهار نکته در خصوص شخصیت جامع، معنوی-علمی و اخلاقی دکتر صانع‌پور گفته شود که پژوهشگاه باید به‌عنوان یک درس، به نسل‌های آتی بیاموزد: گفت‌وگو‌مداری، مداراگری، حل و فصل مسائل و گره‌گشایی و پرهیز از تنازع و منازعه.

این صفات، دکتر صانع‌پور را به سرمایه‌ی بزرگ انسانی در پژوهشگاه تبدیل کرده است. اولین درسی که دکتر صانع‌پور به ما می‌دهد، حفظ محیط سازمانی به شکل اخلاقی، معنوی، مداراگرا و گفت‌وگوگرا است. چرا که شأن پژوهشگاه و پژوهشگری بالاتر از منازعه و مناقشه است. عصاره‌ی فضائلی که در دکتر صانع‌پور دیده می‌شود، این است که از مناقشات بالاتر برویم و بزرگ بیندیشیم و ذهن و فکر والا و جهانی داشته باشیم. دومین صفت دکتر صانع‌پور، فروتنی و درک نیاز دائمی به آموختن است. امروز در جهان افراد و سازمان‌هایی موفق هستند که دائم خودارزیابی و باور به نیاز دائمی برای آموختن داشته باشند. و این صفت به نحو احسن در منش اجرایی و عملی دکتر صانع‌پور دیده می‌شود.



سومین ویژگی ایشان، انصافی است که همواره در داوری طرح‌ها، افراد، گروه‌ها و بخش‌های مختلف داشتند و از جمله نوادر هیأت علمی هستند که قشر وسیعی از اعضای غیر هیأت علمی به ایشان اعتماد و ارتباط داشتند و این ویژگی، دکتر صانع‌پور را از سرمایه‌ی انسانی به سرمایه‌ی اجتماعی تبدیل کرده است. چهارمین و آخرین ویژگی ایشان این است که تعلق خاطر وسیعی به پژوهشگاه دارند که این ویژگی نشان از پیوند هویت‌شان با هویت، تاریخ، گذشته- حال و آینده‌ی پژوهشگاه است و این، محصول یک آگاهی عمیق تاریخی و فلسفی است. تا زمانی که آگاهی نداشته باشیم هویت بی‌معنا بوده و ممکن است به خشونت، منازعه و مناقشه منجر شود. در ادامه‌ی این مراسم دکتر فروغ پارسا، مدیر گروه پژوهشی مطالعات قرآنی ضمن اشاره‌ی اجمالی به زندگی‌نامه و سیر فعالیت‌های علمی و فرهنگی دکتر صانع‌پور گفت: شخصیت علمی-فرهنگی، سیره‌ی اخلاقی، اجتماعی و مدنی ایشان مجال و فرصت آن را دارد که موضوع و محور کتاب درسی برای زنان و دختران ایران باشد. به نظر می‌رسد چنانچه کتاب زندگی مریم صانع‌پور تألیف شود، در شمار یکی از کتاب‌های پرفروش سال لقب بگیرد. دکتر صانع‌پور در خلال مقاطع تحصیلی و پیش از اتمام مراحل ارشد و دکترا به مبحث جایگاه زن در تاریخ اسلام علاقه‌مند شد. در واقع خاستگاه فعالیت علمی ایشان تلاش برای احقاق حقوق زنان، بازسازی و نوسازی چهره‌ی زن مسلمان ایرانی بود. به این دلیل نخستین اثر ارزشمندشان با عنوان «بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام» با مشارکت دکتر ثریا مکنون در سال ۱۳۷۴ تألیف و در چند نوبت تجدید چاپ شد. دکتر پارسا افزود: دکتر صانع‌پور پس از ورود به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به مناسبت رشته‌ی تحصیلی خود وارد پژوهشکده‌ی غرب‌شناسی شد و مباحث فلسفه‌ی غرب را دنبال و با پشتکاری کم‌نظیر چندین اثر برجسته را در این حوزه تألیف کرد. «نقدی بر مبانی معرفت‌شناسی اومانیستی»، «خدا و دین در رویکرد اومانیستی»، «فلسفه‌ی اخلاق و دین»، «اسطوره‌شناسی یونانی و مدرنیته‌ی غربی» به‌همراه مقالات و



سخنرانی‌های بسیار زیادی در این حوزه در شمار آثاری است که در طول یک دهه منتشر شده که در آن‌ها، فلسفه‌ی غرب و انگاره‌ها و ایده‌های برآمده از آن را با رویکردی علمی و روش‌مند مورد نقادی قرار داد. دکتر صانع‌پور در این آثار تلاش کرده، نشان دهد که مبانی معرفت‌شناسی فلسفه‌ی غرب و هم‌چنین خاستگاه اسطوره‌های مدرنیته‌ی غربی آن‌طور که تبلیغ و ترویج می‌شوند، در پی تکریم و حرمت انسان به ما هو انسان نیست بلکه صرفاً به دنبال پاسداری از حقوق فرد مذکر غربی به عنوان انسان است. بحث اخلاق در منظومه‌ی فکری دکتر صانع‌پور اهمیت زیادی داشته و به همین مناسبت کتاب «چندصدایی اخلاقی در دنیای مجازی: اخلاق شهروندان دنیای مجازی» را با تمرکز بر قرآن و نهج البلاغه به رشته‌ی تحریر درآورد که این کتاب در پنجمین جشنواره‌ی علمی پژوهان برگزیده و مورد تقدیر قرار گرفت. ایشان در این آثار در پی آن است تا اهمیت و برجستگی آموزه‌های قرآنی و اسلامی را تبیین و نشان دهد که مبانی معرفت‌شناسی اسلام و فلسفه‌ی اسلامی در مقایسه با نظریات و مکاتب فکری دیگر، قابلیت‌های انکارناپذیری برای انسان معاصر دارد. و سرانجام باید گفت: اصلی‌ترین و محوری‌ترین حوزه‌ی مورد علاقه‌ی دکتر مریم صانع‌پور مطالعات عرفانی و رهیافت‌های اشراقی و شهودگرایانه بوده است.

در ادامه دکتر زهرا پارساپور، معاون کاربردی سازی علوم انسانی و فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی با بیان چند کلیدواژه در وصف ویژگی‌های دکتر مریم صانع‌پور گفت: ایشان اخلاقی از نوع اخلاق مراقبت مادرانه داشته و بسیار خوش‌ارتباط بود. آنچه که بسیار حائز اهمیت است، این است که معمولاً پژوهشگران بعد از سی سال پژوهش، دچار رکود شده و چنانچه پژوهشی انجام دهند در همان حوزه‌ی قدیمی محصور می‌ماند، اما دکتر صانع‌پور نوخوانی، مطالعه‌ی آثار و زمینه‌های جدید و نواندیشی را در کنار هم داشتند. در بخش پایانی این نشست نیز دکتر صانع‌پور ضمن تشکر و قدردانی از حضار گفت: من روح خدا را در وجود همگی احساس و به آن عشق می‌ورزم. از خداوند برای داشتن خانواده‌ی بسیار خوبی که همواره حمایت کردند، شاکرم. پدر و مادرم که عشق به علم را در من به وجود آوردند. همسر من که همواره حامی‌ام بوده و با وجود چهار فرزند به من فرصت پرداختن به علائق پژوهشی‌ام را داد و فرزندانم که مرا تحمل کردند و همه‌ی شما دوستان که خاطرات بسیار خوبی برای من خلق کردید. درخاتمه‌ی مراسم دکتر علیرضا منصوری، رئیس پژوهشکده‌ی غرب‌شناسی و علم پژوهی، دکتر اعظم قاسمی، عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی حکمت معاصر و دکتر آمنه بختیاری، عضو گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشکده مطالعات اجتماعی، تقدیرنامه‌ها را قرائت و همراه با هدایایی به رسم یادبود، به دکتر صانع‌پور تقدیم شد.





## کارکرد بلاغی در متون نثر صوفیه

نشست مجازی «کارکرد بلاغی در متون نثر صوفیه» با سخنرانی دکتر مریم علی‌نژاد استادیار پژوهش‌کنده‌ی دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در روز ششم اسفندماه ۱۳۹۹، برگزار شد.

دکتر علی‌نژاد در ابتدای سخنانش گفت: تصویر و تصویرگری - به معنای کاربرد مجازی زبان - از زمانی به ادبیات مشهور عرفانی راه یافت که عارف در مواجهه با تجربیات و دریافت‌های درونی و شهودی، زبان عرفی و معمول را قاصر و ناتوان یافت؛ از این‌روی پس از رفع این حالت به دنبال الفاظی گشت که بر حال او دلالت کنند و دریافت‌های او را انتقال دهند، اما از آن‌جاکه این دریافت‌ها خارج از چهارچوب زبان هستند، الفاظی که به‌طور کامل بر آن‌ها دلالت کند نیافت. در چنین شرایطی او برای انتقال بار معنایی حاصل از این دریافت‌ها از امکانات زبان به دو صورت بهره گرفت:

با استعلاهی معنایی واژگان و الفاظی که در زبان وجود دارند، اصطلاحاتی را وضع کرد.

با کنار هم نهادن واژه‌های زبان، ترکیب‌ها و تصویرهایی خلق کرد تا محمل تازه‌ای برای توصیف و تبیین دریافت‌های او باشد.

قابلیت این ترکیب‌ها و تصویرها در انتقال معنا نه تنها از اصطلاحات کمتر نیست که چه‌بسا بیشتر نیز هست؛ به‌همین دلیل است که در آثار عرفانی، انواع صور خیال، از تشبیه، استعاره و حکایت تا تمثیل و رمز و... یافت می‌شود.

وی ادامه داد: آثار مکتوب به‌جامانده در حوزه‌ی عرفان و تصوف از نظر محتوا از گستردگی و تنوع برخوردارند و از

حکمت، فلسفه، تفسیر و تأویل قرآن و حدیث گرفته تا بیان نظری عقاید و اصطلاحات صوفیه، انسان‌شناسی و خداشناسی، اخلاق و آداب و رسوم خانقاهی، سرگذشت مشایخ و بیان رویاها و مکاشفات و سخنان وجدآمیز صوفیه را در برمی‌گیرند.

اگرچه تقسیم‌بندی‌های مختلفی از نثر عرفانی وجود دارد مانند تقسیم آن‌ها به نه دسته؛ ۱، کتب جامع، ۲، تذکره‌ها، ۳، اندرزنامه‌ها، ۴، حکایت‌ها، ۵، تبیین مسائل نظری، ۶، تبیین مسائل عملی، ۷، ردیه‌ها و دفاعیه‌ها، ۸، رمزنامه‌ها، ۹، عاشقانه‌ها، در این پژوهش، این‌گونه از نثر، با در نظر گرفتن دو ویژگی بیانی و محتوایی آن‌ها در دو دسته‌ی کلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند: متون آموزشی عرفانی و متون ذوقی و خلاق عرفانی

اگرچه نمی‌توان این دو گروه را کاملاً از هم متمایز ساخت و میان آن‌ها مرزی مشخص کرد، اما با توجه به قصد نویسنده از نگارش اثر و کارکرد و بسامد عناصر بلاغی به‌کاررفته در آن‌ها می‌توان هریک را در یکی از این دو گروه جای داد یا این‌که آن‌ها را جزو متون بینابین محسوب داشت که در هر بخشی از آن‌ها، ویژگی یکی از این دو گروه، غالب است.

علی‌نژاد یادآور شد: مراد از متون آموزشی، متونی هستند که در درون سنت و گفتمان تصوف و در تبیین اصول و تنظیم مناسبات و روابط و آداب و رسوم آن، شکل می‌گیرند، و متون خلاق به متونی اطلاق می‌شود که حاصل دریافت‌های شخصی و ذوقی و لحظات عرفانی هستند که صوفی آن‌ها را تجربه می‌کند. آن چه که موجب تمایز این دو گروه از متون می‌شود آن است که در متون آموزشی، از آن‌جاکه زبان، ارجاعی است، اغلب معطوف به مصداق‌های روشن است، حال آن‌که در متون خلاق نمی‌توان وضوح مصداق‌ها را انتظار داشت؛ چون در آن‌ها از کارکرد ارجاعی زبان کاسته می‌شود و کارکرد عاطفی آن قوی‌تر می‌شود. دیگر آن‌که، متون گفتمانی براساس یک ایده و اندیشه‌ی از پیش مشخص شکل می‌گیرند، اغلب دارای فصل‌بندی‌های مشخصی هستند و نویسنده در هر فصل، کمتر از حوزه‌ی بحث منحرف می‌شود؛ در حقیقت او خود را مقید می‌داند که در چارچوب موضوعات مطرح در فصول، سخن بگوید. در حالی‌که در متون گروه دوم این فصل‌بندی‌ها کمتر به چشم می‌خورد یا این‌که نویسنده، تقید کمتری به پیروی از موضوعات مطرح‌شده در فصول دارد؛ بر همین اساس است که در بررسی متون مشاهده می‌کنیم که در میان آثار آموزشی، تعریف و توصیف و نقل قول از دیگران، از بسامد قابل توجهی برخوردار است. چنین ویژگی‌ای از آن‌جا ناشی می‌شود که آثاری از این دست، بیشتر تعلق به سنت تصوف دارند و شاید از این‌روی است که تفسیر در آن‌ها بیشتر است و نقش تعیین‌کننده‌ای در زدودن ابهام از کلام ایفا







می‌کنند، اما در آثار خلاق که براساس تجربیات شخصی شکل می‌گیرند، استناد به تعریف و نقل قول از دیگران کاربرد چندانی ندارد.

وی شرح داد: نتیجه‌ی حاصل از این پژوهش، آن است که تصویرهای بلاغی در آثار هر دو گروه به‌کار رفته‌اند، اما در هر یک متفاوت با دیگری. اگرچه مؤلف در متون آموزشی، با به‌کارگیری زبان ارجاعی، معنا و مفهوم مورد نظر خود را به مخاطب منتقل می‌کند، اما گاهی به‌منظور توضیح و تبیین یک معنا، انتقال ملموس‌تر و عینی‌تر یک مفهوم و امر انتزاعی یا افتناع مخاطب، به قلمرو تصویرری زبان روی می‌آورد؛ درحالی‌که در متون خلاق، زمانی‌که ذهن عارف تحت تأثیر تجربه‌ای که از سر گذرانده، سرشار از معارف غیرمشترک و ناشناخته است و قدرت اندیشه و استدلال او تحت تأثیر چنین تجربه‌ای کارآیی خود را از دست داده، زبان نیز از کارکرد همیشگی خود که بیان و انتقال اندیشه است دور می‌شود؛ بنابراین زبان مجازی با تمام امکاناتش برای بیان دریافت‌ها و درونیات مؤلف پا به عرصه‌ی متن می‌نهد و همین ویژگی، موجبات شاعرانگی و ادبیت متن را فراهم می‌سازد. صور بلاغی در ساخت‌های گوناگون خود در هر دو گروه از این متون به چشم می‌خورد و نمی‌توان آن را منحصر به گروه خاصی دانست، اما آنچه آن‌ها را از هم متمایز می‌سازد، «محتوا» و «کارکرد» این تصاویر است:

از آن‌جاکه متون آموزشی در درون سنت صوفیه شکل می‌گیرند و از سنت نوشتاری صوفیانه پیروی می‌کنند، می‌توان گفت که محتوای این تصویرها، یعنی آن چه که این تصویرها برای بیان و انتقال آن‌ها به‌کار گرفته می‌شوند، «ماقبلی» اند؛ به عبارت دیگر صوفی این تصاویر را در نتیجه‌ی مطالعه و غور در میان آثار پیش از خود و در بطن سنت صوفیه یافته است. از این روی متون این رده بیشتر تفسیرپذیرند، یعنی ابهامات موجود در آن‌ها، بر اساس سنت ادبی و تجربیات شناخته‌شده صوفیانه، روشن می‌شوند. این در حالی است که محتوای تصاویر، در متون خلاقه‌ی صوفیه که براساس تجربیات شخصی شکل می‌گیرند، اغلب «مابعدی» اند؛ چون برای نخستین بار است که مطرح می‌شوند. از این روی متونی از این دست، تأویل‌پذیرند و در آن‌ها ابهامات براساس ذهنیات و تجربیات و منویات مؤلف، تبیین می‌شوند.

علی‌نژاد تأکید کرد: بر تفاوت‌های یادشده میان متون آموزشی و خلاق صوفیه، می‌توان تفاوت در «کارکرد» و «بسامد» را نیز افزود؛ به این معنا که اگرچه در آثار هر دو گروه، از تصویرهای بلاغی استفاده شده است و چه بسا گاهی نقش تعیین‌کننده‌ای را در انتقال مفهوم ایفا می‌کنند، اما دارای کارکردهای متفاوتی هستند؛ به سخن دیگر، ما در هر دو گروه مشاهده می‌کنیم که مؤلف از تصویرهای بلاغی برای بیان ذهنیات خود و یا انتقال مفاهیم مورد نظر خود سود جسته است و نیز، تصاویر در هر دو گروه اغلب از «تشبیه» آغاز و به «تشبیه تمثیل» و «تمثیل» و گاهی «نماد» می‌رسد، اما آنچه که آن‌ها را از هم متمایز می‌کند، تفاوت در کارکرد آن‌هاست. به این معنا که تصویر در متون آموزشی که با قصد و اندیشه‌ی از پیش مشخص، تدوین می‌شوند، اغلب در خدمت ایده‌های مؤلف و تثبیت‌کننده‌ی آن‌ها است. درحالی‌که در متون گروه دوم، تصویرها دارای کارکرد انگیزشی و اکتشافی هستند؛ یعنی مؤلف یا به‌منظور انتقال بار عاطفی‌ای که در نتیجه‌ی تجربه‌ی شخصی در درونش بوجود آمده است و به قصد برانگیختن مخاطب، تصویرهای بلاغی را به‌کار می‌گیرد. تحت تأثیر این تفاوت در کارکرد است که تصاویر از نظر عمق تخیل نیز با یکدیگر متفاوتند؛ به این ترتیب که میزان خیال‌انگیزی تصویرها بلاغی به‌کار رفته در متون آموزشی، نسبت به متون خلاق، کمتر است؛ به گونه‌ای که درک و دریافت معانی پنهان در پس تصاویر، در آن‌ها نیاز به تلاش ذهنی چندانی از سوی مخاطب ندارد و چندان ذهن او را به چالش نمی‌کشاند. در بررسی بسامد این تصاویر، درمی‌یابیم که تمثیل که با ساده‌سازی مفهوم، آن را هم‌سطح فهم مخاطب می‌سازد، در متون آموزشی متن را به سوی تعلیمی‌شدن سوق می‌دهد؛ درحالی‌که نماد که دارای حرکتی بالنده و فراونده است، در متن‌های ذوقی و خلاق، نمود بیشتری دارد.

در بررسی خاستگاه (سویه‌ی محسوس) تصاویر به‌کاررفته در این دو گروه از آثار، عناصر مقتبس از «طبیعت» در هر دو گروه از بسامد بالایی برخوردار است که دلیل آن را می‌توان از سویی در انس بیشتر با طبیعت و از سویی دیگر در نقش عناصر طبیعی در عینی‌سازی ذهنیات و امور انتزاعی جست‌وجو کرد. پس از آن در متون آموزشی، «عناصر دینی» و «عناصر درباری و پادشاهی»، و در متون خلاق، عناصر مقتبس از «قرآن و حدیث»، بیشترین بسامد را دارند.

دکتر علی‌نژاد در خاتمه‌ی سخنانش گفت: این نکته قابل‌یادآوری است که اگرچه تصویرهای بلاغی در متون هر دو گروه، حضور دارند و نمی‌توان آن را خاص یک گروه دانست، اما آنچه که در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، نخست، قصد مؤلف از نگارش اثر است که آیا آن را برای انتقال آموزه‌های صوفیانه مطرح می‌کند، یا این که از آن به‌عنوان محملی برای انتقال بار عاطفی و احساسی ناشی از تجربه‌ی خود به مخاطب بهره می‌جوید؛ و دیگر، نوع و کارکرد تصویرهای به‌کاررفته در متون است که باید مورد توجه قرار گیرد. مسلم است که دست‌یافتن به کنه و ذات تجربیات عرفا، امری تقریباً غیرممکن است، آنچه که از آن‌ها به ما رسیده، تصویرهایی است که در حقیقت نمایان‌گر تجربیات آن‌ها هستند و ما براساس این تصویرها، بر قوت و ضعف آن‌ها حکم می‌کنیم.

## تعامل مؤثر روزنامه‌نگاران و نظام سلامت در دوران همه‌گیری کووید ۱۹

نشست مجازی «تعامل مؤثر روزنامه‌نگاران و نظام سلامت در دوران همه‌گیری کووید ۱۹» با سخنرانی دکتر حمید سوری (استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی) و با دبیری زرین زردار (عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی) بیستم اسفندماه ۱۳۹۹، در پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات و کرسی ارتباطات علم و فناوری یونسکو برگزار شد.



دکتر زردار در ابتدای نشست با اشاره به ماهیت چندوجهی و پیچیده‌ی ارتباط نظام سلامت و جامعه گفت: آنچه در موفقیت یا عدم موفقیت تلاش‌های سلامت‌محور اثر می‌گذارد، تنها زیرساخت‌های اقتصادی یا امکانات و تجهیزات اقتصادی نیست، بلکه بخش زیادی از مسئله‌ی سلامت به بافتار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا حتی فرهنگی مربوط می‌شود و برای مواجهه با آن، توجه به کنش‌گران متنوع و متعدد در سطوح مختلف ضرورت دارد چون، اداره و ارتقای نظام سلامت نیازمند تعامل مداوم و مستمر جامعه متخصصان و کارکنان بخش درمان، مدیران نظام سلامت، سیاست‌گذاران، گروه‌های فشار، صاحبان منافع تجاری و شهروندان است. این جاست که اهمیت ارتباطات به‌عنوان رکن اساسی و واسطه‌ی میان ذی‌نفعان پرشمار نظام سلامت روشن می‌شود.

وی افزود: در دنیای جدیدی که رسانه‌های جمعی و اجتماعی در همه‌ی ساحت‌های آن، دستی در کار ساخت معنا دارند، با توجه به توسعه‌ی امکان‌های ارتباطی متعدد برای جامعه، تنوع پلتفرم‌ها و تغییر معیارهای ارزیابی نظام سلامت از ملی به بین‌المللی در سایه‌ی توسعه‌ی تکنولوژی‌های ارتباطی، نظام سلامت برای حفظ سرمایه‌ی اجتماعی و مشروعیت خود ناگزیر از تعامل با رسانه‌ها و جامعه است. اما این رابطه در عمل با اختلالات زیادی مواجه است که در شرایط بحرانی نظیر همه‌گیری کووید ۱۹ بیشتر خود را نشان می‌دهد و در نشست امروز مختصات رابطه‌ی نظام سلامت و روزنامه‌نگاران مورد بررسی قرار می‌گیرند.

دکتر حمید سوری در ادامه‌ی نشست با مرور تجربه‌ی یک ساله‌ی مقابله با همه‌گیری کووید ۱۹ بر اهمیت ارتباط نظام سلامت با روزنامه‌نگاران برای پیشبرد و ارتقای سلامت تأکید کرد و در عین حال به اختلالاتی که در ارتباط وجود دارد را در چهار محور برشمرد؛ محور اول، به فقدان مهارت و توان‌مندی ارتباط با رسانه‌ها در میان متخصصان بازمی‌گردد. متخصصان در بسیاری از موارد، توان‌مندی‌های اولیه برای حضور در یک رسانه مانند رادیو و تلویزیون را ندارند و این به فقدان آموزش ارتباط با رسانه‌ها در طول دوره‌ی تحصیلات دانشگاهی مربوط می‌شود. این در حالی است که در نظام‌های دانشگاهی موفق دنیا متخصصان حوزه‌ی سلامت شیوه‌ی مواجهه و ارتباط با رسانه‌ها را آموزش می‌بینند. محور دوم، به آشنایی اندک روزنامه‌نگاران با مفاهیم و اصطلاحات تخصصی روزنامه‌نگاران مربوط می‌شود. این امر مشارکت فعال روزنامه‌نگار را در تولید محتوای سلامت برای رسانه‌ها به حداقل می‌رساند و در برخی موارد سبب انتشار اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده می‌شود.

رئیس کمیته اپیدمیولوژی کرونا محور سوم موجد اختلال را ساختار نهادی رسانه‌ای می‌داند. نگاه غیراختصاصی بسیاری از رسانه‌ها به حوزه سلامت که سبب شده روزنامه‌نگارانی از حوزه‌های مختلف، حوزه‌ی سلامت

را پوشش دهند، سبب سطحی شدن پوشش رسانه‌ای سلامت شده است و در بسیاری از موارد، حوزه‌های مهم سلامت از توجه رسانه‌ها دور می‌ماند.

سوری محور چهارم را «نامشخص بودن رابطه‌ی روزنامه‌نگاران و متخصصان» به‌ویژه هنگام مواجهه با بحران‌هایی نظیر همه‌گیری ویروس کرونا، جدید ارزیابی می‌کند. فقدان مسیر روشن ارتباط سبب می‌شود که لزوماً مناسب‌ترین و مطلع‌ترین افراد به پرسش‌های جامعه در حوزه‌ی سلامت پاسخ ندهند. دکتر سوری در چنین وضعیتی نقد را متوجه هر دو طرف ارتباط می‌داند. روزنامه‌نگارانی که به دلیل فقدان تخصص یا دقت کافی، مناسب‌ترین مسیر پاسخ به پرسش‌های خود را شناسایی نمی‌کنند و متخصصینی که با وجود عدم اشراف کافی به حوزه‌ی موردنظر وارد ارتباط با نهادهای رسانه‌ای می‌شوند و در نتیجه موجب انتشار اطلاعات گمراه‌کننده می‌شوند.

عصو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تأکید کرد: در حال حاضر، رسانه‌ها جایگاه روشنی در ساختار مدیریت مقابله با بحران کووید ۱۹ ندارند در حالی که با توجه به تأثیرگذاری عمیق رسانه‌ها در هدایت افکار عمومی، لازم است در تمامی فرایندها و سطوح، حضور فعالی داشته باشند.

سوری، در پایان سخنانش راه مقابله با اختلالات ارتباطی میان روزنامه‌نگاران و نظام سلامت را آموزش و ارتباط می‌داند. از نظر وی، ناآشنایی روزنامه‌نگاران و متخصصان با پیش‌شرطها و اقتضائات ارتباط با یکدیگر مانع اصلی شکل‌گیری ارتباط مؤثر میان این دو گروه است و برای اصلاح فرایند، آموزش‌های تخصصی کوتاه مدت و بلندمدت باید در دستور کار نهادهای رسانه‌ای و نظام سلامت قرار گیرد. از سوی دیگر، گفت‌وگوی این دو گروه که دارای نظام ارزشی و سیستم تربیتی متفاوت هستند نیز به‌عنوان یک راه‌کار مناسب برای رسیدن به فهم مشترک از مفاهیم حوزه‌ی ارتباطات سلامت و تأمین منافع جامعه محسوب می‌شود.

زردار در خاتمه ضمن تشکر از دکتر حمید سوری، اظهار امیدواری کرد: با توسعه‌ی حوزه میان رشته‌ای ارتباطات سلامت و تقویت امکان گفتگو میان روزنامه‌نگاران و متخصصان زمینه‌های ارتقای نظام سلامت و تأمین هر چه بیشتر منافع عمومی تقویت شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پروژه‌شناسی مطالعات فرهنگی و ارتباطات و تحقیقات فرهنگی آسیا با همکاری  
کرسی ارتباطات علم، یونسکو و انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات برگزار می‌کند:

**تعامل مؤثر روزنامه‌نگاران و نظام سلامت  
در دوران همه‌گیری کووید ۱۹**

سخنران:  
**دکتر حمید سوری**  
(استاد تمام دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، اپیدمیولوژیست، رئیس کمیته اپیدمیولوژی کرونا)

دبیر نشست:  
**دکتر زرین زردار**  
(عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)

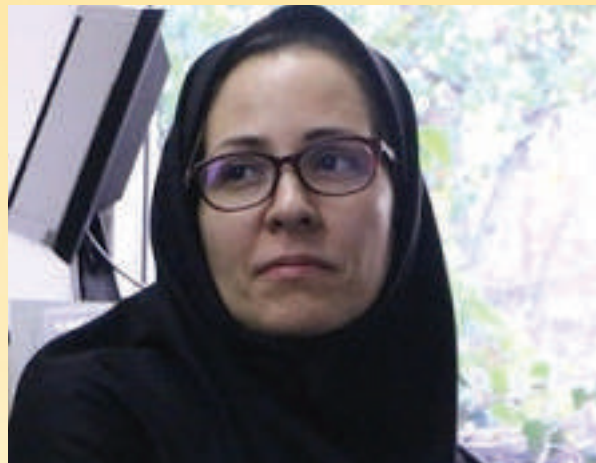
چهارشنبه ۲۰ اسفند ماه ۱۳۹۹ ساعت: ۱۷ تا ۱۹

لینک پیوستن به نشست: <https://webinar.ihs.ac.ir/b/ihs-m2d-6rc>



## ارتباطات سلامت و ارتقاء آگاهی گروه‌های اجتماعی

سخنرانی مجازی «ارتباطات سلامت و ارتقاء آگاهی گروه‌های اجتماعی» با سخنرانی دکتر زهره کشاورز (دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی) و با دبیری دکتر سیده‌زهرا اجاق در پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات



و اسناد فرهنگی آسیا برگزار شد.

در ابتدای نشست دکتر اجاق گفت: ارتباطات سلامت، ماهیتی چندرشته‌ای دارد و از این‌رو تعاریف متفاوتی هم دارد ولی مخرج مشترک همه‌ی این تعاریف عبارت از این است که ارتباطات سلامت، فعالیت‌های ارتباطی به‌صورت مستقیم، رسانه‌ای و برنامه‌ریزی شده و هدف‌مند است که هدفشان ارتقاء و بهبود سطح سلامت و بهداشت گروه‌های مختلف اجتماعی است. او توضیح داد که سلامت ابعاد مختلف جسمی، روانی، اجتماعی دارد و در گروه‌های مختلف اجتماعی می‌تواند به موضوعات مشابه یا متفاوتی مربوط شود. یکی از گروه‌های سنی که موضوع مهمی در ارتباطات سلامت است، کودکان هستند و تربیت جنسی یا آموزش صحیح موضوعات جنسی برای آن‌ها می‌تواند موجب بهبود سلامت جسمی و روانی و اجتماعی توأمان شود، اما به‌دلیل موقعیت سنی کودکان و مؤلفه‌های فرهنگی اجتماعی جامعه‌ی ما بهتر است این آموزش از طریق واسطه که بهترین آن، والدین هستند صورت بگیرد و برای این منظور لازم است که سواد تربیت جنسی والدین افزایش یابد. با این توضیح در این نشست به ماهیت این نوع تربیت و اهمیت آن می‌پردازیم.

سپس دکتر کشاورز فواید داشتن سواد سلامت جنسی را در ۶ مقوله ذکر کرد: دانش و آگاهی از سیستم باروری-تناسلی؛ پیشگیری از آسیب‌های جنسی به کودکان و نوجوانان؛ مراجعه‌ی زودهنگام و پیش‌گیری از اختلالات جنسی در آینده؛ درک بهتر همسران از یکدیگر، سازگاری جنسی؛ رضایت و صمیمیت زناشویی در آینده؛ کسب مهارت‌های فردی و بین‌فردی.

وی با تأکید بر این‌که آموزش و تربیت جنسی کودکان باید از طریق والدین صورت گیرد، توضیح داد: اگر تربیت و آموزش جنسی کودک اصولی باشد، او را به سمت مسائل جنسی سوق نمی‌دهد. وی افزود: آموزش‌ها باید به‌موقع باشند زیرا اطلاعات درست و به‌موقع منجر به رفتار درست می‌شود. بهتر است در سنین قبل از پیش‌دبستان، والدین که به کودک نزدیک‌تر هستند این آموزش را بدهند و در سنین دبستان به بعد ترجیحاً والد هم‌جنس یا مشاور این وظیفه را عهده‌دار شود.

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در خصوص نقش والدین در تربیت جنسی کودکان تصریح کرد: حتی نحوه‌ی پوشش والدین در حضور کودک واجد اهمیت است. اگر چه جست‌وجوی کودک برای دیدن بدن عریان جزو رشد و تکامل کودک است. اما اصل اساسی تربیتی این است که در هیچ سنی نباید کودک بدن عریان پدر و مادر را ببیند و پوشش والدین به آرامی همراه با رشد کودک تغییر کند نه ناگهانی! مهم این است که از شرایط به نفع آموزش جنسی استفاده شود. بسیاری از آموزش‌ها غیرمستقیم است. مثلاً با خیلی از رفتارهایمان می‌توانیم به کودک بیاموزیم که وقتی پوشش‌مان راحت نیست آن را اصلاح کنیم. کشاورز درباره‌ی جامعه‌پذیری جنسی

کودکان توضیح داد که درباره‌ی کودکان زیر ۶ سال نگاه جنسیتی در تربیت دختر و پسر نداشته باشیم و پدر و مادر هر دو پاسخ‌گوی کودک باشند، اما بالاتر از ۷ سال که جامعه‌پذیری در خارج از منزل اتفاق می‌افتد مرجع سؤالاتش هم‌سالان هستند و اغلب اطلاعات درست و غلط جنسی را توأمان دریافت می‌کند. به‌عنوان والد نباید به کودک، پاسخ نادرست بدهیم تا دروغ‌گو شناخته شویم! حریم خصوصی کودک را به رسمیت بشناسیم! رفتارهایی مثل کمین کردن، غافل‌گیری و گوش ایستادن؛ سازنده نیست و مخرب اعتماد کودک به والد است.

دکتر کشاورز یادآور شد: معمولاً تکانه‌های جنسی از ۱۰ سالگی شروع می‌شوند و کودک در جست‌وجو برای مسائل و محتوای جنسی فعال‌تر است، لذا باید مواجهه‌ی کودک با رسانه‌ها و نمادهای جنسی مدیریت شود. وی تأکید کرد: در استفاده از رسانه توسط کودک تشخیص با والدین است اما انتخاب با کودک است. بهتر است که آموزه‌های جنسی کودک را به رسانه واگذار نکنیم. مفاهیمی مثل بوسه، در آغوش گرفتن و ... برای کودک پیام‌هایی دارد که باید والدین از آن‌ها در جهت آموزش جنسی استفاده کنند. اصل ۳۰ دقیقه نظارت بر عملکرد کودک را رعایت کنید.

کشاورز در خصوص آزار جنسی و تجاوز جنسی نیز توضیح داد: آزار جنسی بسیار شایع‌تر از تجاوز جنسی است و پسران بیشتر از دختران مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند. اصل تربیتی مهم این است که کودک بیاموزد که بدن من مال خودم است و کسی حق ندارد به آن دست بزند باید تفاوت غریبه‌ها با اعضاء فامیل را بداند و به‌راحتی به دیگران اعتماد نکند. قانون درست این است که قرار نیست کسی به کودک نزدیک شود و همه غریبه قلمداد می‌شوند، در پارک، مراکز خرید و ...

در پایان این نشست، دکتر اجاق ضمن تشکر از سخنران و مهمانان به کتاب‌ها و محتوایی اشاره کرد که به مرور در جامعه‌ی ما در حال افزایشند و می‌توانند به والدین در تربیت کودکانی با آینده‌ی سالم‌تر و راحت‌تر و لذت‌بخش‌تر کمک کنند.



## گزارش کرسی ترویجی «تابعیت و جنسیت»

از «سلسله کرسی‌های بازخوانی انتقادی-اصلاحی مقررات قانونی مبطوب به تابعیت در حقوق ایران» روز ۱۳ اسفندماه ۱۳۹۹، کرسی ترویجی با عنوان تابعیت و جنسیت برگزار شد.

ارائه‌کننده‌ی این کرسی ترویجی حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی دانش‌پژوه؛ عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و ناقدان:

۱. دکتر محمدجواد شریعت باقری؛ عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
  ۲. دکتر عباسعلی دارویی؛ عضو هیأت علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری
  ۳. دکتر محمدتقی عابدی؛ عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
  ۴. دکتر علیرضا ابراهیم‌گل؛ استاد حقوق عمومی دانشگاه تهران بودند.
- همچنین دبیر علمی این نشست دکتر توکل حبیب‌زاده؛ عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق(ع) و مدیر گروه فقه و حقوق شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی بود.
- این نشست به همت گروه فقه و حقوق شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، گروه فقه و حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و شورای عالی انقلاب فرهنگی برگزار شد.



در ابتدای جلسه دکتر حبیب‌زاده به‌عنوان دبیر علمی جلسه را آغاز کرد. وی ابتدا تأکید کرد که برنامه‌ای را در پیش گرفته است تا در حوزه‌های مختلف چالشی نظر استادان محترم را اخذ کند. موضوع محوری امسال گروه فقه و حقوق، کلان مسئله حقوق بشر است. دکتر دانش‌پژوه ارائه‌ی بحث کرد تا امسال نیز این نشست شکل بگیرد.

در ادامه، دکتر دانش‌پژوه بحث خود پیرامون موادی از قانون تابعیت ایران که تداعی‌کننده‌ی شبهه نگاه جنسیتی است را آغاز کرد و گفت: در حقوق ایران، بعضی از تفاوت‌های حقوقی در موادی از قانون مدنی مربوط به تابعیت مشاهده می‌شود که اگر ذاتاً هم ارتباطی با تبعیض جنسیتی نداشته باشد، در فضای احساسی‌ای که فریاد طرفداران رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان و تساوی تقریباً کامل حقوق زنان و مردان گوش فلک را کر کرده است، سبب تداعی نگاه جنسیتی قانون ایران به مسئله‌ی تابعیت می‌شود. بررسی این تفاوت‌ها از دو جهت ضروری است: یکی از این جهت که آیا واقعاً این تفاوت‌ها، ناشی از نگاه جنسیتی به تابعیت مربوط است؟ و دیگری از این جهت که صرف‌نظر از جنسیتی بودن یا نبودن این تفاوت‌ها، به‌ویژه با فرض جنسیتی نبودن آن‌ها، آیا این تفاوت‌ها، از پشتوانه‌ی منطقی‌کاملی برخوردار است؟ یا آن که برعکس، منطق حقوقی - و نه فمینیستی - مقتضی اصلاح قانون در جهت رفع این تفاوت‌هاست؟

دکتر دانش‌پژوه افزود: از سال‌ها پیش و از زمان تدریس مبحث تابعیت، و به‌ویژه زمانی که بحث از تابعیت ایرانی فرزندان ناشی از نکاح زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی، در محافل حقوقی و اجتماعی مطرح شد، رابطه‌ی



تابعیت و جنسیت به‌عنوان یک پرسش جدی حقوقی برایم مطرح شد که نتیجه جستجوهایم در پاسخ به این پرسش، ازجمله به برگزاری یک کرسی ترویجی با نگاهی انتقادی-اصلاحی به قانون ایران درباره‌ی تابعیت ایرانی فرزندان مزبور شد. در خلال همان مطالعات به این نکته متفطن شدم که شبهه جنسیتی بودن قانون تابعیت ایران، اگرچه بیشتر درباره‌ی بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی که صرفاً انتساب به پدر ایرانی را سبب ایرانی محسوب شدن فرزند می‌داند، فریاد می‌شود، اما سایه‌ی سنگین آن بر مواد دیگری از قانون مدنی نیز سنگینی می‌کند، که بازخوانی مجدد و بررسی انتقادی-اصلاحی این مواد را ضروری می‌سازد.

به‌این‌منظور، برگزاری کرسی حاضر برای ارائه‌ی نتایج مطالعات مذکور به جامعه‌ی علمی-حقوقی در راستای تلاشی مبارک برای اصلاح قانون تابعیت ایران، پیشنهاد شده است.

نمودار اجمالی مباحث وی به‌این ترتیب بود:

- بخش اول: کلیات مقدماتی

فصل اول: مفهوم‌شناسی و گونه‌شناسی تفاوت و تبعیض

فصل دوم: تابعیت و جنسیت

فصل سوم: همانندی‌ها و برابری‌ها در برخورداری یا نبرخورداری از تابعیت ایران

- بخش دوم: تأثیر ازدواج بر تابعیت زوجین

فصل اول: تأثیر ازدواج بر برخورداری هریک از زوجین از تابعیت (برخورداری تحقیقی و شبه تحقیقی از تابعیت)

فصل دوم: تأثیر ازدواج بر سلب تابعیت از هریک از زوجین (سلب تحقیقی تابعیت ایران)



در ادامه، دکتر شریعت باقری به‌عنوان اولین ناقد سخنان‌شان را ایراد کرد. وی ابتدا از تحقیقات دقیق و ریاضی‌وار دکتر دانش‌پژوه تشکر کرد و گفت: دغدغه‌ی تبعیض برخواسته از دغدغه‌های حقوق بشری در جهان است و مقررات تابعیت فرانسه و کشورهای مختلفی از آن تبعیت داشتند و بالاخره نویسندگان قانون مدنی نیز باید به این مسئله توجه می‌کردند. این‌که فردی چگونه تابعیتی به‌دست آورد یا از دست بدهد و بحث دیگر این است که تابعیت در یک خانواده یک‌دست باشد. نباید در یک خانواده زن، مرد و فرزندان هرکدام یک تابعیت داشته باشند و بالاخره باید زن یا مرد به تابعیت دیگری در می‌آیند و حسب اقتضائات زمان آن موقع گفتند که زن به تابعیت مرد در می‌آید. در فرانسه نیز این تصمیم اتخاذ شده بود و اصلاً مرد به‌عنوان رئیس خانواده شناخته می‌شد و آرام آرام این اندیشه‌های تبعیض ایجاد شد تا سرانجام مرد تابعیت زن را بگیرد. در روزگار فعلی انتقادات به تابعیت بیشتر بحث انتقال تابعیت از مادر به فرزندان است.

بیشترین ابهام در این مسئله است و سؤال است که چرا اصلاً نباید تابعیت از مادر به فرزند منتقل نشود و در فقه هست که اسلام فرد تابع اشرف ابوین است. اگر این را نیز لحاظ کنیم و تابعیت نیز مسئله‌ی شناخته شده در اسلام نیز نیست و به‌نظر این مسئله که تابعیت از طریق پدر و مادر قابل انتقال است و مشکل و مغایرتی نیز با اسلام ندارد و مادر ایرانی اشرف ابوین محسوب می‌شود و باید تابعیت را از مادر نیز به‌راحتی بگیریم. و این‌که خیال می‌کنند اگر تابعیت از مادر گرفته شود با مبانی شرعی هم‌خوانی ندارد، این‌طور نیست.

در مجموع قانون تابعیت ایران مشکلی از حیث تبعیض ندارد و تغییر آن موجب خراب شدن آن خواهد شد و تنها مسئله همین انتقال تابعیت از مادران ایرانی است که قانون اخیر مرهمی بر این مسئله است و مسئله بنیادین حل نکرده است.

همچنین دکتر عابدی گفت: نخبه‌ی ایرانی در نگارش قانون مدنی یک تسامحی در بیان مواد تابعیت داشته است که این مسئله در ماده‌ی واحد تصویب شده‌ی اخیر نیز هست و این تصور را ایجاد کرده که غلبه در تابعیت با مرد است به‌ویژه بند دوم از ماده ۹۷۶ قانون مدنی.

ماده ۹۷۶: اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند: ۲. کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است اعم از این‌که در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.

برخی معتقدند که قانون‌گذار در این ماده تابعیت پدر را ملاک می‌داند و اگر مقنن در این بند تفاوتی میان پدر و مادر نمی‌گذاشت، این تصور ایجاد نمی‌شد. به نظر تسامحی از سوی قانون‌گذار به کار رفته است و اگر مادر را هم اضافه می‌کرد، مسئله‌ای ایجاد نمی‌شد. اگر این اصلاح رخ دهد دیگر شبهه جنسیتی بودن از بین خواهد



رفت. اگر توجه کرده باشید، قانون اخیر که مبنای آن ازدواج زن ایرانی و افغانستانی و عراقی بوده است، اصلاً زن ایرانی پس از ازدواج با همسر افغانستانی و عراقی، با توجه به قانون ایران، افغانستان و عراق، ایرانی نیست و اصلاً ایرانی نیست که تابعیت وی به فرزند منتقل شود. این تسامح، ایراد بزرگی است و بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی برای حل این مسئله کافی بود و نیازی به این ماده‌ی واحد نبود.

سپس دکتر علیرضا ابراهیم‌گل نیز سخنانش را ارائه کرد. وی ابتدا مقاله‌ی دکتر دانش‌پژوه را حال یک تحقیق جامع و عالمانه دانست و رویکرد ضد تبعیضی وی را ستود و موضوع مقاله را بدیع و کاربردی ارزیابی کرد. نوع ادبیات و واژگانی ضوع شده وی مثل تابعیت تحصیلی و تحقیقی در مقابل معادل‌های جاافتاده موجود و... مقداری مغلق است. در مورد شرط شرعی بودن ازدواج به‌درستی نگاشته شده است. به‌علاوه اشاره به شعری بودن به نظر می‌رسد انعقاد عقد ازدواج بر اساس مقررات اسلامی و شیعی است و شاید بتوان استدلال کرد که در خوش‌بینانه‌ترین حالت بر اساس مقررات ادیان شناخته شده در قانون اساسی باشد. هرچند ازدواج زنان ایرانی مسلمان با این ادیان ممکن نیست و به‌نظر زنان غیرمسلمان از ادیان رسمی در قانون اساسی از شمول این قانون خارجند. به نظر باید مباحث حول این مسئله نیز گنجانده و اشاره شود که بحث شده است یا خیر و اگر شده است، چرا رد شده است؟

ابراهیم‌گل ادامه داد: با عرض احترام به دکتر شریعت باقری به‌نظرم دوگانگی مقررات تابعیت ریشه‌اش در دوگانگی مبانی مقررات و قوانین در ابتدای بر مبنای اسلامی و عرفی است. حال نمی‌دانم که در نگارش مقررات تابعیت، ما این‌ها را بدون جرح و تعدیل از مقررات فرانسه گرفتیم یا خیر؟ راجع به ملاک‌ها برای اعطای تابعیت به فرزندان حاصل این زادواج‌ها که حاصل ازدواج شرعی و نداشتن مشکل امنیتی ذکر شده است و سؤال این است که آیا می‌توانست ملاک‌های دیگری باشد یا خیر؟

باز کردن این بحث در فقه اسلامی، به روشنی که دکتر شریعت باقری فرمودند، جا دارد. از نظر مقررات جهانی حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر و.. اشاره شده است اما جا دارد تفصیلی‌تر پرداخته شود.

سپس دکتر دارویی از مباحث ارائه شده توسط دکتر دانش‌پژوه و استادان حاضر تشکر کرد و گفت: تفاوت از حیث جنسیت در تابعیت می‌بینیم اما سؤال این است که این تفاوت چه مبنایی داشته است. به نظر نگاه مقنن یک نگاه امنیتی بوده است و مقنن مانع ازدواج زنان ایرانی بوده و دلیلش هم این بود که ممکن است برای امنیت کشور اختلال ایجاد شود و سؤال این بود که چرا برای مرد ایرانی این چنین نبوده است. گفته می‌شود که مرد اقتداری در خانواده دارد و زن در فرهنگ خانواده مرد خارجی مستحیل می‌شود. این باعث می‌شد که تابعیت ایرانی زن بماند و منتقل و موجب مشکل امنیتی شود. به نظر این تفاوت ایجاد شده برای زن و مرد، تبعیض نبوده است بلکه جنسیت اصلاً برای مقنن اهمیت نداشته و مقنن به امنیت کشور می‌اندیشیده و دلیل اصلی این بوده است. بنده از همین جهت به قانون جدیدی نقد دارم که بدون محدودیت به فرزندان زنان ایرانی ازدواج کرده با مردان خارجی، تابعیت اعطا می‌شود که این موجب تشویق ازدواج مردان خارجی با زنان ایرانی

می‌شود. این منطق قانون‌گذار قبلی بوده است و این منطق قانون جدید است و شاید به دلیل ترکیب جمعیتی و اقتضائات فعلی، آن دلایل قبلی منتفی شده است. مبنای حفظ امنیت بوده است نه تبعیض میان مرد و زن، لذا این تبعیض جنسیتی در قانون تابعیت نبوده است.

دکتر دارویی ادامه داد: می‌خواستم این را هم بگویم که اعضای کشورهای دیگر نمی‌توانند در خصوص تابعیت تابعین کشوری دیگر اظهار نظر کنند، لذا تابعیت زن ایران بعد از ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی باقی می‌ماند مگر این که زن از این تابعیت گذر کند.



نکته‌ای را نیز دکتر حبیب زاده به فرمایشات ناقدین محترم اضافه کرد که در کرسی ترویجی اول، در راستای سخنان دکتر دارویی، برخی افراد که فعال حقوق بشری هستند و از ناحیه‌ی نهادهای حقوق بشری حضور داشتند در بررسی قانون، ملاحظاتی حقوق بشری ناظر بر فرزندان این زنان ایرانی بوده است و انتظار می‌رفت که این نهادها از قانون حمایت کنند اما از مخالفان جدی این قانون بودند چراکه معتقد بودند، نباید فراموش کرد که مادران ایرانی بیشتر به ازدواج مردان خارجی به خصوص مردان افغانستانی تشویق خواهند شد و این مسئله باعث تشویق مردان نیز می‌شود و به این موضوع توجه نمی‌شود که این زنان در ازدواج با این

مردان خارجی در وضع بدی قرار می‌گیرند و این زنان در فرهنگ کشور همسایه با مشکلات بدی مواجه می‌شوند. دکتر دانش‌پژوه در انتها به جمع بندی مباحث و نکات ارائه شده پرداخت و پایان جلسه اعلام شد.

**کرسی علمی ترویجی**

**تابیت و جنسیت**

بررسی انتقادی - اصلاحی مولای از قانون تابعیت تداعی کننده شبهه نگاه جنسیتی

**ارائه کننده**

**حجت الاسلام والمسلمین مصطفی دانش پژوه**  
عضو هیات علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

**ناقدان**

**دکتر محمد جواد شریعت باقری**  
عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

**دکتر علیرضا ابراهیم گل**  
اساتذ حقوق عمومی، دانشگاه تهران / پردیس فارابی

**دکتر عباسعلی دارویی**  
عضو هیات علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری فوه قضاییه

**دکتر محمد تقی عابدی**  
عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

**دبیر علمی**

**دکتر توکل حبیب زاده**  
عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق (ع)  
و مدیر گروه فقه و حقوق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

**چهارشنبه؛ ۱۳ اسفندماه ۹۹**  
**ساعت ۱۸:۳۰ الی ۲۰:۳۰**

نشانی شرکت مجازی در نشست: <https://www.skyroom.online/ch/rth/meeeting3>



## مسئولیت‌پذیری اجتماعی-رویکردی انتقادی

نشست «مسئولیت‌پذیری اجتماعی-رویکردی انتقادی» در تاریخ ۱۸ اسفندماه ۱۳۹۹، با دبیری زهرا رجائی و مدیریت دکتر کاظمی برگزار شد.

در ابتدای نشست دکتر زهرا رجائی (استادیار دانشگاه پیام نور) درباره‌ی مدیریت مسائل عمومی (public issue) و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سازمان‌ها گفت: این موضوع از مطالبه و آگاهی مردم ناشی می‌شود و نهادینه‌سازی (institutionalized) مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سطح فردی، سازمانی و شرکت‌ها به‌عنوان یک روش زندگی (way of life) باید مدنظر قرار گیرد از طرفی عمل به تعهدات و مسئولیت‌های اجتماعی اهمیت فزاینده یافته است که تغییرات متعدد از قبیل تغییر انتظارات، جنبش‌های حقوق شهروندی (civil right movement)، جنبش‌های اکولوژی (ecology) و جنبش‌های اخلاقی و جنبش‌های اجتماعی و این‌که سازمان‌ها دیگر به‌عنوان نهاد صرف اقتصادی مد نظر نیستند، بلکه به‌عنوان نهاد اجتماعی و سیاسی (socio political institution) هستند که همین موضوع اهمیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در سطح سازمان‌ها مضاعف کرده است و توجه فعالانه به این حیطه را می‌طلبد.



در ادامه‌ی این نشست مجازی دکتر سیده‌هدی الوانی (استاد دانشگاه علامه طباطبائی) طی سخنانی گفت: مسئولیت‌پذیری اجتماعی با دیدی انتقادی یعنی نقصان‌ها و کاستی‌های آن کجاست و چگونه می‌شود رفع کرد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی همان‌طور که از عنوان آن مشخص است نگاهی که معطوف به درون‌سازمان است تبدیل می‌شود به یک نگاه بیرونی. علاوه بر در نظر گرفتن مصالح و سود زمان باید به جامعه هم نگاه کرد و نیازمند نوعی تغییر و تحول ذهنی است. به‌قول «تیلور» مدیریت علمی اتفاق نخواهد افتاد مگر این‌که یک انقلاب علمی در ذهن‌های شما ایجاد شود. تحول باید در ذهن مدیران ما اتفاق بیافتد. نگاه خودخواهانه درون‌نگر مسئولیت اجتماعی را درک نمی‌کند. مدیری که نتواند نگاه خود را از درون سازمان خودش به بیرون معطوف کند، آمادگی مسئولیت اجتماعی را ندارد.

الوانی تأکید کرد: تا ذهنیت‌ها تغییر نکنند، خودپسندی و منیت را از ذهن خود بیرون نکنیم، مسئولیت اجتماعی حالت نمایشی خواهد داشت و منافع عامه را بر منافع خاصه خودش مرجح خواهد بود. مسئله‌ی بعدی رشد طبیعی پدیده‌ها، تئوری‌ها و نظریه‌هاست که سیر تحول و تطور و بلوغ داشته است. در کشورهای سرمایه‌داری بخش خصوصی قوی سال‌ها رشد و استحکام و قوت کافی پیدا کرده است، اما در این‌جا بدون این‌که بخش خصوصی رشد کرده باشد، به‌صورت یک‌دفعه خصوصی‌سازی انجام می‌شود و سپس مشکلاتی ایجاد می‌شود که ملاحظه می‌فرمائید. هر چیزی نیاز به رشد دارد هر نظامی پله‌هایی دارد و... مسئولیت اجتماعی ابزار تبلیغ نیست و باید از نیت خوب انسان سرچشمه گرفته باشد.

مسئله‌ی بعدی قانونی شدن است. گاهی دولت قانونی برای مسئولیت اجتماعی وضع می‌کند. به‌عنوان مثال؛ مسئولیت اجتماعی حکم می‌کند که به‌عنوان یک شرکت نفت یا گاز نباید آلودگی محیطی ایجاد کرد. مقررات با قوه‌ی قهریه عملی می‌شود اما مسئولیت اجتماعی امری است که فضیلت سازمان یعنی، فضیلت اخلاقی مدیر

است. مسئولیت‌پذیری اجتماعی امری درونی است امری است که به‌عنوان یک ارزش توسط مدیران و تک‌تک افراد سازمان شناخته شود. طبق کتاب «دیگردوستی» سینگر، انسان باید به دیگران خدمت کند. بنی‌بشر از یک گوهرند. کمک‌کردن به دیگران و نوع‌دوستی کمک به خودمان است. اگر نمی‌توانید به دیگران کمک کنید، حداقل کم مصرف کنید. کم مصرف‌کردن نوع‌دوستی، مهربانی و خوبی است. مهربانی در حق دیگران است. کم مصرف‌کردن یعنی حق نسل آینده را از بین نبردن. مسئولیت اجتماعی نگاه پایداری دارد و نسل آینده هم حقی دارد. تبلیغات ابزار بیشتر مصرف‌کردن است. تولید کالاهایی که در مدت کوتاهی فرسوده شده و مصرف‌کننده را وادار به تهیه‌ی مجدد کالا می‌کند. مسئولیت اجتماعی تبلیغ برای مصرف زیاد نیست. باید مردم را به اندازه مصرف‌کردن ترغیب و تشویق کنیم. مسئله‌ی بعدی ایزاری‌شدن مسئولیت اجتماعی است. در بحث تطهیر سبز، ما نباید با سبز بودن مشکلات خودمان را از جمله بی‌کیفیتی محصول‌مان، آسیب‌رساندن به محیط طبیعی را تطهیر کنیم. مسئولیت اجتماعی محیط زیست به تنهایی نیست. اگر سازمانی شفاف و راست‌گو نباشد، آلودگی روحی و روانی برای مردم ایجاد خواهد کرد. مسئله‌ی بعدی پاسخ‌گویی است. تا مردم خواهان مسئولیت اجتماعی نباشند، مسئولیت اجتماعی شکل نخواهد گرفت. سازمان‌ها از ترس مردم رو

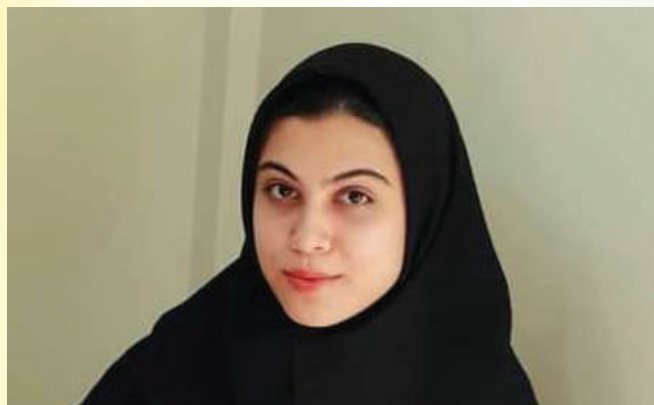


به مسئولیت اجتماعی آورده‌اند. اگر تشکلی نباشد که پاسخ‌گویی بطلبد، مسئولیت‌پذیری شکل نمی‌گیرد. دکتر مصطفی کاظمی (استاد دانشگاه فردوسی مشهد) سخنانش را این‌چنین آغاز کرد: آن‌چه که باعث شد مسئولیت اجتماعی پا به عرصه‌ی مدیریت بگذارد، بروز تحولات عمده‌ای است که در دنیای کسب‌وکار به وجود آمد به‌دلیل چالش‌های عمده مثل رشد جمعیت؛ تغییرات اقلیمی، کمبود منابع، جهانی‌شدن سازمان‌ها و ... سازمان‌ها نه‌تنها به درون خود، بلکه به اجتماع هم باید پاسخ‌گو باشند. اهمیت توسعه‌ی پایدار در قرن ۲۱ و لزوم همکاری جمعی و همه‌گانی شرکت‌ها را می‌طلبد. ازطرفی مسئولیت اجتماعی شرکت یک مفهوم مدیریتی است که به‌موجب آن شرکت‌ها ادغام نگرانی‌های اجتماعی و زیست محیطی در عملیات تجاری و تعامل با ذی‌نفعان خودشان را انجام می‌دهند و با رعایت ملاحظات اجتماعی و محیط زیستی را در عملیات تجاری و در تعامل با ذی‌نفعان به‌صورت داوطلبانه انجام می‌دهند. با زور و قانون مسئولیت اجتماعی موجب تحول نمی‌شود! مسئولیت اجتماعی، مسئولیت متوازی است یعنی همه‌ی اصول و پایه‌های مسئولیت اجتماعی باید با هم دیده شود. مدل‌ها برای سنجش وضع موجود و مدیریت مسئولیت اجتماعی شرکت‌هاست. از مشهورترین مدل‌ها، مدل «کارول» که در همه‌ی حوزه‌های معرفی‌شده‌ی ۴ گانه، به‌صورت متوازن به آن‌ها می‌پردازد، مدل «ساندرا» است که ابعاد مسئولیت اجتماعی را در هفت بعد می‌سنجد. مدل DNA که دارای ۴ کد است، خلق ارزش، حاکمیت خوب، مشارکت اجتماعی و دست‌کاری زیست محیطی. در مدل والایس، که یک مدل دانشگاهی است، این مدل تأثیرات دانشگاه را در ۴ نوع تأثیر می‌بیند. در هرم مسئولیت‌پذیری اجتماعی «کارول» که بنیادش بر مبنای مسئولیت اقتصادی شرکت‌هاست؛ به مسئولیت قانونی، مسئولیت اخلاقی و مسئولیت انسان‌دوستانه می‌پردازد.

دکتر کاظمی ادامه داد: در بحث مسئولیت‌پذیری دانشگاه‌ها USA که بر اساس رویکرد سیستمی، دانشگاه

عنصری اساسی از سیستم اجتماعی کلان است و توجه دانشگاه به نیازهای جامعه و ترویج فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تدوین استراتژی مسئولیت اجتماعی ضرورت دارد. مسئولیت اجتماعی دانشگاهی به معنای خط مشی کیفیت اخلاقی عملکرد USR دانشگاه از طریق مدیریت مسئولانه تأثیرات چهارگانه سازمانی، آموزشی، شناختی و اجتماعی حاصل از دانشگاه در گفتمانی تعاملی با جامعه به‌منظور ترویج و بهبود و توسعه‌ی انسانی پایدار است. ایفای مسئولیت اجتماعی داوطلبانه‌ی دانشگاه مستلزم پاسخ به سؤالاتی از قبیل؛ دانشگاه در حال انجام چه کاری است؟ بر چه کسانی تأثیرگذار است؟ بر چه حیطه‌ای تأثیرگذار است؟ نقش دانشگاه‌ها در کاهش نابرابری‌های اجتماعی و تعادل‌بخشی به جامعه چیست؟ نقش دانشگاه در بحران‌های ملی و جهانی چیست؟ آیا عاملی برای تغییر اجتماعی هست؟ آیا هویت دگرخواهی در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، عدالت‌محوری در وجود مخاطب و یادگیرندگان هست؟ چه ارزش‌ها و نگرش‌هایی هم درون و هم فارغ‌التحصیلان را ترویج می‌کند؟

کاطمی در خاتمه‌ی سخنانش گفت: با پاسخ به سؤالات بالا می‌توان وضع موجود را سنجید. در بحث نقد و بررسی دانشگاه‌ها، در مورد پیاده‌سازی الگوی مسئولیت اجتماعی اقدامی صورت نگرفته است. اگر پژوهش‌هایی در دانشگاه صورت گرفته از مدل‌های شرکت‌های تجاری استفاده کرده است، در حالی که اساس مدل «کارول» بر مبنای اقتصادی است. در مشترکات ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی کمتر از متوسط وضع موجود است. در کنار این نکات منفی، مباحثی شروع شده است در دانشگاه‌ها از جمله توجه به مفید بودن رشته‌ها مطرح است. تلاش‌هایی انجام می‌شود به سمت رشته‌هایی می‌رود که نتایج به نفع جامعه و ذی‌نفعان باشد. مسائلی در بحث آموزش، پژوهش و توسعه‌ی کارآفرینی و جهت‌گیری به سمت ایفای مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها از نظر کارآفرینی و اشتغال فارغ‌التحصیلان نیز صورت می‌گیرد ولی هنوز به‌طور کامل به مرحله عمل نرسیده است. پیشنهادهای برای ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه با تأکید بر محتوای درسی وجود دارد از جمله؛ انتخاب یا طراحی الگوی مناسب برای ارزیابی و پیاده‌سازی مسئولیت اجتماعی و محتوای درسی را با دنیای واقعی مرتبط کند، سواد زیست‌محیطی دانشجویان را افزایش دهد، تفکر نقد و انتقاد در دانشگاه پرورش دهد، حمایت از رفتار مسئولانه و کمک به کسب مهارت‌های زندگی و احترام و اعتماد متقابل، فراهم‌سازی زمینه‌ی مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و مدنی توسط دانشگاه برای دانشجویان، حضور در عرصه‌ی مسئولیت‌پذیری و شبیه‌سازی مسئولیت اجتماعی در قالب دروسی مانند کارآموزی و پروژه که متأسفانه امروزه به آن بهایی داده نمی‌شود ضمن این‌که تجربه‌ی معاشرت با نخبگان علمی و اجتماعی و خیرین برای دانشجویان می‌تواند بسیار کمک کار باشد.



مریم سرغانی (مدرس گروه مدیریت دانشگاه فردوسی مشهد) در این باره گفت: اهمیت و ضرورت توجه به مسئولیت اجتماعی شرکتی در حال حاضر در سطح شرکت منتفی است و در سطح کلان‌تر به این موضوع توجه می‌شود. ایجاد تعادل میان بخش‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی کسب و کار به دلیل جهانی شدن و دستیابی به مزیت رقابتی و این‌که CSR جزئی جدایی‌ناپذیر از نام تجاری شرکت‌هاست و بهبود موفقیت شرکت‌ها در بلندمدت با ایجاد اطمینان از رعایت مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی از دلایل اهمیت به مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. از مهمترین مزایای به‌کارگیری مسئولیت اجتماعی شرکتی می‌توان به این موارد اشاره کرد؛ افزایش کارایی و اثربخشی کارکنان از طریق ایجاد حس تعلق، بهبود تصویر برند کسب‌وکارها در نظر مشتریان، کاهش اثرات منفی اجتماعی و محیط زیستی کسب‌وکارها و حرکت به سوی ایجاد ارزش مشترک (خلق ارزش



اقتصادی و اجتماعی)، ایجاد مزیت رقابتی، بهبود سطح رقابت‌پذیری شرکت‌ها و افزایش سهم بازار، افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی، کاهش ریسک و افزایش رتبه و اعتبار در سطح بین‌المللی. سرغانی تأکید کرد: کاهش هزینه‌های ناشی از کنترل سازمان‌ها به‌صورت کلی به‌لحاظ دارا بودن الگوی رایج مسئولیت‌پذیری اجتماعی دو دسته هستند؛ ۱. دارای الگوی مرجع: در این گونه سازمان‌ها الگو متناسب با شرایط سازمان بومی می‌شود. ۲. بدون الگوی مرجع: اقداماتی را در حد توانایی سازمان انجام می‌دهند. مهمترین الگوی مسئولیت‌پذیری اجتماعی توسط «کوفی عنان» دبیر اسبق سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۹ ارائه شده است.



مهندس مجید منبئی (مدیرعامل شرکت پالایش گاز شهید هاشمی‌نژاد، خان‌گیران) در مورد موضوع این نشست گفت: مباحث دانشگاهی به‌عنوان یک تئوری در سطح کلان با آن چیزی که در کف جامعه در عمل صورت می‌پذیرد، کم‌وکاستی‌هایی دارد. در همه‌ی شرایط در شیمی، در فیزیک وقتی که به واقعیت می‌پیوندد آن چیزی که در عمل اتفاق می‌افتد یک ضریب K هم کنار آن می‌گذاریم تا واقع‌بینانه باشد. نگاه ما به مسئولیت‌های اجتماعی یک ابزار دوطرفه است. اگرچه دید ما به بیرون است ولی در حقیقت به کسب‌وکار خودمان کمک می‌کنیم. مانند این است که در یک جایزه سرآمدی شرکت کنیم طبیعتاً در راستایی قرار می‌گیرید که به توسعه‌ی پایدار کمک می‌کند. مسئولیت اجتماعی از ارزش‌های بنیادی شرکت ماست، ما ۵ ارزش بنیادی داریم که شامل؛ احترام به ارزش‌های دینی، توجه به مسئولیت‌های اجتماعی سازمان در عمارت تعالی، تعلق و تعهد سازمانی، هم‌دلی و تلاش جمعی و بهبود مستمر. مأموریت ما سهیم‌شدن در توسعه و رفاه جامعه با فراهم آوری انرژی پاک به چشم‌اندازمان که سرآمدترین شرکت پالایش گاز کشور در افق ۱۴۰۴ با تولید پایدار و ثروت‌آفرینی است تا از طریق ارائه‌ی محصولات و خدمات عالی، به ارزش افزوده دست یابیم. مهندس منبئی ادامه داد: برخی از پروژه‌های مهم با رویکرد اقتصادی، زیست‌محیطی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، پروژه تغلیظ گاز اسیدی، عملیات ساخت تأسیسات تولید محصولات گوگردی توسط خریداران گوگرد مذاب، اتمام پروژه جلوگیری از فرار گوگرد به زباله سوزها، بهره‌برداری از اولین مرکز رشد نوآوری وزارت نفت و ایجاد بستر مناسب جهت داخلی‌سازی قطعات توربین گازی موتورسیچ است. مسئولیت اجتماعی همواره به گونه‌ای نیست که باید ما پول خرج کنیم، بلکه ما با جذب شرکت‌های خصوصی هم بیکاری را پوشش داده‌ایم و فعالیت‌های اقتصادی توسعه پیدا کرد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بنگاه‌های دولتی متفاوت از بخش خصوصی است. برخی از رویکردهای زیست‌محیطی ما شامل صفر کردن انتشار آلاینده‌های هوا، صفر کردن پساب‌های خروجی، صفر کردن گازهای ارسالی مشتعل، صفر کردن تولید پسماند و صفر کردن اتلافات است. برای درک حصول به حداکثر منافع فقط یک راه وجود دارد و آن درک مسئولیت‌های اجتماعی و استقرار آن در تمام برنامه‌ها و شئون شرکت است. هر کسی که به مسئولیت اجتماعی می‌اندیشد و عمل می‌کند مطمئناً آورده‌ای هم برای خودش دارد. فرصت‌های فراروی اجرای CSR در جامعه‌ی محلی ما شامل تقویت قوانین بالادستی، توجه به موضوع در مقیاس ملی، پیشتازی وزارت نفت در CSR رشد اجتماعی - فرهنگی جامعه محلی و کسب بلوغ سازمانی در شرکت است که از مهمترین چالش‌های فراروی CSR در جامعه‌ی محلی ما انتظارات

جامعه‌ی محلی، بحران‌های اقتصادی، ضعف اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی، نیازهای فراوان و محرومیت منطقه و نبود قوانین و مقررات حمایتی است.



مهندس قدسیه مستغنی‌یزدی (مدیر توسعه‌ی روابط فرهنگی و اجتماعی شرکت صنایع پودر شیر مشهد، دنون) گفت: ما در صنایع پودر شیر مشهد باور داریم، زمانی کسب‌وکار ما پایدار است که قادر باشیم ارزش‌های بلندمدت را برای تمام ذی‌نفعانمان در زنجیره‌ی ارزش ایجاد کنیم و این رویکرد باعث شده هم روند صعودی رشد اقتصادی‌مان تضمین شود و هم برای تمامی ذی‌نفعانمان؛ اعم از کارمندان، مشتریان، تأمین‌کنندگان، محیط‌زیست و سهام‌داران ردپاهای قابل اثباتی داشته باشیم. به‌طوری‌که در سال ۹۷ جایزه‌ی نقره‌ای را برای نهاده‌شدن فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سازمان و سال ۹۸ بالاترین جایزه‌ی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در تمام حوزه‌ها را دریافت کردیم. ما این میراث را از بنیان‌گذار «دنون» داریم که در سال ۱۹۷۲ گفت: مسئولیت ما درب کارخانه پایان پیدا نمی‌کند، بلکه در جامعه‌ای که در آن کار می‌کنیم تسری پیدا می‌کند. از همان زمان مسئولیت‌پذیری اجتماعی در تاروپود شرکت تنیده و به جزئی از DNA ما تبدیل شد.

دنون با ادغام اصول پایداری در کسب و کار، اهداف استراتژیک خود را در قالب سه مدل تعریف کرد: ۱. مدل کسب‌وکار که سودآوری از طریق نوآوری است. ۲. مدل برند که بر سلامتی مردم و سلامت کره‌ی زمین تأکید دارد. ۳. مدل تراست که بر توانمندسازی کارکنان و جلب مشارکت مشتریان، تأمین‌کنندگان و جامعه‌ی محلی در خلق ارزش مشترک تأکید دارد. برنامه‌ی DANONE WAY همان مدل CSR است. که با تعریف موضوعات کلیدی برای اجرا و شاخص‌های عملکردی به ما کمک می‌کند که هر روز عملیات‌مان را به‌گونه‌ای انجام دهیم که این اهداف محقق شود. اهدافی که تمام اصول مسئولیت‌پذیری اجتماعی در آن مستتر است، در کل دنیا برای خود تعهد ایجاد می‌کند و ما نقشه‌ی راه‌مان را جهت تحقق آن تنظیم می‌کنیم. علاوه بر این DANONE WAY میزان پیشرفت ما در تحقق اهداف را سالانه اندازه‌گیری می‌کند.

ما می‌دانیم زمانی‌که بنیان‌های شرکت درست نباشد نمی‌توان حرف از مسئولیت اجتماعی زد لذا، اول نگاه به درون داریم و ساختارهای لازم برای تحقق مصالح ذی‌نفعان داخلی را می‌سازیم، سپس خود را با الزامات «دنون» انطباق می‌دهیم، در مرحله‌ی بعد از عملکرد ما ارزش خلق شده و کسب‌وکارمان پایدار می‌شود. و در مرحله‌ی آخر نگاه ما به بیرون شرکت و اثرگذاری بر ذی‌نفعان بیرونی و درون‌جامعه است.

مستغنی‌یزدی در پایان سخنانش دو پیشنهاد برای اهالی دانشگاه ارائه کرد و گفت: اول، از طریق پایان‌نامه‌های دانشجویی روی «مدل بومی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها» کار کند. دوم، افرادی را تربیت کند که قادر باشند در کنار شرکت‌ها قرار بگیرند و به آن‌ها نشان دهند با توجه به ماهیت کار سازمان‌شان مسئولیت‌پذیری اجتماعی را از کجا باید شروع کنند و چگونه پیش بروند که ما آمادگی داریم در هردو مورد کنار دانشگاه از این پروژه‌ها حمایت پژوهشی داشته و انتقال دانش و تجربه انجام دهیم.

## رنالیسم جادویی در ادبیات و سینمای ایران و مکزیک

به مناسبت زادروز «گابریل گارسیا مارکز»، با همت دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با همکاری سفارت جمهوری اسلامی ایران در مکزیک، دانشکده‌ی فلسفه و ادبیات دانشگاه اونم (مکزیک) و مرکز پژوهشی مطالعات کشورهای اسپانیایی زبان دانشگاه تهران، وینار بین‌المللی با عنوان «رنالیسم جادویی در ادبیات و سینمای ایران و مکزیک» در روز ۱۴ اسفند ۱۳۹۹، برگزار شد.

در این نشست لوس آروورا پیمتتل (نظریه‌پرداز ادبی و استاد دانشگاه از مکزیک)، عبدالله کوثری (شاعر و مترجم از ایران)، پرویز جاهد (فیلم‌ساز، منتقد و پژوهشگر سینما از انگلستان) و مریم حقروستا (دانشیار گروه زبان اسپانیولی دانشگاه تهران) حضور داشتند و ترجمه‌ی همزمان این نشست را نیلوفر شکوری بر عهده داشت.

در ابتدای نشست شکوه حسینی (مدیر دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی پژوهشگاه) و مریم حقروستا پس از خوش‌آمدگویی به مخاطبان به معرفی نشست و سخنرانان پرداختند.

نخستین سخنران این نشست آئورا پیمتتل بود که با خواندن چند صفحه‌ای از کتاب «صدسال تنهایی» گابریل گارسیا مارکز سخنان خود را آغاز کرد و گفت: در طول داستان از دهکده‌ای به نام ماکوندو سخن به میان می‌آید. این دهکده در کدام مکان جغرافیایی قرار دارد؟ هر چند مکان آن مهم نیست، اما چیزی که ارزشمند است زمان است. در چه زمانی داستان رخ داده است؟ در قرن بیستم؟ در زمان اختراع راه‌آهن؟ یا نه، تاریخ آن به زمان ابداعات اولیه برمی‌گردد؟ شاید روستایی در مقدونیه؟

مارکز به خوبی از عناصر مکان و زمان استفاده می‌کند تا فضایی بسازد که واقعیات و جهی واقعی خود را از دست بدهند. فضایی که زمان به راحتی تغییر می‌کند. عنصری به نام مکان آن‌چنان که می‌شناسیم وجود خارجی ندارد و «در آینده گذشته‌ای است که چیزی غیر از حال نیست». داستان در زمان حال است، اما





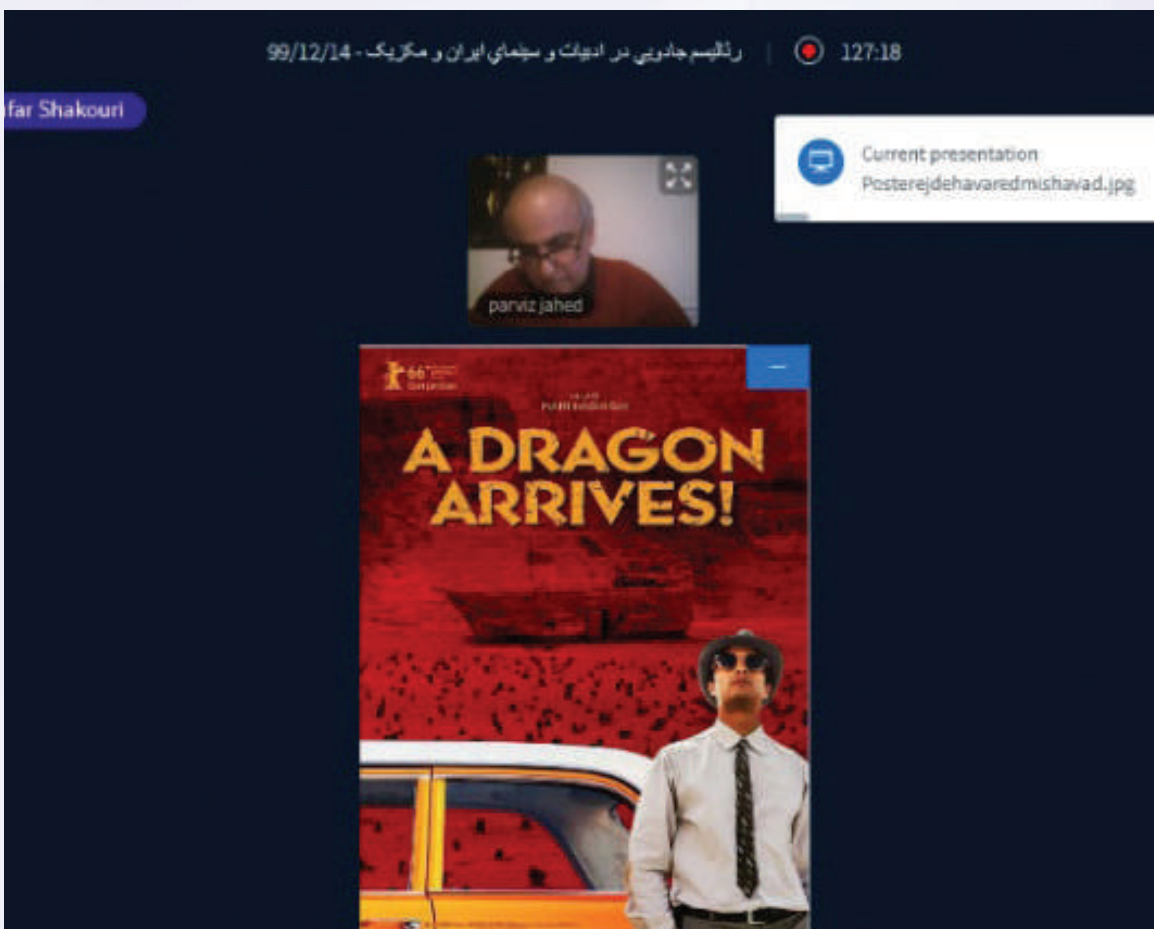
گذشته را به حال می‌آورد و از آینده نیز بهره می‌جوید. پیمنتال ادامه داد: بازتاب‌های دایره‌ای و تکراری، در صد سال تنهایی، توسط گابریل گارسیا مارکز، در جاده‌های پر دست‌انداز زمان عبور می‌کنند. حتی اعداد بدون فکر قبلی در داستان‌های مارکز استفاده نشده‌اند و هر کدام ویژگی خاصی دارند. یک رمان با سبک رئالیسم جادویی، سرشار از تعاملات و تأثیرات واقعیت و جادو، تخیل و حتی هذیان و توهم، از طریق رفتار گارسیا مارکز با زمان به‌وجود آمده است.

تبدیل واقعیت به جهانی جادویی و شگفت‌انگیز چیزی است که گارسیا مارکز از طریق روایت و بلاغت به آن دست می‌یابد. در دهه‌ی ۱۹۲۰، فرانتس رو، منتقد هنری آلمانی، اصطلاح رئالیسم جادویی را برای توصیف تأثیر کار هنری بر بیننده، توانایی نشان‌دادن غیرواقعی یا عجیب به‌عنوان چیزی روزمره و معمول به‌کار برد. علاوه بر استراتژی‌های بلاغی، توصیفی و روایی، کلمات و نام‌هایی با بار استنادی قوی وجود دارند که از لحاظ زمانی و فرهنگی مشخص شده‌اند و تأثیری جادویی در معنای واقعی کلمه، جهانی را می‌سازند. «صد سال تنهایی» دارای مختصات سه‌گانه‌ی مکانی، زمانی و کنشی-بنیادی است که ساخت جهان روایت شده در هر داستانی براساس آن بنا شده است.

خانم دکتر حق‌روستا در پایان صحبت‌های خانم دکتر «پیمنتال» اشاره کرد که نخستین ترجمه مارکز به فارسی به حدود ۴۸ سال پیش باز می‌گردد. مارکز نه تنها به ادبیات آمریکای لاتین بلکه به ادبیات جهانی تعلق دارد و نویسندگان ایرانی هم تحت تأثیر رئالیسم جادویی او قرار گرفته‌اند. خود مارکز اذعان می‌دارد که تحت تأثیر ادبیات شرق و ادبیات ایران نیز بوده است.

وی به گفته کارولس فونتس دیگر نویسنده‌ی مکزیکی اشاره کرد که مارکز در سفرش به ایران به تأثیرش از هزار و یک شب اشاره کرده بود.

دومین سخنران پرویز جاهد بود که سخنان خود را درباره اهمیت مارکز آغاز کرد. به بیان او مارکز فقط متعلق به آمریکای لاتین نیست بلکه شخصیتی جهانی دارد. بسیاری از نویسندگان و هنرمندان در نقاط مختلف دنیا از



سبک و آثار مارکز تأثیر پذیرفته‌اند. تأثیر آثار او در کشورهای توسعه نیافته و جهان سومی اما بیشتر است. در آمریکای لاتین این سبک به نوعی بیانگر فضای اجتماعی و سیاسی آن منطقه است. دو عنصر تاریخ و سیاست نقش مهمی در این بین دارند.

رنالیسم جادویی مارکز بیانگر و آینه زندگی اهالی آمریکای لاتین است. البته تفکیک رنالیسم، سورنالیسم و رنالیسم جادویی در بسیاری از مواقع کاری دشوار است.

از تأثیرات آثار مارکز و رنالیسم جادویی در ایران می‌توان به آثار غلامحسین ساعدی و به تبع آن فیلم‌های ساخته شده توسط داریوش مهرجویی اشاره کرد. اما در مجموع می‌توان گفت در سینمای ایران عملاً فیلم و محصولی با مشخصه رنالیسم جادویی ساخته نشده است.

دکتر جاهد به کتاب‌ها و فیلم‌هایی نظیر عزاداران بیل، ملکوت، هامون، ازدها وارد می‌شود و بوف کور اشاره کرد و گفت: نبود آثاری با مشخصه‌های رنالیسم جادویی در ایران به فضای مذهبی هم بازمی‌گردد. در رنالیسم جادویی ارواح و اجنه و شیطان نقش‌های پررنگی می‌توانند بازی کنند و محدودیت‌ها در استفاده از چنین المان‌هایی در ایران اجازه ساخت آثار قابل توجهی را نمی‌دهد.

اما محدودیت‌های دیگری نیز در نقاط دیگر دنیا باعث شده تا از آثار مارکز محصولات به نسبت کمی در سینما را شاهد باشیم. طبق گفته‌ی مارکز به نقل از یکی از دوستان کارگردانش، ساخت فیلمی که ویژگی‌های رنالیسم جادویی را به خوبی آنچه در داستان‌ها هست، نشان دهد بسیار سخت است، و از طرفی، مردم به سختی با آن ارتباط برقرار می‌کنند. خود مارکز زمانی عاشق سینما بود و یک فیلم نیز ساخت، اما چنین عواملی شوق او را نسبت به سینما کم کرد.

سومین سخنران این نشست عبدالله کوثری بود که با اشاره به برخی ترجمه‌های خود اولین نویسنده

آمریکای لاتین و محبوب‌ترین آن‌ها برایش کارلوس فوننتس بوده است. دلایل خاصی در مورد این که رنالیسم جادویی چرا از آمریکای لاتین برخاست وجود دارد. در حقیقت، رنالیسم جادویی تلاشی برای یافتن هویت در آمریکای لاتین بود که از دهه ۱۹۵۰ آغاز شد.

رنالیسم جادویی در آمریکای لاتین به تاریخ این سرزمین بازمی‌گردد. تاریخ و افسانه‌ها در این سبک با هم در آمیخته‌اند و توانسته‌اند ژانری ایجاد کنند که واقعیت آمریکای لاتین را بازگو کند.

مردم آمریکای لاتین خود می‌گویند: «بسیاری می‌گویند که آثار مارکز عجیب است، اما این واقعیتی است که ما در آن زندگی می‌کنیم».



دانشگاه علامه طباطبائی  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
مرکز تحقیقات فرهنگی اسلامی  
مرکز تحقیقات فرهنگی اسلامی  
Centro de Estudios Hispánicos

دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
یا همکاری سفارت جمهوری اسلامی ایران در مکزیک، دانشکده فلسفه و ادبیات دانشگاه اونام (مکزیک)  
و مرکز پژوهشی مطالعات کشورهای آسیایایی زبان دانشگاه تهران برگزار می‌کند:

**نشست مجازی**  
**(به مناسبت زادروز گابریل گارسیا مارکز)**

**رنالیسم جادویی در ادبیات و سینمای ایران و مکزیک**

روسا بلتران نویسنده و استاد دانشگاه (مکزیک)  
عبدالله کوثری شاعر و مترجم (ایران)  
لوس اورورا پیمنتل نظریه‌پرداز ادبی و استاد دانشگاه (مکزیک)  
پرویز جاهد فیلم‌ساز، منتقد و پژوهشگر سینما (ایران)

مجری: دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی  
مدیر نشست: مریم حق‌روستا (دانشیار دانشگاه تهران - ایران)

زمان برگزاری: پنجشنبه ۱۴ اسفند ساعت ۱۸:۳۰

Reunión virtual  
(Con motivo del cumpleaños de Gabriel García Márquez)  
Organizador:  
Oficina Internacional de Colaboración Científica (IHCS)

Instituto de Humanidades y Estudios Culturales con la cooperación de la Embajada de la República Islámica de Irán en México, Universidad de UNAM y el Centro de Estudios Hispánicos de la Universidad de Teherán

**El realismo mágico en la literatura y el cine de Irán y México**

Rosa Beltrán: Escritora, Profesora (Universidad de UNAM - México)  
Abdullah Kowsari: Traductor, Editor (Irán)  
Luz Aurora Pimentel Anduiza: Teórica Literaria, Profesora (Universidad de UNAM - México)  
Parviz Jahed: cineasta, crítico de cine e investigador (Irán)  
Moderadora: Maryam Haghroosta (Universidad de Teherán-Irán)  
Traducción simultánea persa-español: Nilufar Shakuri Moghaddam

Fecha: Jueves, 4 de marzo de 2021; Hora: 9 A.M. (hora de la Ciudad de México)

Link: <https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-3kz-yj9>



## همایش ملی «بحران کرونا و چالش‌های فلسفه‌ی سیاسی-اجتماعی غرب»

به همت بسیج استادان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با مشارکت پژوهشگران، محققان و اعضای هیأت علمی مؤسسات آموزشی و پژوهشی، همایش ملی «بحران کرونا و چالش‌های فلسفه‌ی سیاسی-اجتماعی غرب» روز ۱۲ اسفندماه ۱۳۹۹، به صورت حضوری و مجازی در پژوهشگاه برگزار شد.

دکتر زیویار؛ کرونا، آزمون بزرگ و پیچیده‌ی نسل حاضر



سخنران اول همایش؛ دکتر فرهاد زیویار، عضو هیأت علمی پژوهشگاه و مسئول همایش، ضمن تبریک اعیاد ماه مبارک رجب به حاضرین در همایش خیرمقدم گفت و اظهار داشت: شیوع ویروس کرونا آثار متعددی بر زندگی بشر گذاشته است. اکنون که بیش از یکسال از این بلائی عالم گیر می‌گذرد یک ایستگاه تاریخی و آزمونی بزرگ و پیچیده برای نسل حاضر و ستم‌دیده است. ظاهراً این آزمون پدیده و طویل‌المدت کمتر کسی یا چیزی را از قلم می‌اندازد. البته پرطمطراق‌ها و دانه‌درشت‌ها سخت‌تر از صافی آن عبور می‌کنند. همان‌طور که پیش‌تر مطرح شد، وزن و حجم تمام «کرونا ویروسی» که عالم و آدم را تا به امروز به خود مبتلا کرده، آن قدر ناچیز است که بیشتر از چند گرم نیست اما جمعیتی که به آن مبتلا شدند پس از یکسال از مرز صد میلیون نفر عبور کرده‌اند که از این میان دو تا سه درصد این آمار جان خودشان را از دست داده‌اند.

وی ادامه داد: صرف‌نظر از نظام غیرعادلانه قدرت جهانی و فقدان عدالت در توزیع امکانات و تجهیزات پزشکی با توجه به تحریم‌های ظالمانه، ابتلاء و تلفات مادی و غیرمادی این ویروس عجیب و غریب، امکانات و سازوکارهای اجتماعی دانه درشت‌ها را بیشتر نشانه گرفته است و اگر چه تلفات انسانی آن برای همه‌ی آحاد بشر تأثیر برانگیز است اما از حیث مقام و مرتبت با فقیر و فقرا کمتر دست به گریبان شده است. به عبارتی هر کس بامش بیشتر و داعیه و سفره‌های رنگین‌تر و عریض و طویل‌تر، در اعلان جنگ کرونا زورآزمایی سخت‌تری باید بکند کما این‌که مرتبت و نسبت تلفات و خسارات این ویروس، اروپا و آمریکا را با فاصله از آسیا و آفریقا پیش انداخته است. اعداد و ارقام و رویارویی‌ها و دوگانه‌های به‌وجود آمده هم حکایت از این قضیه دارد: دوگانه‌ی سلامت و اخلاق/ دوگانه‌ی سلامت، اقتصاد و معیشت/ دوگانه‌ی سلامت و کارآمدی در حکمرانی یا چالش‌های بنیادی: سبک زندگی، امکانات و فضای کالبدی نهادهای عریض و طویل اقتصادی، رفاهی، آموزشی، ورزشی، تفریحی، چالش‌های سیاست و متدهای متداول آن، چالش‌های کارآمدی و ناکارآمدی تکنیک و تکنولوژی، چالش‌های کارآمدی و ناکارآمدی و آسیب‌های فضای مجازی با شمولیت گسترده‌ی آن، همه‌ی این‌ها این نکته را متبادر می‌کند که ایستگاه تاریخی کرونا نقطه عطفی در بنیاد و نهادمندی و سازه‌های سیاسی-اجتماعی قدرتمندترهای جهان معاصر به‌شمار می‌آید و آزمون بیش از یکسال و طولانی‌مدت آن، به صورت فاعده‌مند سفره‌ی این‌ها را بیشتر تهدید کرده است. توانایی مدیریتی، فلسفه‌ی اجتماعی و نمایش اخلاق عمومی در نوع توجه به حقوق همگان در توزیع و امکان بهره‌گیری از تجهیزات پزشکی و حتی منفعت‌گرایی در نگاه به سالمندان و افرادی که عواید چندانی برای جامعه ندارند به تعبیر مقام «معظم رهبری» شکست خورده قلمداد می‌شود. و این در حالی است که بنیاد فکری و سازوکارهای نظام جمهوری اسلامی طوری طراحی شده است که تلاش و مقابله با این بلیه، نه تنها جهاد به‌شمار می‌آید بلکه تفاوتی بین پیر و جوان قایل نمی‌شود و حتی اگر



هم اولویتی قایل باشد ضعیف‌ترها و پیرها رجحان پیدا می‌کنند و برای مرتبت جان‌باختگان این جبهه هم شهادت در نظر گرفته می‌شود.

دکتر زیویار، در پایان سخنانش شرح داد: این همایش ملی آثار و پژوهش‌های خود را در همین راستا با محور نقد فلسفه‌ی سیاسی - اجتماعی غرب، مناسبات اجتماعی، کارآمدی دولت‌ها و نهادهای آن در مواجهه با این بحران برگزار کرده است. امیدواریم که گامی هر چند کوچک در این راه برداشته شده باشد.

### دکتر فوزی؛ چند لایه‌ای بودن بحران کرونا و پیامدهای تمدنی آن



دکتر یحیی فوزی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه و دبیر کمیته علمی همایش، سخنران بعدی مراسم بود که به ارائه‌ی گزارشی از فعالیت‌ها، نحوه‌ی اجرا و محورهای همایش مزبور پرداخت و بیان کرد: ۴۰ اثر به این همایش ارسال شده بود که مورد داوری و ارزیابی قرار گرفته‌اند.

وی در ادامه گفت: بحران کرونا که با اپیدمی و ویروس کرونا جهان امروز را در بر گرفته است پدیده‌ای چندلایه و چندوجهی است که برای فهم ابعاد و پیامدهای آن نیازمند شناخت این لایه‌های مختلف است تا بتوان شناخت درستی از آن به دست آورد. اگر با رویکردی تحلیلی لایه‌ای، پدیده‌ی بحران کرونا را مورد بررسی قرار دهیم، می‌توان این پدیده را پدیده‌ای هرمی تصور کرد که سطح بالا و قله‌ی آن ماهیتی بهداشتی و پزشکی دارد که علت آن یک ویروس جهش‌یافته یا جهش داده شده است که با سرعت در جهان در حال گسترش بوده و بخش مهمی از مردم جهان را از ترس مرگ به پناهگاه برده و زندگی روزمره‌ی مردم را دچار چالش‌های جدی کرده است و هرروز جان تعدادی از افراد را می‌گیرد. در سطح و لایه‌ی میانی و تحلیلی بحران کرونا، شاهد ابعاد فراپزشکی هم‌چون ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، روان‌شناسی، فرهنگی و حقوقی هستیم که در این رابطه می‌توان به این موارد اشاره کرد: ابعاد اقتصادی بحران کرونا هم‌چون کاهش رشد اقتصادی، گسترش فقر، بیکاری، شکاف طبقاتی، تعطیلی کارگاه‌های تولید و خدماتی و... ابعاد سیاسی بحران و چالش‌های جدید سیاسی امنیتی و نظام اجرائی و تصمیم‌گیری در جوامع و نقش و میزان موفقیت مدل‌های مختلف حکومتی در مهار بحران و حل مشکلات به طوری که برخی بحران کرونا را آزمونی برای شناسایی توان‌مندی اشکال و مدل‌های مختلف حکومتی در بحران دانسته‌اند. هم‌چنین در ابعاد اجتماعی گسترش شکاف طبقاتی و اجتماعی و در عرصه‌ی فرهنگی و ابعاد دینی و مذهبی بحران که موجب تحول رویکردها به ماهیت شرور در ادیان و نوع مواجهه‌ی مناسب با آن‌ها شده است. ابعاد روحی و روانی بحران نیز وجه دیگر آن است که از یک سو نقش عوامل روانی در شکل‌گیری و تقویت بحران و از سوی دیگر چگونگی حل بحران‌های روحی-روانی و راه‌های برون رفت از ناشی از بحران است. به همین ترتیب باید به ابعاد حقوقی، مدیریتی و هنری و... اشاره کرد که هر یک ابعاد گسترده و قابل مطالعه‌ای دارند و در مجموع نشان می‌دهد، همان‌طور که در ظاهر و در سطح اول، نقش علوم پزشکی از اهمیت برخوردار است، در سطح دوم، نقش علوم انسانی بسیار پررنگ است و این سطح دوم پدیده، عمدتاً ماهیتی علوم انسانی و اجتماعی دارد.

فوزی در ادامه به لایه‌ی سوم بحران کرونا اشاره کرد و گفت: بحران کرونا ویروس، لایه‌ی سوم نیز دارد که می‌توان آن را به چالش کشیدن تمدن غالب بر جهان دانست و وجه تأثیرگذار تمدنی بحران کرونا را نشان می‌دهد. در این عرصه گفتمان‌ها و اسطوره‌های مسلط بر نظم موجود جهانی، زیر سؤال رفته و حفره‌ها

و خلاءهای آن آشکار شده و گفتمان غالب در عرصه‌ی تمدن بشری را به چالش کشیده است، به عبارت دیگر بحران کرونا نشان داد که بسیاری از سخت‌افزارها، نرم‌افزارها، نظام‌ها و ساختارهای اجتماعی تمدنی موجود با اشکالات و ایرادات مختلفی در گذار بشر امروز از بحران مواجهند. این ساختارها و نظام‌های جدید که عمدتاً محصول غلبه‌ی تمدن غربی بر جهان امروز از طریق پروژه یا پروسه‌ی جهانی شدن است و نوع نظام‌های سیاسی اجتماعی و سبک زندگی یکسانی در جهان را با تأثیرپذیری از تجربه‌ی غرب توصیه می‌کرد که منجر به آن شد تا آسیب‌پذیری جوامع در خصوص بحران به یکدیگر شباهت زیادی پیدا کند. بحران کرونا گفتمان نئولیبرالیستی و مدرنیستی در غرب و حتی گفتمان شبه مدرنیستی در بخشی از جوامع در حال توسعه که بر اسطوره‌هایی هم‌چون دولت حداقلی، فردگرائی و آزادی اقتصادی سودمحور، به‌حاشیه راندن عدالت اجتماعی و تأکید بر داروینیسیم اجتماعی و نوعی سبک زندگی مبتنی بر این اسطوره‌ها بنا شده‌اند را به‌شدت به چالش کشید و توانایی آن‌ها در کاهش و رفع رنج بشر در دوران بحران را با سؤالات جدی مواجه ساخت.

دکتر فوزی در توضیح این بحث به یک مثال اشاره کرد و گفت: بحران کرونا نشان داد که کارآمدی نظام‌های سیاسی در مواجهه با بحران تنها تحت تأثیر کوچک‌بودن یا دخالت حداقلی یا دموکراتیک بودن صورتی مورد تأکید در کشورهای شبه‌مدرن و حتی برخی دموکراسی‌های غربی نیست، بلکه کیفیت دموکراسی و نوع ارتباط دولت و ملت و میزان کاهش شکاف بین دولت-ملت‌ها و مشروعیت مردمی دولت‌ها موجب همکاری گسترده‌تر مردم با دولت‌ها و کارآمدی بیشتر آن‌ها در مواجهه با بحران شده است. این امر ضرورت بازنگری در الگوهای سیاسی معطوف به کارآمدی و معطوف به ویژگی‌های جوامع مختلف را مورد تأکید قرار می‌دهد. هم‌چنین بحران کرونا نشان داد که اگر نظام اداری و اجتماعی، تقسیم کار و شکل محلی تری داشته باشد، موفق‌تر است. بحران کرونا نشان داده اگر الگوهای شهرنشینی و معماری متناسب با هویت، فرهنگ و نیازهای جوامع مختلف باشد و اگر تراکم این‌چنینی با الگوبرداری ناقص از معماری جوامع دیگر در شهرها نبود و فضای زیست مناسب‌تری را شاهد بودیم و اگر شهرها از معماری مناسب‌تری برخوردار بودند، آیا یک بیماری می‌توانست این‌چنین تبدیل به یک بحران شود یا ماندن در منازل کوچک و آپارتمان‌ها این‌قدر زجرآور می‌شد؟ اگر نظام اقتصادی عادلانه‌تری وجود داشت و شکاف فقیر و غنی به اندازه‌ی وضعیت کنونی نبود، آیا بیماری تبدیل به یک بحران برای جوامع می‌شد؟ اگر دین و توسعه روابط تعریف‌شده‌تر مبتنی بر نیازهای واقعی انسان، به هر دو را در تمدن مدرن داشتند؛ آیا افراط و تفریط‌های کنونی در مواجهه با بحران بین دین‌داران در جوامع وجود داشت که برخی آن‌را آخرالزمان بدانند و برخی آن‌را علامتی بر پایان نقش دین در جهان قلمداد کنند؟ هم‌چنین اگر تعریف مناسبی از معناداری و نوع مواجهه با مرگ و شیوه‌های عمیقی از اصلاح روحی و روانی بشر شکل گرفته بود، آیا چنین اضطرابی را در جوامع بشری در مواجهه با آن شاهد بودیم و اگر اخلاق اجتماعی از بنیادهای لازم و عمیق برخوردار بود آیا شاهد داروینیسیم اجتماعی و طبقه‌بندی انسان‌ها براساس سن، رنگ و جنس در حمایت‌های لازم برای مقابله با کرونا در برخی جوامع مدرن بودیم؟

براین اساس این مباحث بیان می‌کند که سطح عمیق‌تر تأثیرگذاری بحران کرونا را باید در زیر سؤال رفتن تقلید کورکورانه یا ناقص از نظامات اجتماعی اقتصادی و سیاسی و سبک زیست و زندگی متأثر از نظام تمدنی مسلط غربی و در حال گسترش در جهان امروز که توسط الگوهای توسعه در جوامع امروزین شکل گرفته، باید جست‌وجو کرد.

فوزی تأکید کرد: با توجه به این سه سطح از بحران یعنی سطح بهداشتی، سطح انسانی و اجتماعی، سطح تمدنی و سبک زندگی، برای برون‌رفت از آن نیز نیازمند فهم مناسب از این سه سطح و نوع ارتباط سطوح مختلف باهم هستیم تا بتوان چشم‌انداز مناسبی از پیامدهای آینده‌ی آن‌را مطرح ساخت. اما به‌صورت اجمال می‌توان در خصوص پیامدهای آینده این بحران توجه داشت؛ این بحران در سطح اول و لایه‌ی رویین، بحرانی پزشکی است در واقع بحران خارق‌العاده و خارج از تصور بشر نیست، بلکه ویروسی است که بشر آن را به خوبی می‌شناسد و مراکز مختلف ویروس‌شناسی در جهان بر روی خانواده‌ی آن مطالعات گسترده‌ای انجام داده‌اند و احتمالاً در چارچوب روش‌شناسی‌های موجود به‌علل شکل‌گیری آن پی‌خواهند برد و دارو و واکسنی برای آن تهیه خواهند کرد و این ویروس سرکش بالاخره مهار خواهند شد، اما با حل و کاهش بحران در سطح اول، این بحران مرتفع نخواهد شد، بلکه سطح دوم این بحران، که ماهیتی اقتصادی-اجتماعی دارد، با شدت زیادی در سال‌های آینده تداوم خواهند داشت و منجر به تغییرات مهمی خواهند شد. گسترش رکود اقتصادی در جهان و تشدید شکاف فقیر و غنی، تشدید بحران بدهی‌ها، جوامع را به‌سمت چالش‌ها و شکاف‌های اجتماعی-اقتصادی مهمی سوق خواهند داد به‌طوری‌که نیازمند تغییر در رویکردهای گذشته برای کاهش بحران خواهند بود و اقتصادها درون‌گراتر خواهد شد. در عرصه‌ی سیاسی دولت‌ها به‌سمت نوعی ملی‌گرائی معطوف



به ارتقاء کارآمدی دولت‌ها در مواجهه با بحران در چارچوب مرزهای سرزمینی به پیش خواهد رفت. جوامع دولت‌ها، سرمایه‌گذاری‌های بیشتری در عرصه‌ی رفاه اجتماعی و بهداشت و پژوهش‌های بنیادی‌تر در خصوص مسائل بیولوژیک به‌عنوان یک تهدید امنیتی-سیاسی انجام خواهند داد. زیرساخت‌های الکترونیک در جوامع تقویت و اسطوره‌های دولت حداقلی با تردیدهای جدی مواجه خواهد شد و در کوتاه‌مدت نوعی منطقه‌گرایی بر جهانی‌گرایی اولویت خواهد یافت و در عرصه‌های فرهنگی-دینی به‌خاطر مواجهه‌ی جدی‌تر بشر با مرگ و ترس؛ «مرگ» رویکردهای جدیدی نسبت به دین و معنویت در زندگی پیدا خواهد کرد و رویکردهای جدیدی به رابطه‌ی دین، اخلاق و معنویت در تمدن جدید شکل خواهد گرفت. اسطوره‌های دین زدا در تمدن مدرن کم‌رنگ‌تر خواهند شد.

فوی در پایان سخنانش با اشاره به محورهای بحران کرونا در سطح سوم یعنی سطح تمدنی یادآور شد: کرونا در سطح سوم، تأثیرات عمیق‌تری دارد و تردیدهای جدیدی را حداقل در سطح متفکران و ایده‌پردازان در عرصه‌ی جهانی مطرح خواهد کرد. نقد الگوهای یکسان‌انگار غربی از توسعه در جوامع و نقد وضعیت الگوی تمدنی حاکم بر جهان را تشدید کرده و الگوهای توسعه، شکل بومی‌تر، تاریخ‌مندتر و بافت‌مندتری به خود خواهند گرفت. این روند می‌تواند الگوهای موجود توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی متأثر از تقلید و پیروی از مؤلفه‌های مسلط بر تمدن غربی را با سرعت بیشتری متحول کرده و توجه بیشتر به ابعاد انسانی توسعه مورد توجه قرار گیرد. توجه به الگوهای جدید مدیریتی و سیاسی و حکمرانی معطوف به بوم زیست‌کشورها به‌منظور تصمیم‌گیری‌های کارآمدتر و الگوهای اجرایی و مدیریتی در عرصه‌ی بحران، شتاب بیشتری خواهد گرفت. هم‌چنین الگوهای موجود شهرسازی و معماری و ارتباطات جمعی و جهانی‌شدن مورد نقادی قرار خواهد گرفت. در مجموع این تحولات می‌تواند در صورت اندیشه‌ورزی و استفاده‌ی مناسب اندیشمندان، رهبران و سیاست‌گذاران، زمینه‌ساز نوعی تغییر پارادایم در الگوهای توسعه‌ی ملی که بستر الگوهای توسعه‌ی مناسب‌تر برای زیست بشر و طبیعی‌تر با نیازهای واقعی جوامع و در نهایت تغییر در سخت‌افزار و نرم‌افزار تمدن مسلط یا در حال تسلط معاصر و زمینه برای تقویت و احیاء تمدن‌های منطقه‌ای را در افقی میان مدت و دراز مدت فراهم آورد.

دکتر قبادی؛ افق‌گشایی پژوهشگاه در حوزه‌ی علوم انسانی در مقابله با پیامدهای کرونا



سخنران سوم همایش؛ دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با اشاره به در پیش‌بودن مبعث نبی اکرم (ص) برگزاری این همایش گران‌ارج را به فال نیک گرفت و سخنان خود را با قرائت «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالَ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» آغاز کرد و گفت: بعثت، جوینار زلال برانگیختگی است که برکات آن همواره جاری خواهد بود و دائماً ما را دعوت می‌کند که از درون برانگیخته شویم و مراقب باشیم تا در مسیر «الله»، لحظه‌ای غافل نمایم.

قبادی ادامه داد: برای همه‌ی ملت ایران، به‌ویژه میهمانان گرامی این همایش از بارگاه الهی آرزوی سلامت و صحت دارم. برگزاری این محفل علمی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به‌نحو مضاعف، مایه‌ی خرسندی و مسرت است و حکایت از رویکرد علمی و پژوهشی نهاد بسیج استادان این پژوهشگاه دارد. از این روی



جای دارد که از دکتر زیویار و همکاران محترم‌شان به‌ویژه دبیر علمی همایش، دکتر فوزی در برگزاری این همایش سپاس‌گزاری و ضمن عرض خیرمقدم به دکتر زارعی، رئیس بسیج استادان کشور و دکتر دارا، رئیس بسیج استادان تهران از رویکرد و علاقه‌مندی علمی آنان قدردانی کنم.

وی گفت: خدای را شاکریم در سالی که از سوی مقام معظم رهبری، سال جهش تولید نام‌گذاری شده، پژوهشگاه، به لطف الهی موفق شد با تقویت رویکرد کاربردی و خروجی‌محور و محصول‌مدار تعداد طرح‌های تقاضا‌محور را قریب به هفتاد پروژه و طرح با نزدیک به بیست میلیارد ریال اعتبار برساند. اکنون بسیج استادان پژوهشگاه هم با ایمان به اثربخشی علوم انسانی در ابعاد گوناگون اجتماعی - فرهنگی به این اقدام شایسته دست‌یازیده است که مقوم رویکرد کاربردی در برنامه‌ی توسعه‌ی راهبردی پژوهشگاه به شمار می‌آید. خداوند سبحان را سپاس‌گزاریم که در مجموع پژوهشگاه از حیث افق‌گشایی توانمندی‌های علوم انسانی در تخفیف آلام اجتماعی ناشی از کرونا تاکنون چهار جلد کتاب بیش از صد مقاله و ده‌ها پویش اجتماعی در فضای مجازی و بیش از پنج پنل تخصصی حول محور کرونا برگزار کرده است که نشست امروز نیز می‌تواند بر این کارنامه وزین بیفزاید.

قبادی افزود: راهبرد اصلی پژوهشگاه در ورود به مقوله ابعاد اجتماعی - فرهنگی کرونا افزایش امیدآفرینی و ارتقای سطح تاب‌آوری عمومی ملت شریف ایران در دوران تحریم ظالمانه‌ی استکبار جهانی بوده است. در عین حال، پژوهش‌های علوم انسانی نشان می‌دهد؛ بخش قابل توجهی از منشاء درمان‌های کرونا را باید در داخل جست، در دل فرهنگ مودت و مدارای اسلامی - ایرانی، هم‌دلی عمومی و مسئله‌شناسی دقیق بومی که می‌توان دردها و رنج‌های ناشی از این بلیه فراگیر را کاهش دهد. بازخوردهای نهادهای گوناگون، اعم از حوزه‌ی سلامت و دستگاه‌های اجرایی در استقبال از این اقدامات در فضای مجازی و غیره نشان از اثربخشی رویکرد خروجی‌محوری و محصول‌محوری در پژوهش‌های علوم انسانی پژوهشگاه بوده است. اقدام به راه‌اندازی پرتال ویژه‌ی ابعاد علوم انسانی و اجتماعی در پژوهشگاه به‌مثابه نه‌اینه‌سازی و رسیدن به مرجعیت در این حوزه است. در عین حال بررسی‌ها نشان می‌دهد کرونا به کشف نارسایی‌های جدید در نظام اندیشه‌گان مسلط در غرب نیز منجر شده است، از جمله:

- ۱- قربانی‌شدن عملی سلامت عمومی تحت حاکمیت سرمایه‌داری محض
- ۲- فردگرایی افراطی، خودگرایی و به محاق رفتن جنبه‌ی اجتماعی در سلامت عمومی
- ۳- نابسند بودن مداخلات علمی-تکنیکی صرف برای تدبیر همه‌گیری ویروس کرونا
- ۴- آسیب‌پذیر بودن نهادهای بین‌المللی هم‌چون سازمان جهانی بهداشت در مواجهه با هژمونی نظام سلطه‌ی سرمایه‌داری
- ۵- به‌کار گرفته نشدن آراء اصحاب علوم انسانی در طراحی تدابیر مهار همه‌گیری و عدم حضور اصحاب علوم انسانی در اکثر ستادهای کرونا در بیشتر نقاط جهان.
- ۶- کم بهره‌گیری از متفکران علوم انسانی و ظهور دیوان‌سالارانه (بوروکراتیک) و فن‌سالارانه (تکنوکراتیک) بدون توجه به زمینه و زمانه و مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی امید است با انتشار به‌موقع نتایج این همایش گران‌سنگ، گفتمان اثربخش بودن علوم انسانی بیش از پیش تقویت شود.

**همایش علمی ISC**

**بحران کرونا: چالش‌ها و فلسفه سیاست‌های اجتماعی غرب**

**تجدید نشریه**  
شماره ۷۹ اسفند ۹۹

**تاریخ برگزاری: دی ماه ۱۳۹۹**

**فراخوان مقاله**  
موضوع: مسائل حکمرانی  
۱۵ آبان‌ماه ۱۳۹۹  
مهلت ارسال اصل مقالات:  
۲۰ آذرماه ۱۳۹۹

**نشست هاوپنل‌های تخصصی**  
از نیمه‌مهرماه تا پایان آبان‌ماه

**محورهای اصلی و تخصصی همایش:**

- بحران کرونا و نقش فلسفه سیاسی اجتماعی غرب
- چالش‌های فکری سنت و مدرنیته در عبور از بحران کرونا
- بحران تمدن غربی در مواجهه با کرونا
- مناسبات اجتماعی هویت ملی کشورها در مواجهه با کرونا
- کرونا و تفاوت کشورها در حکمرانی سیاسی
- کارآمدی دولت‌ها و نهادهای سیاسی در مواجهه با بحران کرونا
- سبک زندگی غربی و بحران کرونا
- بررسی میزان نقش نهادهای سیاسی و اجتماعی و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای اسلامی در بحران کرونا

★ چاپ مقالات برتر در فصلنامه‌های علمی پژوهشی جستارهای سیاسی معاصر علمی پژوهشی قدرت‌لوم علمی پژوهشی سیاست‌کارپردی

مکان: بزرگراه کردستان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

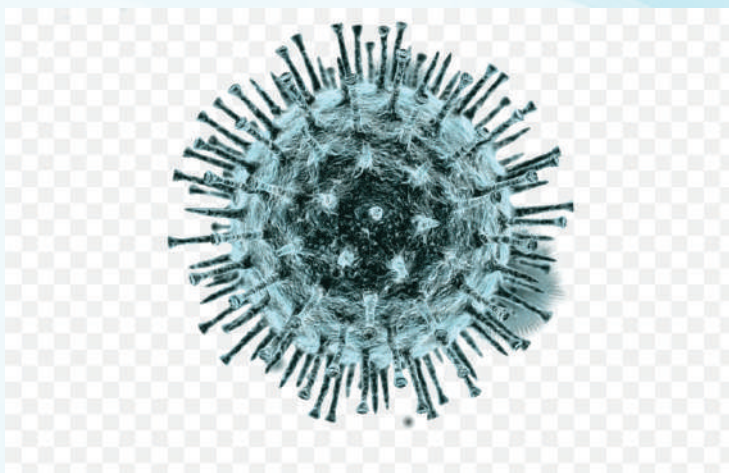
پوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی | دبیرخانه کانون بسیج اساتید، پژوهشگاه اندیشه سیاسی، اتاق ۱۲۴، هـ

رابطه‌ها: ۰۲۱۸۸۶۱۰۳۲۳ | شماره تماس: ۰۲۱۸۸۶۱۰۳۲۳ | وبگاه: www.ihcs.ac.ir/baijap

## دکتر زارعی؛ کرونا و چالش نظریه‌های غربی



دکتر مجتبی زارعی، رئیس بسیج استادان کشور، به‌عنوان سخنران بعدی این همایش، ضمن تشکر از دست‌اندرکاران این همایش، با اشاره به مطالعات انجام‌شده‌ی آسیب‌شناختی و روان‌شناختی شیوع ویروس کرونا، فروپاشی تمدن معاصر را در دنباله‌ی شیوع ویروس، یادآور شد و محورهای بحثش را مطرح کرد. وی در محور اول سخنانش گفت: با آمدن کرونا نظریه‌ی خدامحوری علم به چالش کشیده شد و ابهت علم از میان رفته و علم به کار بشر امروز نیامده است. محور دوم، مسیر توسعه، خطی به‌هم ریخته است که همه‌ی کشورها و جوامع، مسیر مشخص‌شده‌ی توسعه را طی نمی‌کنند. محور سوم، تغییر گرایش از فردگرایی به خودمحوری است. کانون فلسفه‌ی غرب، انسان بود که به ناآگاه پس از شیوع این ویروس، تغییر پیدا کرد. محور چهارم، این بود که پایان تاریخ را اعلام کرده بودند! اما دیگر امکان تولید آن ابرانسان وجود ندارد. غرب، از موفقیت‌های شرق در مواجهه با کرونا سخنی به میان نمی‌آورد. محور پنجم، به‌ساخته‌ی شرق اشاره دارد. وقتی از خلق‌و‌خوی شرقی‌ها و به‌ویژه ایرانیان صحبت می‌کردند، به خلیقات مذموم آنان اشاره می‌کردند ولی‌ای کاش! از رفتار مهربانانه و کمک‌های مؤمنانه‌ی آنان در مواجهه با کرونا، گزارش منتشر می‌کردند. در صورتی‌که وضع غرب در این دوران بدتر از قبل شده بود. محور ششم، این‌که در اوج جهانی‌شدن، محلی‌شدن اتفاق افتاده است. حتی اتحادیه‌ی اروپا در شرایط کنونی برای خود کشورهای اروپایی عضو اتحادیه نیز، سودمند و مفید نبود. محور آخر، فکر برای بهزیستی انسان امروز هست و وضعیت بشر به جایی نمی‌رسد، مگر این‌که برای بهزیستی و سعادت او فکر و چاره‌ای اندیشیده شود. همه‌ی این موارد به‌واسطه‌ی شیوع ویروس کرونا به ما یادآوری شده است.





## دکتر نجفی: کرونا و چالش‌های نظم نوین لیبرال دموکراسی



دکتر موسی نجفی، عضو هیأت علمی و رئیس پژوهشکده‌ی سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی پژوهشگاه، عنوان سخنرانی خود را «کرونا و چالش در نظم نوین لیبرال دموکراسی در افق پایان تاریخ و طلیعه‌ی مجدد موعودگرایی» ارائه کرد و گفت: ویروس کرونا ضعف‌های ما را به‌رخ کشیده و نشان داده که شر مطلق نیست و شر نسبی است. ویروس کرونا هم با ما و هم با غرب نسبت خاص خودش را دارد، البته بحران غرب عمیق بوده و به بحران تمدنی مبدل شده است که کرونا هم این بحران را آشکارتر کرده است.

نجفی تأکید کرد: با بروز دوباره چهره‌ی «هابزی» غرب یعنی این‌که انسان گرگ انسان است؛ به‌خوبی می‌توان نوعی اقتدار مدنی را در محدودیت‌های آزادی شاهد بود و این نقد و شکست «نظریه‌ی پایان تاریخ» است. «جان لاک» روی چهره‌ی انسان غربی هابزی یک لایه آزادی کشیده بود که حالا با شیوع ویروس کرونا، انسان غربی از پشت نقاب آزادی لاک، خارج شده و چهره‌ی هابزی خود را نشان داده است. این جاست که پایان ایده‌ی لیبرال دموکراسی نمایان شده است. صیانت ذات و صیانت جان، خط قرمز غرب بوده و در شرایط کنونی از آزادی هم مهم‌تر شده است. صحنه‌های خشنی که از وضعیت کشورهای غربی نشان داده می‌شود، چهره‌ی انسان مورد تعریف هابزی را به نمایش گذاشته است. در ایران نیز مشکلات و مسائلی داریم، ولی شبکه‌های معاند و بیگانه از آن‌ها بحران می‌سازند. این‌که انسان توهم خداپنداری داشته در آینده‌ی کرونا شکست خورده و بشر متوجه می‌شود که واقعیت او در هستی عبودیت است. نظم نوین غرب فروپاشیده شده و اشتباه انسان‌محوری بودن غرب به اثبات رسیده است. پس، انسان در پناه حضرت حق و با بندگی خدا، به جایگاه خودش باید برگردد.

## دکتر پارسانیا: کرونا؛ مجال ظهور عرصه‌های جدید از حیات دین‌داری







سخنران آخر نوبت صبح این همایش؛ حجه الاسلام والمسلمین دکتر حمید پارسانیا، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، بود که به پیامدهای مختلف کرونا در نظام سیاسی لیبرال دموکراسی اشاره کرد و گفت: هنگامی که کرونا فراگیر شد، با دو تجربه روبه‌رو بودیم؛ یکی از این‌ها آن است که غرب مطرح می‌کند و یکی آن‌چه در چین وجود دارد و گفتند این دو تجربه ممکن است پیامدهای سیاسی نیز داشته باشد. لذا مدل غربی و چینی را دیدیم و نحوه‌ی مواجهه‌ی دو نظام سیاسی را مشاهده کردیم. یکی لیبرال دموکراسی غربی است که در کانون آن آمریکاست و دیگری نیز برای چین است که میراث بخشی از نظام شرق است که با یک مدیریت سامان‌یافته، با این بیماری برخورد کرد.

به نظر می‌رسد که تجربه‌ی ایران به‌عنوان یک مدل سوم، قابل تأمل است و بنده این تجربه را در چند محور می‌توانم تقسیم کنم و می‌خواهم از موضع مواجهه با دین و دین‌داری مسئله را طرح کنم؛ انقلاب اسلامی، نماینده‌ی حیات فرهنگی جهان اسلام مطرح شده و این پدیده با انقلاب اسلامی ایران و با دین و دین‌داری ما مربوط است. اما در روزهای ابتدایی شیوع کرونا، برخی از دوستان مقالاتی را نوشتند و احساس خطر می‌کردند از این که کرونا به گونه‌ای دین‌داری و مناسک دینی را که هویت اجتماعی دارد، در معرض آسیب قرار دهد، چون این مناسک را نمی‌توان برگزار کرد و به‌این ترتیب هویت اجتماعی آسیب می‌بیند.

پارسانیا ادامه داد: نشستی در حوزه‌ی علمیه برگزار شد و نسبت به این مسئله احساس خطر کردند و مقاله هم نوشتند و خیلی‌ها حساس شدند که چه اثری می‌گذارد. این نظریه داده شد، اما تجربه‌ی یک‌سال گذشته نشان داد که برخلاف این که مساجد و مناسک اجتماعی در حیطه‌ی سنتی با چالش مواجه شدند، اما مناسک اجتماعی جدیدی به‌وجود آمد و کرونا عرصه‌ی جدیدی از حیات دین‌داری را بروز داد. چنان‌که چند دهه پس از جبهه نیز از برکات نهادهای آن زمان بهره بردیم، کرونا نیز توانست عرصه‌های جدید و نوعی مناسبات اجتماعی جدید مانند حوادث اجتماعی دیگری نظیر سیل و ... به‌وجود آورد که فرصت جدیدی بود و حرکت‌های اجتماعی با هویت دینی را به‌وجود آورد. ما در این یک‌سال، چند مقطع داشتیم؛ تجربه‌ی اول، همین تجربه‌ای است که شور مردم و فعالیت مردم را در حالتی که یک بهت‌زدگی اجتماعی گرفته بود، به حرکت‌هایی سوق داد، هرچند که نسبت به مناسک احساس خطر می‌شد. از طرفی هم نتوانستیم اقبال مردم که می‌توانست در چارچوب مناسک دینی معنادار شود را هدایت کنیم. مراکز محله‌ای که کانون فرماندهی کرونا باشند، می‌توانست از شور مردم استفاده کند، اما ستادی که برای این مسئله شکل گرفت، برنامه‌ای برای این بخش نداشت تا این که به محرم رسیدیم. پیش‌بینی می‌شد آسیب‌ها جدی شود و در تحقیقی که انجام شد، هیئات سه دسته شدند؛ بخشی از آن‌ها که جنبه‌های نوآرندیشانه داشتند، در مواجهه با کرونا، تعطیل شدند و در تعدادی از شهرها این اتفاق افتاد و برخی گفتند که تعطیل می‌کنند و هزینه‌ی این مناسک را به خدمات بهداشتی اختصاص می‌دهند.

بخش دیگری از این‌ها در یک فضای سنتی، نوعاً با دستورالعمل‌ها مخالفت کردند و اهل رعایت نبودند و می‌گفتند که کرونا داخل مجالس عزاداری نمی‌شود! اما بخش دیگری که بخش اعظم جامعه بود، کسانی بودند که با نوعی رعایت به‌سوی نوآوری‌هایی رفتند و شکل‌های جالبی را ایجاد کردند. اگر تا قبل از آن مردم به سراغ خطیب می‌رفتند، این معادله جابه‌جا شد و فضاهای آزاد شکل گرفت و شکل‌های جدیدی به‌وجود آمد و هیأت‌هایی که با ابداع وارد شدند، مورد استقبال قرار گرفتند و در حاشیه این هیئات، خدمات عمومی و اجتماعی از این سنخ نیز فعال شدند. خدماتی که از ناحیه‌ی این هیئات جمع می‌شد نیز به مراتب بیشتر از آن کمک‌هایی بود که در هیأت‌های نوع اول انجام می‌شد.

پارسانیا در خاتمه‌ی سخنانش تصریح کرد: در مقطع سوم که پس از عاشورا بود، این حرکتی که خلاقیت مردم و مذهب را داشت، به خدمت گرفته نشد و مدیریت نداشت که در اتفاق‌های اجتماعی سامان‌دهی شود و در این مقطع، شاهد پیک بزرگی هستیم که پیش آمد و این مسئله موجب بازگشتی به‌سوی وارد کردن فرهنگ دینی رفتند و طرح شهید سلیمانی را به‌وجود آوردند و مشارکت، مجدداً سامان پیدا کرد. این چند مقطع و مدل و سطوح همکاری است که بین فرهنگ دینی و سامان‌دهی‌ها به این مسئله شکل گرفت. علاوه بر این، حضور بسیج نیز مجدداً شکل گرفت و ارتباط بسیج با مساجد را برای مقابله با کرونا فعال کرد و فعالیتی که بسیج داشت، حتی در محرم نیز مؤثر بود. این‌ها سرویس دادن به هیئات را در فعالیت‌های خود قرار دادند.

\*\*\*

در مجموع این همایش در ادامه با برگزاری نشست‌ها و پنل‌های مختلف علمی با موضوع ذیل به کار خود خاتمه داد: پنل فلسفه و عقلانیت در بحران کرونا، پنل بحران کرونا و تأثیر آن بر سیاست و اجتماع، پنل رسانه در مواجهه با کرونا در عرصه‌ی داخلی و بین‌الملل.

## معناشناسی نحوی خطبه‌ی شقشقیه در نهج‌البلاغه

سخنرانی «معناشناسی نحوی خطبه‌ی شقشقیه در نهج‌البلاغه» چهارم اسفندماه ۱۳۹۹، با سخنرانی دکتر یدالله رفیعی به صورت مجازی برگزار شد.

دکتر رفیعی در ابتدای سخنانش پیرامون گردآوری کتاب نهج‌البلاغه گفت: سید رضی در قرن چهارم برخی از سخنان امام علی (ع) را گردآوری کرد و نام آن را نهج‌البلاغه گذاشت و این کتاب را در سه بخش خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها تنظیم کرد. او در مقدمه‌ی کتاب می‌نویسد: آن را نهج‌البلاغه نام نهادم زیرا این اثر درهای بلاغت را به روی خواننده می‌گشاید.



وی ادامه داد: سید رضی برادر سید مرتضی و هر دو بزرگوار از شاگردان شیخ مفیدند. مشهور است که شیخ مفید در عالم رویا مشاهده کرد که حضرت فاطمه زهرا (س) دست امام حسن و امام حسین (ع) را گرفته و پیش او آورده است و می‌فرماید به این دو فرزند فقه بیاموز. شیخ مفید پس از بیداری به حیرت و تفکر فرو می‌رود، تا آن‌که صبح همان شب، فاطمه مادر سید مرتضی و سید رضی، دو پسر خود را که در آن موقع خردسال بودند پیش شیخ آورد و گفت: ای شیخ این دو، پسران من هستند، این‌ها را پیش تو آورده‌ام که به آنان فقه تعلیم دهی. در این هنگام شیخ مفید تحت تأثیر قرار گرفت و خواب را به آن بانوی جلیل‌القدر بازگو کرد و به تعلیم و تربیت آن دو برادر والاگهر پرداخت تا به آن مقام عالی علم و اجتهاد نائل آمدند که هر دو از ذخیره‌های ارزشمند اسلام و از نوادر و نوابغ روزگار شدند.

رفیعی تأکید کرد: کتاب نهج‌البلاغه علاوه بر این که یک کتاب مرجع دینی و اعتقادی است، اثری است که در حوزه‌های مختلف علوم انسانی از جمله ادبیات و جامعه‌شناسی قابلیت پژوهش، بررسی و تعمق دارد. نهج‌البلاغه جدای از دینی و معنوی بودنش یک کتاب ادبی و اثری جامع و حیرت‌انگیز در حوزه‌ی علوم انسانی است که متأسفانه در عصر حاضر مورد غفلت قرار گرفته است. خطبه‌ی شقشقیه سومین خطبه‌ی نهج‌البلاغه است که در آن تاریخ مختصری از حوادث زمان رحلت پیامبر اکرم (ص) تا زمان درخواست مردم از آن حضرت برای پذیرش خلافت و در حقیقت بیعت مردم با امام (ع) بیان شده است و در پایان خطبه اشاره‌ای به ناکتین، مارقین و قاسطین دارد. امام علی (ع) در آن بی‌پرده و صریح از نکوهش خلفای سه‌گانه سخن گفته است.

دو نام برای این خطبه ذکر شده است: ۱- مقمصیه ۲- شقشقیه. آن را مقمصیه نام نهاده‌اند زیرا امام (ع) در آن خلافت را به قمیص (پیراهن) تشبیه کرده است و علت شهرت آن به شقشقیه به سبب فراز پایانی آن است. زیرا امام (ع) در حال ایراد خطبه بود که مردی از حاضران از وی سؤالاتی را پرسید و امام (ع) پس از پاسخ آن مرد خطبه را ادامه نداد «ابن عباس» از وی خواست که خطبه را ادامه دهد و امیرالمومنین (ع) در پاسخ به «ابن عباس» فرمود: «تلک شقشقیة هدرت ثم قرت» (ای پسر عباس این آتش درونی بود که زبانه کشید و سپس فروکش کرد) بر این اساس خطبه‌ی شقشقیه به تعبیر خود امام علی (ع) زبانه کشیدن آتش درون دل است. رفیعی شرح داد: معناشناسی نحوی شاخه‌ای از معناشناسی است که به بررسی معنای کلمات با توجه به نقش آن‌ها در جمله می‌پردازد زیرا هر واژه‌ای در جملات عربی با توجه به اعراب و ترکیب آن معنی خاص دارد.



گروهی بر این عقیده‌اند که بسیاری از ترجمه‌های نهج‌البلاغه تاکنون نتوانسته است معانی کلام امام علی (ع) را به مخاطبان منتقل کند زیرا مترجمان در ترجمه‌ی نهج‌البلاغه به ساختار صرفی، نحوی و بلاغی کلام امام توجه نکرده‌اند به عبارت دیگر عدم توجه مترجمان به ساختار و بافت نحوی و بلاغی نهج‌البلاغه یکی از مشکلات شایع در ترجمه‌ها است که در اغلب ترجمه‌ها به چشم می‌خورد.

دکتر رفیعی در بررسی معنانشناسانه ساختاری خطبه شقشقیه با اشاره به خطبه‌ی «أَمَّا وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا فُلَانٌ وَ إِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلَّ الْقَطْبِ مِنَ الرَّحَى يَنْحَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ وَلَا يَرْقَى إِلَيَّ الطَّيْرُ» تصریح کرد: این خطبه با چهار تأکید آغاز می‌شود «أَمَّا» حرف تنبیه، «وَاللَّهِ» قسم، «لَ» حرف تأکید که در جواب قسم آمده و «قَدْ» حرف تحقیق که برای تأکید پیش از فعل ماضی واقع شده است. و این بیان‌کننده‌ی آن است که امام (ع) قطعاً می‌خواهند مطلب مهمی را بیان بفرمایند ولی مترجمان این عبارت را این‌گونه ترجمه کرده‌اند: (هان! به خدا سوگند که آن مرد لباس خلافت بر تن کرد) گویا امام (ع) خبری را با این تأکیدها به مردم می‌رساند و حال آن که آن‌ها خود می‌دانند، پرسش این‌جاست که چرا امام (ع) این خبر را با تأکید آغاز می‌کند؟ دقت در ساختار واژگان پسین پاسخ ما را می‌دهد، امام (ع) با استفاده از واژه‌ی «تَقَمَّصَهَا» پیراهن را به خلافت تشبیه کرده، زیرا تمصص از واژه‌ی قمیص گرفته شده است به معنی زیر پیراهن که وجه شبه آن تلازم و پیوستگی است و از سویی دیگر خلافت به لباس تشبیه شده است زیرا، وقتی انسان لباسی را می‌پوشد، لباس را به‌عنوان ابزاری به خدمت می‌گیرد تا از آن در جهات مختلفی، چون پوشش، زیبایی، حفظ بدن در برابر گرما و سرما و... بهره‌برد بر این اساس می‌توان این معنا را از کلام امام (ع) دریافت که آن فرد، خلافت را برای بهره‌برداری شخصی به عهده گرفته است و همانند لباس آن را به خدمت گرفته است. در ادامه امام (ع) می‌فرمایند: «او در حالی خلافت را مانند لباس بر تن کرد که قطعاً می‌دانست جایگاه من در خلافت مانند محور سنگ آسیاب است که سنگ آسیاب بدون آن محور از حرکت باز می‌ایستد. سیل علم و معرفت از کوهسار وجود من فرو می‌ریزد و مرغ اندیشه را یارای پرواز به بلندای من نیست.

امام (ع) در این بخش از کلام خود خلافت را برای خودشان نه به لباس که آن را به محور سنگ آسیب تشبیه می‌کند چون آن‌چه از نظر وی اهمیت دارد چرخش امور خلافت است نه بهره‌برداری شخص خلیفه از خلافت. رفیعی در خاتمه‌ی سخنانش افزود: با تأمل در آن‌چه گفته شد، می‌توان دریافت که بررسی معنانشناسانه‌ی کلام امام (ع) بسیاری از معانی بلندی را کشف می‌کند که در بسیاری از ترجمه‌ها و شرح‌ها به سبب عدم توجه مترجمان و شارحان به ساختار نحوی و بلاغی نهج‌البلاغه از آن بی‌نصیب مانده‌اند.

**معنانشناسی نحوی خطبه شقشقیه در نهج البلاغه**

سخنران:

**دکتر یدالله رفیعی**

دبیر علمی نشست: **دکتر رمضان رضایی**

زمان: **دوشنبه ۴ اسفندماه ۱۳۹۹ ساعت: ۱۱ تا ۱۳**



## هفتمین هم‌اندیشی جایگاه مطالعات قرآنی در اعتلای علوم انسانی «باززایی الهیات در عصر پسا کرونا»

پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با عنایت خداوند در تاریخ چهارشنبه ۶ اسفند ۹۹، هفتمین هم‌اندیشی جایگاه مطالعات قرآنی در اعتلای علوم انسانی با عنوان «باززایی الهیات در عصر پسا کرونا» را برگزار کرد. این هم‌اندیشی با حضور استادان رشته‌های مختلف علوم انسانی از دانشگاه‌های مختلف و در پنج محور به صورت مجازی و برخط برگزار شد.



در آغاز مراسم دکتر فروغ پارسا؛ دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و رئیس پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی و دبیر علمی هم‌اندیشی، ضمن خوش آمدگی به مخاطبان یادآوری کرد که پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی از سال ۱۳۹۳ تاکنون جهت مطالعه‌ی چگونگی فرایند تحول و اعتلای علوم انسانی در سه محور مبانی معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و اصطلاح‌شناسی، به صورت سالیانه این برنامه را برگزار کرده است. وی اشاره کرد: پاندمی کرونا تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قابل توجهی بر حیات انسان‌ها در سراسر دنیا داشته و به‌طور خاص رویکردهای دین‌داری مردم را تحت الشعاع قرار داده است. لذا این پدیده انگیزه‌ای برای برگزاری هم‌اندیشی «باززایی الهیات در عصر پسا کرونا» شد و پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی تلاش کرد ایده‌های جدید در مباحث مربوط به انتظار بشر از دین و کارکرد آموزه‌های دینی در مواجهه با کرونا، ظرفیت‌های فلسفه و عرفان در پیدایی الهیات جدید، تأثیر کرونا در مناسک دینی و تحلیل‌ها و خوانش‌های نوین از متون مقدس در این زمینه را در این هم‌اندیشی با مخاطبان به اشتراک بگذارد.

اولین پنل با موضوع الهیات و عنوان «تأثیر کرونا در نوزایی الهیات از منظر اهمیت شرور» با سخنرانی دکتر سعیده میرصدری؛ پژوهشگر و دکتری دانشگاه پادربورن آغاز شد. عنوان سخنرانی وی «از زلزله لیسبون تا پاندمی جهانگیر؛ تأثیر شرور طبیعی بر جهش‌های الهیاتی» بود. دکتر میرصدری در ابتدای سخنان خود گفت: مسئله‌ی شرّ همواره مسئله‌ای حاشیه‌ای در مباحث جدی فلسفی و الهیاتی تاریخ اندیشه بوده است اما در دهه‌های اخیر در غرب به صورت گفتمانی جدی مطرح شده و به یکی از مباحث اصلی فلسفه‌ی دین و پرسش‌های مهم پیش‌روی خداپاوری و الهیات تبدیل شده است.

وی ادامه داد: در سال ۱۷۵۵ میلادی زلزله‌ی مهیبی در لیسبون پرتغال اتفاق می‌افتد که در پی آن شهر به ویرانه‌ای تبدیل شده و هزاران انسان بی‌گناه کشته می‌شوند. در مواجهه با این شرّ مهیب طبیعی، گفتمان شرّی شکل می‌گیرد که پاسخ‌های الهیاتی و فلسفی سنتی به شرّ را مورد حمله قرار می‌دهد. در فضای فکری ایران هم - همچون کل جهان اسلام - مسئله‌ی شرّ هیچ‌گاه به صورت جدی مطرح نبوده است، اما در پی بروز پاندمی جهانی اخیر شاهد شکل‌گیری گفتمان شرّی بودیم که هرچند نه در فضای رسمی دانشگاهی، اما در فضای فکری مجازی به صورت پررنگ مطرح شده است.

وی با اشاره به نمونه‌هایی از این گفت‌وگوها گفت: در مسئله‌ی شر در سنت ایرانی-اسلامی پرسش‌هایی مطرح

است لیکن پاسخ‌های سنتی نیازمند بازنگری جدی هستند و روشنفکران دینی تاکنون در بازخوانی سنت دینی ناموفق بوده‌اند. به‌نظر می‌رسد معضل اصلی در مسئله‌ی شر، رکود در تولید فکر است. متفکران سنتی در این چالش همان پاسخ‌های سنتی را مطرح می‌کنند و روشنفکران دینی گویی از روی دست متفکرین غربی رونویسی می‌کنند و بدون توجه به پیش‌فرض‌های مسیحیان، پاسخ‌هایی که در سنت یهودی و مسیحی مطرح شده را ارائه می‌دهند لذا با توجه به غنای زیاد سنت اسلامی در این زمینه می‌توان از ظرفیت‌های این سنت استفاده کرد و به سؤالات پاسخ داد.

دومین سخنران این پنل دکتر نعیمه پورمحمدی، استادیار فلسفه دین در دانشگاه ادیان و مذاهب بود. وی سخنان خود را با عنوان «آیا می‌توان از الهیات بیماری و الهیات بیماری‌نگر سخن گفت؟» ارائه داد. پورمحمدی در آغاز سخنانش گفت: «مطالعات جدید بیماری» شاخه‌ای از «مطالعات جدید بدن» است که با درگیری یک‌ساله‌ی جهان با بیماری کرونا بر اهمیت این مطالعات افزوده شده است. مطالعات بیماری ارتباطی دوسویه با علوم گوناگون دارد. از یک‌سو دیدگاه هر یک از علوم درباره بیماری را بیان و نقادی می‌کند و از سوی دیگر با چشم‌انداز بیماری نسخه‌های جدیدی از علوم مختلف عرضه می‌دارد. در پی ایجاد و گسترش علوم بیماری‌نگر، ضروری است الهی‌دانان در مرحله‌ی نخست درک الهیاتی خود را از بیماری در همه‌ی محورهای الهیاتی شامل خداشناسی، انسان‌شناسی و آخرت‌شناسی بازخوانی و نقادی کنند و در مرحله‌ی دوم خداشناسی بیماری‌نگر، انسان‌شناسی بیماری‌نگر و آخرت‌شناسی بیماری‌نگر ارائه کنند.

وی در ادامه به شرحی از الهیات بیماری و الهیات بیماری‌نگر پرداخت با طرح مثال‌هایی تصریح کرد: در الهیات سنتی ظرفیت‌هایی برای کمک به بیمار هست که در متون مسیحی تحت عنوان مراقبت‌های شبانی از آن‌ها یاد می‌شود و یازده نوع الهیات را پیشنهاد می‌کنند که از جمله آن‌ها می‌توان به پذیرش، در دسترس بودن، پاسخ‌گویی، مراقبت، حساسیت، اطاعت، شهادت دادن، خدمت‌گذاری، عشق و رودررویی اشاره کرد که گفته می‌شود از زندگی عیسی (ع) برداشت شده است.

دکتر پورمحمدی هم‌چنین درباره‌ی الهیات بیماری‌نگر گفت: این الهیات می‌خواهد با چشم‌انداز بیمار، الهیاتی را بازسازی کند که نظام ارزشی دوگانه‌ی کمال و نقص یا سلامت و ناخوشی را ندارد، بلکه ارزش‌گذاری‌های دیگری را مطرح می‌کند. در سنت مسیحی روی این الهیات بیماری‌نگر کار شده و حتی حضرت مسیح (ع) را بیمار تصویر کرده‌اند تا به بیمار بگویند تو نیز می‌توانی الگویی داشته باشی تا با آن هم‌ذات‌پنداری کنی. بنابراین می‌توان در منابع اسلامی نیز یک الهیات بیماری‌نگر اسلامی پیشنهاد داد و روی آن بحث کرد.

پنل بعد با موضوع تفسیر و عنوان «خوانش‌های نو از متون مقدس پس از کرونا» با سخنرانی دکتر جعفر نکونام، استاد دانشگاه قم با عنوان «تأثیر پاندمی بر خوانش‌های اسطوره‌ای از متن مقدس» آغاز شد. وی در ابتدا گفت: در گفتمان کتاب مقدس و قرآن سخن از این است که هرگاه یک عذاب و مصیبت فراگیر طبیعی بر اقوامی وارد می‌آید، به سبب گناهی است که آن اقوام مرتکب شده‌اند. چنین گفتمانی در میان قدما تلقی به قبول شده بود؛ اما در میان متأخران تشکیکاتی را پدید آورده و سبب این تشکیکات چالش‌هایی است که برای آنان فراهم





ساخته است.

نکونام به شرح حدیث «لا عدوی»، در گذر تاریخ پرداخت. «عدوی» به معنای سرایت بیماری است. در این حدیث، واگیرداری بیماری نفی شده است. در این مجموعه احادیث که معنای «لا عدوی» در همه وجود دارد، این مضمون مندرج است که بیماری طبق خواست خدا است، لذا اگر حتی کسی به بیماری واگیرداری مبتلا باشد، دیگران در معاشرت با او مبتلا نخواهند شد. زیرا تقدیر خداوند در این زمینه مهم است و عوامل طبیعی تأثیرگذار نیستند. در ادامه این حدیث توسط وی به روش پدیدارشناسانه شرح و بررسی شد.

سخنران بعدی پندل دکتر سیدمحمدعلی ایازی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات بود. عنوان سخنرانی وی «ضرورت بازاندیشی در مبانی دین‌داری در عصر پسا کرونا» بود. دکتر ایازی سخنان خود را این چنین آغاز کرد: کرونا کارهای تعلیمی و تربیتی را به صورت ظاهر به تعطیلی کشانده و به فعالیت‌های دینی لطمه زده است. اگر زمان این تعطیلی‌ها طولانی شود و جایگزین‌های مناسب و جبران‌کننده‌های خاصی برای آن تدارک دیده نشود، طبعاً اثرات سوئی باقی خواهد گذاشت که به تدریج نمایان خواهد شد. یکی از این اثرات در شیوه‌ی زندگی و تعامل مردم با یکدیگر است. جامعه تعامل و رواداری و گفت‌وگو و ارتباط را می‌پذیرد. اما فرهنگ عمومی جامعه‌ی دینی به سمت هویت‌سازی‌هایی می‌رود که در جهت طرد و نفی دیگران و ترویج کینه و خشونت و مقابله است. بیش از آن که معارف قرآن این امور را تأیید کند، تفسیر خاصی از دین و معارف قرآنی است که فضای تکفیر و ناسازگاری را دامن می‌زند.

وی سپس با طرح سؤالاتی گفت: اول، آیا می‌توان منظومه‌ای از آیات را نشان داد که با تکیه بر هویت دینی رواداری دینی، زمینه‌ی بازاندیشی در مبانی دین‌داری را نشان دهد. دوم، روش این بازاندیشی چیست و چه شواهدی بر درستی این الگو و منظومه هست؟ سوم، چه آثار و نتایجی برجای خواهد گذاشت؟

دکتر ایازی در ادامه‌ی بحث به شرح پاسخ‌هایی برای این سؤالات پرداخت و گفت: اگر برای حل این چالش فکری نشود، به سمت شکاف و خشونت پیش خواهد رفت و از طرفی زمینه‌ی دین‌گریزی را تشدید خواهد کرد. قرآن فضای گفت‌وگو را ترویج می‌کند، بخشی از بدبینی و تندی کاسته، و زمینه‌ی همکاری و فهم نظر مقابل فراهم می‌شود. لذا نخستین چیزی که باید به آن توجه کنیم این جهت است که یک تفسیر عقلانی از مسئله‌ی دین داشته باشیم و یکی از آن جهات آن به رسمیت شناختن دیگران است و باید دانست که این برنامه‌ی خداست که عالم به این صورت باشد. مسئله‌ی دیگر این است که در زمینه‌ی وضعیت نواندیشی در دوره‌ی کرونا، شاهد سخنان سخیف جاهلانه و ناشیانه‌ی گروهی بودیم. امروز به برکت شبکه‌های اجتماعی اگر کسی حرف نادر و عجیبی بزند، به سرعت منتشر می‌شود، لذا باید از این سخنان سخیف پرهیز کرد.

هم‌اندیشی پس از استراحت کوتاهی در نوبت بعدازظهر نیز ادامه یافت و با پندل فلسفه و عرفان با عنوان «ظرفیت‌های فلسفه و عرفان اسلامی در تحولات الهیاتی پسا کرونا» آغاز شد و دکتر مهدی اصفهانی (استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) نخستین سخنران پندل بعدازظهر، سخنان خود را با عنوان «درک از خویش‌تن و بازایش الهیات» آغاز کرد. وی در ابتدا بر معنای بازایش متمرکز شد و تأملی کوتاه بر وضعیتی تاریخی که رنسانس نامیده شده، داشت. سپس به ریشه‌شناسی لغت پرداخته و مفهوم زایش و باززایی را بررسی کرد. دکتر اصفهانی سپس از شرایط امکان باززایی الهیات پرسش‌هایی مطرح کرد و گفت: از آن جا که خدا نه می‌زاید نه زاده می‌شود، باززایی به انسان باز می‌گردد.

باززایی الهیات در ع...

دکتر اصفهانی

پندل فلسفه و عرفان - ۱۳۹۳-۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰	
ظرفیت‌های فلسفه و عرفان اسلامی در تحولات الهیاتی پسا کرونا	
۱۳۹۳-۱۳۹۴	دکتر مهدی اصفهانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
درک از خویش‌تن و بازایش الهیات	
۱۳۹۴-۱۳۹۵	دکتر مهدی اصفهانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
الهیات اجابت: از الهیات سکوت تا الهیات تقاضا و تعلق	
۱۳۹۴-۱۳۹۵	دکتر احمد پاکتچی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تجربه‌های وجودی دوره کرونا و اثر آن در دیده‌اری جمعی پسا کرونا	
استراحت	
پندل جامعه‌شناسی - ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲	
نوآوری الهیاتی پسا کرونا از منظر جامعه‌شناسی	
۱۴۰۱-۱۴۰۲	دکتر مهرداد صادقیان دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
نوازه الهیات‌های جدید در جهان پسا کرونا	
۱۴۰۲-۱۴۰۳	دکتر عبدالحمید سلیمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
چالش کرونا و گفت‌وگو پیرامون الهیاتی در گستره جهانی	
استراحت	
پندل ماسک - ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۴	
تأثیر کرونا بر ماسک دینی	
۱۴۰۳-۱۴۰۴	دکتر فریوخ پارسا پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماسک‌گرایی دینی در دوران پسا کرونا	
۱۴۰۴-۱۴۰۵	دکتر سیدمحمدهادی گرامی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تأثیر دوگانه کرونا بر ماسک دینی	
جمع‌بندی و اختتامیه	



اصفهان‌ی تصریح کرد: در گام بعد پرسش از معنای باززایش الهیات با توجه به تغییر در انسان مطرح می‌شود و تأکید کرد که تغییر درک از خویش می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. در ادامه صحبت‌های ایشان، تغییر درک انسان از خویش - به‌طور خاص در دوران بیماری‌های فراگیر - مورد اشاره قرار گرفت و سپس به کرونا به‌عنوان پاندمی قرن ۲۱ اشاره شد که در آن انسان قرن ۲۱، گام تازه‌ای در درون خود می‌گذارد. وی به‌طور خاص به تحول مفهوم فرد و جمع پس از پایان کرونا توجه کرد و آن را مورد بررسی قرار داد و در پایان بر مبنای این تحول به بنیادهای الهیات تازه‌ای که از این نگاه تازه به انسان، به دست می‌آید اشاره کرد.

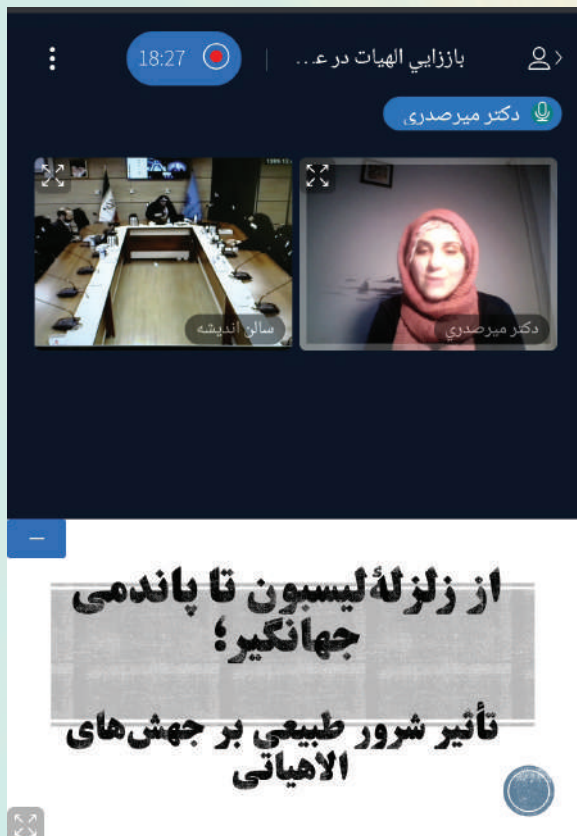
سخنران بعدی پندل دکتر هادی وکیلی، دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با سخنرانی «الهیات اجابت؛ از الهیات سکوت تا الهیات انقلابی و خلاق» بود. وی سخنان خود را این‌چنین آغاز کرد: در چند آیه از قرآن کریم، خداوند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، بندگان خود را به دعا کردن فراخوانده و خود را به اجابت ملزم دانسته است. در برخی آیات حتی دعا به منزله‌ی عامل اصلی اعتنای خداوند به بندگان معرفی شده است. روایات بسیاری نیز، به‌شدت بر دعا تأکید کرده‌اند و هم به ذکر انواع، آداب، شرایط و موانع آن پرداخته‌اند. لذا در مجموع می‌توان با فروکاهش دعا به ارتباط، دعا را ارتباط بنده با خدا، و اجابت را ارتباط خدا با بنده دانست. وکیلی در ادامه گفت: ادعیه‌ی اسلامی عمدتاً در سه قالب وارد شده‌اند: ادعیه‌ی نیایش، ادعیه‌ی درمان و ادعیه‌ی حاجت و نیاز. وی با اشاره به قسم سوم ادعیه تصریح کرد: ابن عربی در فص شیشی از فصوص الحکم خود به بهانه‌ی بحث از انواع عطایا (داد و دهش‌های الهی) به بحث از انواع دعا و اجابت پرداخته است. او دعا را به دعای سؤالی و غیرسؤالی، و دعای سؤالی را به سه قسم سؤال استعجالی، سؤال احتیاطی و سؤال امثالی تقسیم می‌کند و دعای غیرسؤالی را ناشی از سبقت قضای الهی و علم اجمالی یا تفصیلی سائل به عین ثابت می‌داند. بر این اساس، خداوند در طیفی گسترده از اجابت قرار گرفته است که یک سر آن، اجابت استعجالی و سر دیگر آن اجابت ابطایی است. در هر حال اجابت‌های استعجالی الهی به لحاظ تجربی و به شرط کنترل متغیرهای مزاحم محیطی/علی/اعدادی، به شکل اقلی است که مستلزم واکنش انقلابی، تطابقی و خلاق از جانب اوست و در بیشتر مواقع به‌شکل سکوت مصلحت‌آمیز و اجابت ابطایی اخروی است.

دکتر وکیلی در پایان اشاره کرد: به‌نظر می‌رسد که الهیات اسلامی، با نادیده‌گرفتن متغیرهای محیطی، سهم خدا را در اجابت بیش از اندازه‌ی لازم برآورد می‌کند و پژوهش‌های تجربی می‌تواند برای تعیین سهم خدا در برآورد ساختن مستقیم حاجات و نیازها از کمینه‌بودن این سهم پرده بردارد.

سخنرانی آخر این پندل توسط دکتر احمد پاکتچی؛ دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و سفیر ایران در یونسکو با موضوع «تجربه‌های وجودی دوره‌ی کرونا و اثر آن در دین‌داری جمعی پساکرونا» ایراد شد. وی در ابتدای سخنان خود اشاره کرد: سنت‌های دینی به لحاظ ماهیت سنت بودن همواره گرایش به ماندگاری دارند و این ویژگی در دایره باورها و کنش‌های دینی مصداق دارد؛ اما واقعیت آن است که همواره نیروهای محرکی گاه از بیرون و گاه از درون سنت‌های دینی وجود دارند که آن‌ها را با چالش ماندگاری و با تلاطم مواجه می‌کنند و جریان‌های دینی را به سوی تحول و درافکندن طرحی نو سوق می‌دهند.

وی ادامه داد: از منظر درون‌دینی، مهم‌ترین این نیروهای محرکه، تجربه‌های وجودی است و این دست تجربه‌ها تنها زمانی می‌توانند از سطح فردی فراتر روند و به تحولی در دین‌داری جمعی بیانجامند که اصل آن تجربه‌ها نیز جمعی و مشترک باشد.

پاکتچی در ادامه به بررسی برخی تجربه‌های وجودی برآمده از شرایط همه‌گیری کرونا از چنین منظری پرداخت و گفت: تمدن غرب، در اثر کرونا



با رفورماسیونی جدید مواجه است. واکاوی‌هایی که در مورد عملکرد کلیسا در مورد کرونا وجود دارد را می‌توان زمینه‌ای برای پیش‌بینی یک رفورماسیون جدید در غرب قرار داد. در جوامعی مانند جمهوری‌های استقلال‌یافته از شوروی یا جوامعی که از سنت‌های دینی به‌عنوان میثاق هویت‌بخش جمعی استفاده کردند، این ویژگی استفاده سودانگاران از هویت‌های دینی ادامه دارد، اما تجربه‌های حاصل از کرونا باعث می‌شود، شکاف بین هویت اعلام‌شده اجتماعی و تجربه‌های زیسته دینی در لایه‌های زیرین جامعه بیشتر شود و بین‌رو ساخت و زیرساخت دینی جامعه شکاف به‌وجود می‌آید.

اما در جوامع اسلامی و کشوری مانند ایران، با وضعیت پیچیده‌ای روبه‌رو هستیم. در ایران به‌دلیل نقش مهم دین در لایه حاکمیتی، با شرایطی مشابه با شرایط جوامع نوع دوم مواجه هستیم و بعید است تجربه‌های دینی تأثیر مستقیمی بر روی نمود و بروز رسمی دین داشته باشند. این باعث می‌شود لایه‌های زیرین و روین دین‌ورزی، دچار شکاف شود، اما به‌دلیل این‌که برخی از جوامع اسلامی از جمله ایران روند اصلاح دینی را از ۱۵۰ سال قبل آغاز کرده‌اند، رخدادهایی مانند پدیده کرونا، می‌تواند این روند اصلاح دینی را در این جوامع شدت دهد و بر اهمیت آن بیفزاید. به‌همین دلیل است که ما در جوامع اسلامی پیشرو مانند ایران و برخی کشورها مانند ترکیه و مصر، با وضعیت پیچیده مَرکب مواجه هستیم.



پنل بعدی با موضوع جامعه‌شناسی و با عنوان «نوزایی الهیاتی پساکرونا از منظر جامعه‌شناسی» با سخنرانی دکتر مهرباب صادقی‌نیا، استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب آغاز شد. «نیاز به الهیات‌های جدید در جهان پساکرونا» عنوان سخنرانی وی بود.

دکتر صادقی‌نیا گفت: کیت کلمنت معتقد است که الهیات در روزگار مدرن به دسته‌ای پرنده می‌ماند که در جهات مختلفی در حال پرواز هستند. بنابراین وقتی از نیاز به الهیات در روزگار پس از کرونا سخن می‌گوییم، با این چالش روبه‌رو هستیم که دقیقاً از کدام الهیات سخن گفته می‌شود؟ با این حال، در بیشتر الهیات‌های جدید، یک امر به چشم می‌خورد: «حساسیت به امر واقع».

وی تصریح کرد: برخلاف روزگار سنت که الهیات متعهدانه می‌کوشید تا چالش‌های معطوف به خدای فرابود را حل کند، در روزگار مدرن الهی‌دان‌ها می‌کوشند تا چالش‌های انسان را حل کنند. جنگ‌ها، آشوب‌ها، تبعیض‌های گسترده، و بیماری‌های فراگیر سبب شده‌اند که الهیات قدری فروتن شده و پیوند عمیق‌تری با بافت اجتماعی‌اش پیدا کند. ویروس کرونا، به مثابه یک موقعیت مرزی، به الهی‌دان‌ها نشان داد که نیاز به الهیات در جهان جدید، نیاز دیگری است. انسان زخم‌خورده و رنجور از کوئید ۱۹، حالا نیاز دارد که بداند الهیات چگونه می‌تواند او را تسلی دهد.

دکتر صادقی‌نیا سپس با اشاره به ماهیت حساس الهیات گفت: این بیماری مناسبی را در جهان متوقف کرد و درسنت اسلامی نیز آیین‌های مختلفی مانند رمضان و ... تعطیل شدند. کرونا، الهیات را به خلق عبادات دیجیتالی و مناسب دیجیتالی‌کشاند و نشان داد الهیات برای این‌که الهیات باشد، نیازمند انعطاف بیشتری است.

سخنران بعدی پنل جامعه‌شناسی دکتر عبدالمجید مبلغی، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با عنوان سخنرانی «چالش کرونا و گفت‌وگوپذیری الهیاتی در گستره‌ی جهانی» بود.

دکتر مبلغی سخنان خود را این‌گونه آغاز کرد: فراگیری کووید ۱۹، چالشی مشترک را در جهان امروز شکل بخشیده است. اثرگذاری کرونا سبب شده است تا مفهوم «فراگیری» فراتر از یک اصطلاح آسیب‌شناسانه در گفتمان پزشکی، به وجوه مختلف زندگی بشر تسری یابد. به یک معنا کرونا، فراتر از هر بحران دیگری پس از جنگ جهانی دوم، در تمام سطوح زیست جمعی ما توسعه یافته است.

وی گفت: روان‌شناسان اجتماعی پیش از این از میل و نیاز اعضای یک جامعه‌ی آسیب‌دیده و سرگشته برای گفت‌وگو در شرایط بحران سخن گفته بودند. از جمله ویژگی‌های این گفت‌وگو توجه به قدرتی فراگیر است که رویکرد به آن از منظری روان‌شناختی نوعی ترمیم روحیه‌ی جمعی را سبب می‌شود. این قدرت، فراتر از





مقدورات و امکانات، راهی را (دست‌کم ذهنی و عاطفی) به سوی رفع بحران و حل مشکل می‌گشاید که می‌تواند نوعی ترمیم روحیه را در شرایط بحران سبب می‌شود.

دکتر مبلغی تصریح کرد: اهمیت این مسئله تا آنجا است که در شرایط شکل‌گیری بحران‌های فراگیر در سطوح مختلف شاهد پدیداری گروه‌های تازه‌ی اجتماعی هستیم که مخرج مشترک اعضای آن در معرض بحران بودن است. در این شرایط رویکرد به گفت‌وگوی معطوف به فراقدرت، منطقی الهیاتی یافته و در دل نظام آگاهی الهیاتی این جامعه مشترک (جامعه جهانی) بسط و توسعه پیدا نموده است. در واقع ما شاهد گسترش گفت‌وگوهای الهیاتی در عرصه‌ی بین‌الملل و حوزه‌ی جهانی هستیم. این گفت‌وگوی الهیاتی پدیدار شده در پی بحران کرونا می‌تواند، چونان ظرفیتی زبانشناختی در عرصه عمومی جهانی، توان حوزه‌ی مشترک جهانی را برای نقد معطوف به منافع مشترک بشری گسترش دهد.

پنل پایانی هم‌اندیشی با موضوع مناسک و عنوان «تأثیر کرونا بر مناسک دینی» با سخنرانی دکتر فروغ پارسا با عنوان «مناسک‌گرایی دینی در دوران پساکرونا» آغاز شد. دکتر پارسا در ابتدا به شرح کوتاهی درباره‌ی مناسک پرداخت و گفت: مناسک به معنای آیین‌های نیایش و آداب عبادی در همه‌ی ادیان و مذاهب وجود دارد. در واقع اگر دین را «مجموعه‌ای از باورها و عقاید و تکالیف و اعمالی که منشاء ماورایی دارند» تعریف کنیم، مناسک ناظر به تکالیف دینی و اعمالی است که انجام آن‌ها به‌گونه‌ای تجویز شده است.

وی ادامه داد: دین اسلام و آموزه‌های قرآنی نیز بر کارکرد اخلاقی و اجتماعی مناسک تأکید کرده و بزرگداشت مناسک را نشانه‌ی پرهیزکاری دانسته است. با این همه باید گفت، در سنت‌های شیعیان مسأله‌ی مناسک متفاوت است و در مقایسه با مذاهب دیگر نقش پررنگ‌تری دارد و به واسطه‌ی میراث امامان شیعه، به عرصه‌ی دعاها و زیارات و اوراد و نمازهای مستحبی مختلف گسترده شده است.

دکتر پارسا تصریح کرد: محدودیت‌های ناشی از پاندمی و همه‌گیری بیماری کرونا، بسیاری از مناسک و اعمال عبادی که جنبه‌ی اجتماعی داشتند را تحت تأثیر قرار داد. مساجد به مثابه‌ی محل برگزاری نماز جماعت، و نیز مهم‌ترین مناسک عمل عبادی جمعی مسلمانان یعنی حج در این دوران تحت شعاع کرونا قرار گرفتند و تعطیل شدند. اما مناسک‌گرایی شیعی، تعطیلی آستان‌های مقدس امامان و مقابر امام زادگان شیعی را جایز نمی‌داند و بر دارالشفا بودن این مکان‌های مقدس تأکید دارد. لذا می‌توان گفت، مناسک‌گرایی دینی در مواجهه با پاندمی کرونا چالش‌های عمده‌ای با رویکردهای کلامی و فقهی به دین داشته است و این همه، مطالعه‌ی عمیق و پژوهش روشمند در خاستگاه‌های این گرایش را ضروری ساخته است.

سخنرانی پایانی هم‌اندیشی با عنوان «تأثیر دوگانه‌ی کرونا بر مناسک دینی» توسط دکتر سید محمدهادی گرامی استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ارائه شد. وی با اشاره به ظهور بیماری کرونا و چالش‌های زیادی که در پی داشته است گفت: حوزه‌ی الهیات و شئون دینی نیز از این پیامدها بی‌نصیب نمانده و یکی از مهم‌ترین حوزه‌های دینی که از پیامدهای این همه‌گیری متأثر شده، مناسک دینی در میان جمعیت‌های مختلف مذهبی بوده است.

دکتر گرامی ادامه داد: به‌نظر می‌رسد کرونا دو تأثیر کاملاً متمایز بر مناسک دینی گذاشته است. مناسکی دینی که در ارتباط مستقیم با این بیماری قرار داشتند (مانند دعا، نذورات، تعویذات، درمان‌ها و ...) فریه‌تر شده‌اند. اما سایر مناسک دینی که ضرورتاً ارتباطی به کرونا نداشتند (مانند عبادات، زیارات و ...) نحیف‌تر گشته‌اند. فریه‌ی مناسک مرتبط با کرونا دور از انتظار نبود، اما نحیف شدن مناسک و آئین‌های بدنی و نمادین جالب توجه است که احتمالاً باید دلیل آن را تأثیر سلبی تشکیل نشدن اجتماعات مذهبی بر تقلیل مناسک به برنامه‌های مجازی و تلویزیونی دانست. واقعیتی که برای نمونه در عزاداری‌ها، مناسک تدفین و ... به‌خوبی نمود یافت.

وی تصریح کرد: با این حال، در این دوره مناسکی که در ارتباط مستقیم با این بیماری قرار می‌گرفت، فریه‌تر شد. در کنار طب مدرن، رهیافت‌های مختلفی برای درمان این بیماری براساس طب‌های مکمل (سنتی، اسلامی و ...) مطرح شد. مثلاً استفاده درمانی از تربت امام حسین (ع) با الگوهایی که پیش از ظهور کرونا در عملکرد شیعیان مسبق به‌سابقه نبود، در دوره‌ی پساکرونا شکل گرفت.



## دیدار اعضای هیأت علمی ورودی ۹۸ و ۹۹ با هیأت رئیسه‌ی پژوهشگاه

به همت دفتر امور هیأت علمی ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۹۹، جلسه‌ی دیدار اعضای هیأت علمی ورودی سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ با هیأت رئیسه‌ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. این جلسه به دلیل شرایط کرونایی و رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی به صورت مجازی برگزار شد و در ابتدای جلسه دکتر حمید سجادی سرپرست دفتر امور هیأت علمی با عرض خیرمقدم به اعضای هیأت علمی و تشکر از هیأت رئیسه بابت حضور و همراهیشان، توضیح داد که جلسه‌ی این ماه به اعضای هیأت علمی ورودی دو سال اخیر اختصاص دارد و این که امید به برگزاری جلسه حضوری و نهایتاً میسر نشدن این امر بنابه شرایط کرونایی که کماکان تداوم دارد، علت تأخیر در برگزاری این جلسه بوده است. با این وصف وی از آشنایی با بسیاری از اعضای هیأت علمی جدید سخن گفت و جذب چنین استادان برجسته‌ای را از افتخارات پژوهشگاه برشمرد.

در ادامه دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه، اعضای جدید هیأت علمی پژوهشگاه را، آرامش خاطر خود برای حفظ اصالت روحیه‌ی علمی و سرزندگی پژوهشگاه به‌ویژه بعد از بازنشستگی استادان برجسته و به‌نامی هم‌چون استاد پورنامداریان و استاد عاصی و ... برشمرد. دکتر قبادی به همه‌ی اعضای جلسه و متناسب با شأن و بالندگی آن‌ها دو بیت از شاهنامه‌ی فردوسی بزرگ را تقدیم کرد:

اگر بر درخت برومند، جای نیام که از بر شدن نیست رای

پی افکندم از نظم کاخی بلند که از باد و باران نیابد گزند

دکتر ملایی‌توانی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی نیز از آشنایی با برخی از استادان جوان قبل از ورود به پژوهشگاه از طریق آثار و کتاب و مقالات سخن به میان آورد و شنونده‌ی نظرات، پیشنهادات و انتقادهای آن‌ها شد و پژوهشگاه را نیازمند نگاه تازه و باطراوات اعضای هیأت علمی جدید دانست.

جلسه مذکور طی رویه‌ی معمول با هدف آشنایی بیشتر و صمیمانه‌تر اعضای هیأت علمی جدید با اعضای هیأت رئیسه‌ی پژوهشگاه و مدیران ذی‌ربط برگزار شد و اعضای به تحصیلات و مختصری فعالیت‌های علمی و اجرایی خود اشاره کردند. با این حال جلسه روی دیگری نیز داشت و آن استفاده از نظرات بدیع اعضای جدیدالورود در ارتقاء هرچه بیشتر فعالیت‌های علمی و بهبود عملکرد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بود. اعضای جدیدالورود از معاونت‌ها و اقدام مجدانه‌ی هیأت جذب و ریاست پژوهشگاه در پاسداشت و وسواس‌های آکادمیک و مراقبت از دقائق علمی برای جذب اعضای هیأت علمی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، هم‌چنین حمایت‌های بی‌دریغ و همه‌جانبه هیأت جذب در تمامی مراحل طولانی و دشوار بوروکراتیک و اداری و شروع به فعالیت اعضای هیأت علمی در پژوهشگاه تجلیل کردند.

### معرفی و گفت‌وگو

در بخشی از گفت‌وگوها پیشنهاد تشکیل شورای پشتیبانی برای دفتر مدیریت همکاری‌های بین‌المللی ارائه شد. هم‌چنین ایده‌هایی برای بسط مفهوم کاربردی‌سازی و فاصله‌ای که از علم تا کاربرد آن می‌توان متصور بود، انتظار اعضای هیأت علمی از معاونت پژوهشی در به‌سرانجام رساندن حلقه‌های پژوهشی، از دیگر مباحث این جلسه بود.

معرفی اعضاء به ترتیب قرار گرفتن اسامی در سامانه انجام گرفت، با این وصف هر یک اعضای محترم هیأت علمی ضمن معرفی خود و فعالیت‌های‌شان، نقطه نظرات و درخواست‌ها و پیشنهادات خود را نیز با هیأت رئیسه در میان گذاشتند:

دکتر جعفریان، دکتر آلا و حیدنیا و دکتر شاکری بر اهمیت ارتباطات بین‌الملل تأکید داشتند و از اهمیت رصد اوضاع بین‌المللی و ضرورت توجه به محدودیت‌های بین‌المللی سخن گفتند. در این میان دکتر شاکری به طرح فرصت بین‌تمدنی به‌مثابه فضایی امکان بخش برای فعالیت‌های بین‌المللی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اشاره داشت.

دکتر اردبیلی از محدودیت‌های ساختاری برای فعالیت‌های بین‌المللی سخن گفت و این که توجه به چنین ساختاری باید تبیین‌کننده‌ی انتظارات از فعالیت‌های بین‌المللی پژوهشگاه باشد.

دکتر اصفهانی ضمن سپاس از تسهیل‌گری مدیریت دفتر امور بین‌الملل (دکتر حسینی)، در تحقق فعالیت بین‌المللی - فعالیت به‌عنوان استاد راهنمای پروژه‌های دانشجویان خارجی در کشور آلمان - مسائل بخش انگلیسی سایت پژوهشگاه را طرح کرد و بر ضرورت سامان‌یابی و پایداری اطلاعات و یک‌دستی فرمت رزومه‌ها تأکید داشت. دکتر مولایی‌قلیچی ضمن طرح ارتقاء امکان دسترسی به پایگاه‌های علمی برای انجام فعالیت‌های بین‌المللی از



امکان و ضرورت ارتقاء نشریات پژوهشگاه در دوزبانه‌کردن مجلات هم‌چنین ضرورت انجام طرح‌نامه‌ی مشترک و میان‌رشته‌ای را مورد تأکید قرار داد و با این توضیح طرح حلقه‌های پژوهشی را ایده‌ی مهم برشمرده و پی‌گیر سرانجام این طرح شد. در این راستا دکتر شقاقی نیز با قدردانی از فعالیت گروهی و مشترک که در قالب حلقه‌های پژوهشی توسط معاونت پژوهشی پژوهشگاه طراحی و تدوین شده، پی‌گیر سرانجام تصویب آن شد. دکتر زعفرانچی نیز با اشاره به ضرورت نیاز محور بودن پژوهش‌ها و طراحی تعاملات داخلی بر امکان بخشی حلقه‌های پژوهشی در این راستا تأکید داشت. وی هم‌چنین توجه به تعاملات داخلی را علاوه بر توجه به تعاملات علمی بین‌المللی مورد توجه قرار داد و از ضرورت ترسیم نقشه‌ی راه در سطوح سه‌گانه‌ی پژوهشگاه، ملی و بین‌المللی سخن گفت.

دکتر اکرمی، دکتر صادقی و دکتر کریمی ضمن معرفی خود از اقدامات حمایتی هیأت رئیسه‌ی پژوهشگاه تشکر و قدردانی کردند.

دکتر تقی‌زادگان با اشاره به جلسات بیرونی پژوهشگاه، حضور اعضای هیأت علمی مرتبط با حوزه‌ی تخصصی مربوطه را پیشنهاد کرد.

دکتر منتظری پیشنهادات خود را با در خصوص کاربردی‌سازی علم ارائه کرد. با این توضیح که علوم برای کاربردی‌شدن گاه مسیر صدساله‌ای را طی می‌کنند تا به حوزه‌ی اجرا برسند با این توضیح تعریفی گسترده‌تر از مفهوم کاربردی‌سازی را ضروری دانست. وی با بیان جایگاه رفیعی که پژوهشگاه علوم انسانی دارد بر امکان تأثیرگذاری پژوهشگاه در سطح کلان تأکید داشته و در این راستا نوشتن تفاهم‌نامه‌هایی با ارکان کلان سیاست‌گذاری در تمامی حوزه‌های دانشی پژوهشگاه، هم‌چنین نگارش تفاهم‌نامه‌هایی بین‌المللی برای گسترش زمینه‌ی فعالیت‌های اعضای هیأت علمی در سطح بین‌المللی را پیشنهاد داد.

دکتر طباطبایی نظرات خود را با طرح ضرورت فعالیت علمی در حوزه‌ی بین‌الملل متمرکز ارائه کرد و ارائه‌ی آثار و تولیدات علمی بین‌المللی و استفاده از آثار دیگران در حوزه‌ی بین‌الملل را دو محور اصلی این حوزه برشمرد.

دکتر مهرآیین پیشنهاد تأسیس دفتر ترجمه را به‌منظور جهت‌دادن ترجمه‌ها بر اساس خلاءها و نیازهای اساسی کشور داد و متنوع‌کردن فرم‌های طرح‌نامه‌های پژوهشی با توجه به تنوع فعالیت‌های علمی در پژوهشگاه در

#### دیدار اعضای هیأت علمی ورودی ۹۸ و ۹۹ با هیأت رئیسه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی





قالب فعالیت‌های ترجمه‌ای و دانشنامه‌ای را درخواست کرد. در نهایت دکتر رهنما از مرجعیت‌بخشی به علوم انسانی از طریق هم‌افزایی بیشتر در رشته‌های علمی سخن به میان آورد.

از دیگر اعضای هیأت علمی جذب شده در دوره‌ی دوساله‌ی اخیر به رزومه‌ی دکتر احمد پاکتچی، سیدمحمدتقی موحد ابطحی، هادی رهنما، سیدنورالدین محمودی نیز پرداخته شد.

در ادامه هر یک از اعضای هیأت رئیسه به فراخور نظرات و درخواست‌های اعضای هیأت علمی در مقام توضیح و پاسخ برآمده و گفت‌وگویی دوطرفه را شکل دادند. دکتر قبادی در تأیید درخواست دکتر تقی‌زادگان، آمادگی تمام و کمال پژوهشگاه در تمام حوزه‌ها برای دعوت و همراهی اعضای هیأت علمی به فراخور تخصص اعضا برای حضور در جلسات بیرونی و درونی پژوهشگاه سخن گفت و ضمن برشمردن مصادیقی چند، همراهی اعضای علمی و فعالیت آن‌ها را در امور پژوهشگاه، خواستار شد.

دکتر قبادی متفق‌القول با دکتر ملایی‌توانی و در مواجهه با اعضای هیأت علمی جذب شده با رزومه‌هایی که هر یک در معرفی خود تنها به گوشه‌ای از آن اشاره داشتند را به نفسی تازه تعبیر کرد، روح بی‌غش و آلاشی، که با نگاه نو و پیشنهادات خلاقانه آن‌ها پژوهشگاه از روزمرگی ایمن می‌سازد. با این وصف دکتر قبادی از اهمیت و ضرورت رصد نسلی در اعضای هیأت علمی و گستره‌ی فعالیت‌های افتخارآفرین نسل جدید که تداوم استادان بزرگوار و برجسته‌ی نسل قدیم است، سخن به میان آورد.

دکتر زهرا پارساپور، معاون کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی، حضور اعضای هیأت علمی جوان و توانمند در چندساله‌ی اخیر را ثمره‌ی مراقبت‌های علمی و مقاومت در مقابل سفارش و توصیه‌ها در جذب اعضای هیأت علمی در هیأت جذب برشمرد و بر همکاری و هم‌افزایی فعالیت‌های اعضای هیأت علمی تأکید داشت و در پاسخ به طرح نظر اعضای هیأت علمی مبنی بر گسترده دیدن طرح‌های کاربردی بر استفاده‌ی نهاده‌ی نهاده‌ی نظامند اعضای علمی در کمیته‌ی مشورتی کاربردی‌سازی تأکید کرده و از همه‌ی اعضا برای ارتقاء معاونت کاربردی‌سازی دعوت به عمل آورد.

دکتر قنبرلو، معاون اداری، مالی و مدیریت منابع نیز در مورد دورکاری اعضای هیأت علمی گفت: پژوهشگاه در این روزها به‌شکل حداکثری امکان دورکاری برای اعضای هیأت علمی را میسر ساخت و با بسط این امر به‌عنوان قاعده با برخی محدودیت‌های اساسی آیین‌نامه‌ی روبه‌رو است و در اختیار پژوهشگاه نیست.

در ادامه مدیر دفتر امور هیأت علمی با طرح درخواست عام به‌ویژه اعضای هیأت علمی جدید ورود پرداخت: این که فاصله‌ی زمانی قابل توجهی مابین رأی پیمانی و حکم استخدامی برای غالب اعضای هیأت علمی پژوهشگاه وجود دارد که گاهی حدود یک‌سال به‌طول می‌انجامد. در این حال افراد جذب شده از بیمه، سابقه‌ی کار و استفاده از دیگر مزایای هیأت علمی، محروم هستند. حل این مسئله درخواست تمامی اعضای هیأت علمی به‌ویژه در چند سال اخیر بوده است. وی این پیشنهاد را ارائه کرد که برای جبران این فاصله‌ی زمانی چندین ماهه بین رأی پیمانی تا حکم استخدامی اعضای جذب شده، با شرط ارائه مقاله‌ی علمی پژوهشی، اعضای هیأت علمی بتوانند با این شرایط از یک پایه تشویقی به‌عنوان حداقل جیرانی این خلاء زمانی برخوردار شوند.

در مقابل مدیران همراهی بی‌شائبه و صمیمانه‌ی خود را در این خصوص به اعضای هیأت علمی ابراز داشتند. این درخواست طی نامه‌ای به‌طور خاص از طرف دفتر امور اعضای علمی به ریاست پژوهشگاه ارائه شد. در ادامه دکتر ملایی‌توانی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی نیز در پاسخ به دوستانی که دغدغه‌ی فعالیت‌های جمعی را داشتند و پی‌گیر آیین‌نامه‌ی حلقه‌های پژوهشی شده بودند، ضمن ابراز خرسندی از این روحیه‌ی جمعی و فعالیت مشترک علمی از نهایی شدن این آیین‌نامه و ارائه‌ی آن برای اقدام در چند روز آینده خبر داد. نظرات در خصوص حوزه‌ی مدیریتی دفتر همکاری‌های بین‌المللی پرتکرار بود و دکتر حسینی ضمن استقبال از نقطه نظرات دوستان و توضیح انجام برخی اقدامات از جمله ارتقاء سایت انگلیسی و ... به ریاست پژوهشگاه درخواست بهره‌مندی از حضور دوستان صاحب تجربه در کمیسیون مشورتی دفتر مدیریت همکاری‌های بین‌المللی را داد و دکتر قبادی ضمن تأیید این مهم بر دعوت از این اعضا از طریق ایجاد شورای مشورتی پشتیبان، تأکید کرد.

در پایان دکتر قبادی با این وصف که در حوزه‌ی بین‌الملل دوستان صاحب‌تجربه هستند از ضرورت انتقال تجربیات ارزشمند این استادان به دیگر اعضای هیأت علمی برای بالفعل درآوردن پتانسیل و ظرفیت‌ها، امکان‌بخشی و تسهیل‌گری در پیشبرد خواسته‌های اعضای هیأت علمی توانمند تأکید کرد و همراهی اعضای هیأت علمی در امور پژوهشگاه را از تمامی اعضا خواستار شد تا خاتمه‌ی این جلسه‌ی خاص و مجازی اعلام شود.



## کودتا و ظهور لویاتان ایرانی

گروه تاریخ سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی در ادامه‌ی سلسله نشست‌های «یک‌صدمین سال‌گشت جنبش‌های پسامشروطه، پس از برگزاری چهار نشست جنبش؛ جنگل، شیخ محمد خیابانی، جنوب و کلنل پسیان، نشست پنجم را به‌مناسبت یک‌صدمین سالگرد کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، تحت عنوان «کودتا و ظهور لویاتان ایرانی» با سخنرانی دکتر محمدعلی اکبری، استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی در تاریخ چهارشنبه ۶ اسفند ۱۳۹۹ برگزار کرد.



در این نشست که با استقبال خوبی از سوی مخاطبین روبه‌رو شد، نخست دبیر جلسه دکتر نیره دلیر ضمن معرفی سخنران نشست، افزود: همان‌گونه که مستحضرید ما در آستانه‌ی تغییر قرن قرار داریم، هر چند به تعبیری یک‌سال دیگر هم باقی مانده، اما به هر حال در حال عبور از ۱۳۰۰ به ۱۴۰۰ هستیم و از آن‌جا که اتفاقات بسیار مهمی در یک‌صد سال پیش در همین زمان رخ داده بود، این مهم را لازم دانستیم مهم‌ترین قیام‌های یک سده‌ی پیش، و هم‌چنین کودتای سوم اسفند که در انتهای سال ۱۲۹۹ شکل گرفت را مورد بررسی قرار دهیم. از این‌رو چهار نشست برگزار شد، در ادامه‌ی این سلسله نشست‌ها به موضوع کودتای سوم اسفند پرداخته می‌شود. دکتر محمدعلی اکبری سخن خود را با این مطلب آغاز کرد که پیش از کودتای سوم اسفند حداقل دو کودتای جدی دیگر هم در مجلس اول و در پایان مجلس دوم در ایران شکل گرفته بود. از این‌رو، با یک پدیده بدیع و منحصربه‌فردی روبه‌رو نیستیم و کودتای سوم اسفند هم یکی از همین کودتاها محسوب می‌شود. دو کودتای دیگر منجر به تغییرات قابل توجهی در مسیر خود شدند. کودتای سوم اسفند دوران کوتاهی داشته و طی دولت کودتا، تغییر شگرفی صورت نگرفته است. هر چند به مانند هر کودتای دیگری با پاره‌ای مسائل روبه‌رو بوده، اما با خشونت کمی همراه بود. با توجه به این نکات، پرسش اساسی که مطرح می‌شود این است چرا کودتای ۱۲۹۹ این قدر مهم تلقی شده و آثار متعددی درباره‌ی آن نوشته شده و محل مناقشات تاریخی و سیاسی فراوانی قرار گرفته و حول آن هویت‌یابی‌های سیاسی جدی هم صورت گرفته است. کودتایی که عمری کوتاه دارد، منجر به تغییرات جدی در دوران کوتاه سه ماهه‌ی خود نشده، بعد از کودتا هم دولتی بر سر کار می‌آید که مجلس چهارم را تشکیل می‌دهد و گویی روال امور به سابق بر می‌گردد. پس چرا این رخداد این قدر مورد توجه قرار گرفته است؟

اکبری در پاسخ به این پرسش افزود: این واقعه بیش از دوره‌ی سه ماهه‌ی رخداد بود. کودتا سرآغاز یک دوران جدیدی در تاریخ ایران قلمداد شده که از مدخل آن عنصر قدرت‌مندی به نام «رضاخان میرپنج» وارد عرصه‌ی سیاسی ایران می‌شود. این فرد به واسطه‌ی این واقعه، وارد قدرت سیاسی می‌شود. خود رخداد کودتا، محل اهمیت نیست، بلکه کودتا یک موقعیت ممتاز بزنگاهی در تاریخ ایران تلقی شده که گویی چرخشی بزرگی در تاریخ معاصر ایران صورت می‌دهد که در آن فردی قدرت را به‌دست می‌گیرد و طی آن و پس از نشستن بر تخت سلطنت، تغییرات بنیادینی را ایجاد می‌کند که می‌توان از آن دوره به بعد را عصر جدیدی در تاریخ معاصر ایران قلمداد کرد. در واقع پیامد مهم کودتا یعنی بازشدن دریچه‌ای برای ورود عنصری به مناسبات قدرت و

هم‌چنین کنش و واکنش‌هایی که این موضوع پدید می‌آورد و در نهایت تحولاتی که منجر به تأسیس دولت پهلوی می‌شود، این دوره را در خور توجه قرار داده است.

او افزود: این کودتا به‌خلاف کودتاهای قبل، یک وجه بارزی داشت. معماران این کودتا عناصری از داخل ساختار قدرت و مناسبات سیاسی نبودند، بلکه دولت بریتانیای کبیر برای تحکیم منافع خود در منطقه در پایان جنگ اول، به استناد مدارک موجود، کودتا را شکل دادند و کارگزاران داخلی بخشی از بازی شطرنج بریتانیایی‌ها بودند. کابینه‌ی «سیدضیاءالدین طباطبایی» تحت حمایت کامل دولت انگلستان، به‌طور اخص سفارت انگلستان و فرمانده منطقه‌ای آن‌ها ژنرال «آیرون ساید» بود. این امر نیز بر اهمیت رخداد کودتا می‌افزاید.

اکبری تأکید کرد: نقش کودتا صرفاً یک امکان جدید و فرصتی برای تغییراتی پدید آورد و کارگزار مهمی را وارد بازی قدرت کرد. من معتقدم کودتا پدیده‌ای داخلی نبود. کودتا صرفاً برنامه‌ای طراحی شده توسط سفارت انگلیس بود، برای حل نگرانی‌هایی که داشتند. او افزود: کودتا فارق از منشاء ظهورش، چه چیزی را در ایران آن روز به چالش کشید؟ کودتا این امکان را برای این طرح بحث به‌وجود آورد که آیا مشروطه راه حل مناسبی برای خروج ایران از نابسامانی به سوی پیشرفت و حفظ تمامیت ارضی ایران بوده است؟ بحث این است. آن‌چه در پیامد کودتا به‌عنوان مسئله‌ی آن دوران آشکار شد، این امر بود که آیا دولتی که ما با مشروطه در پی تأسیس آن برآمدیم و آن را برقرار کردیم، در تجربه‌ی عملی خود کارنامه موفق‌تری داشت یا خیر؟ پیش از مشروطه با دولت قاجار با منابع قدرت پراکنده و ضعیف روبرو هستیم و دولت‌های خارجی در بیشتر امور نفوذ داشتند و مشکلات موجود ضعف دولت را بیشتر آشکار می‌کند. مسئله‌ی مشروطه آن بود که دولتی سرکار آید که بتواند از تمامیت ارضی ایران، مرزهای ایران، از امنیت و ثبات در ایران، اجرای عدالت و قانون و تامین حقوق و آزادی‌های مصرح در اسناد حقوقی بعدی حمایت و محافظت کند. این دولت عبارت بود از دولت منتخبان ملت که از طریق مجلس منتخب ملت و دولتی که منبعث از آن است و کاستن و محدود کردن قدرت پادشاه برقرار می‌شود. قانون

مشروطه و متمم آن بر نقش و قدرت مجلس تأکید دارد و این‌که بر دولت نظارت داشته باشد و مورد پرسش قرار دهد و اگر صلاحیت نداشت آنرا عزل کند. این ایده‌ی دولت بود. این تجربه، امیدهای زیادی ایجاد کرد که ایران از آن پیچ تاریخی و قهقرا نجات می‌یابد و به قافله ترقی می‌پیوندد. اما در عمل این‌گونه نشد. نهاد دولت تضعیف شد. رابطه میان جامعه و جامعه سیاسی و نهادهای اجتماعی که در حال شکل‌گیری بودند، کم‌کم دچار چالش و مشکل شد. الگوی بی‌اعتمادی و چالش همیشگی جای آنرا گرفت. به تدریج در مناطق مختلف حرکت‌های اعتراضی شکل گرفت. مجلس که به نوعی تعطیل بود، کابینه هم همین‌طور و دولت در واقع یک شیر کاغذی و شب‌وار بود. فارغ از مجلس اول که نمایندگان آن به‌صورت طبقاتی برگزار شد، مجلس را اغلب ملاکین یا افرادی که گرایش سیاسی خاصی را دنبال نمی‌کردند، تشکیل می‌دادند و هم به تدریج به جای آن‌که محلی برای نمایندگی مردم باشد، میدانی برای رقابت‌ها و بازیهای سیاسی و رسیدن به مناصب شد و عملاً ارتباط خود را با ساختار اجتماعی ایران و با منافع و گرایش‌های اقشار مختلف ایران از دست داد و نمایندگی از درون تهی شد. در این زمانه یک فکر و راه به‌عنوان آلت‌ناتیو مطرح شد. آن این بود که نظام مشروطه و مجلس

دولت مملکت محمد علی  
پیش‌کشایان و طوابع فرنگی

گروه تاریخ سیاسی پژوهشکده علوم تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

**یکصدمین سالگرد کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹**

**در آستانه تغییر قرن**

**کودتا و ظهور لویاتان ایرانی**

سخنران:  
**دکتر محمدعلی اکبری**  
(استاد دانشگاه شهید بهشتی)

چهارشنبه ۶ اسفندماه ۱۳۹۹ ساعت: ۱۸ الی ۲۰

لینک پیوستن به نشست:  
<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-64x-ram>



نمی‌توانند ایران را نجات دهند، و خودش را در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴.خ تحت عنوان تجدد معرفی کرد که شامل ارتش قوی، دفاع از تمامیت ارضی ایران، پیشرفت و .. میشد، البته به دست دولتی مرکزی قدرت‌مند غیرمشروطه و چارچوب‌های آن انجام می‌شد. طی این دوره تمام دستاوردهای مشروطیت تعطیل می‌شوند. دکتر اکبری درباره‌ی ظهور لویاتان ایرانی گفت: هابز مسالهای را طرح می‌کند که در اندیشه‌ی سیاسی تحت عنوان مسئله‌ی هابزی مطرح است. در جامعه‌ای که انسان‌ها اختلاف منافع دارند. این اختلاف منافع که بر این پایه شکل گرفته‌اند، انسان‌ها را در قالب گرگی به جنگ علیه یکدیگر وا می‌دارد، اگر یک نهاد بالادستی نباشد که این گرگ‌ها را سر جای خود بنشانند، جنگ گرگ‌ها با یکدیگر موجب تضعیف زندگی اجتماعی و نظم موجود خواهد شد. در نتیجه به دولتی قدرتمند نیاز است و همه باید اختیار خود را در دست آن قرار دهند تا آن حکومت بدون قید شرط و محدودیت اوضاع را در دست گیرد و چنین حکومتی راه حلی پایدار است برای مسئله‌ای که «هابز» تحت عنوان «همه علیه همه» طرح می‌کند. او اصطلاح «لویاتان» را وام می‌گیرد از اساطیر قدیمی که بر اساس آن در اساطیر قدیمی موجودی قدرت‌مند و عظیم‌الجثه دریایی وجود دارد که تمام موجودات دریا از او می‌ترسند و او همه را مهار می‌کند و نام او لویاتان هست. در واقع دولت هابزی، دولت لویاتان است که بر سر کار می‌آید. اما من به موضوع این‌گونه هابزی نگاه نمی‌کنم. در آثار اساطیری که نگاه میکنیم لویاتان موجودی شرور است. در روایات مسیحی، موجودی جهنمی است، در واقع، ازدهای هفت‌سر جهنمی است. «هابز» او را از موجودی شر به موجودی خیر و ضروری تبدیل می‌کند که برای اتمام «جنگ همه علیه همه»، وجودش ضروری است. فارغ از خوانش هابز، اعتقاد دارم که از پس مشروطه و حوادث پس از آن، آنچه که به‌عنوان راه‌حل در این دوره پدید آمد دولت ازدهای هفت سر بود. من معتقدم دولت استبداد منور که نام‌گذاری شد، دولتی نبود که به‌عنوان ایده‌ی جایگزین و راه حل جامعه ایران را از آن پیچ تاریخی عبور داده باشد. آنچه پدید آمد پیشرفت، امنیت و ثبات را برای جامعه‌ی ایرانی در بلندمدت تاریخی، به ارمغان نیاورد. در برخی موارد دستاوردهایی به‌دست آمد، اما مسئله و چالش مشروعیت دولت بر جای خود باقی ماند.

در خاتمه‌ی نشست دکتر اکبری به برخی پرسش‌های حاضران در جلسه پاسخ داد. دکتر ابوالحسنی پرسید: اگر آن دوره‌ی آشفته پس از مشروطه تا کودتا، دوره‌ای پر از هرج و مرج است و به تعبیر شما گرگ‌ها به جان هم افتاده‌اند و نهادهای قدرت سنتی و مدرن تضعیف شده‌اند، آیا کسی که به این شرایط پایان می‌دهد را می‌توان به ازدهایی هفت‌سر تشبیه کنیم یا آن وضعیت، خود ازدهایی هفت‌سر است که فردی می‌آید و این سرها را قطع می‌کند؟ اکبری پاسخ داد: من وقتی لویاتان را وام می‌گیرم، می‌خواهم استفاده‌ی دیگری فارغ از خوانش «هابز» داشته باشم. اتفاقی که رخ داد، به دلیل آن‌که در دستیابی به قدرت، از همه‌ی مرزهای قانونی عبور کرده و ملتزم به هیچ‌کدام نبوده است. فکر می‌کردند با قبضه‌ی کامل قدرت می‌توانند وضعیت مطلوب را برقرار کنند و دولت مشروطه را مخمل می‌دانستند، و در این راه از شیوه‌هایی استفاده کردند. من این شیوه‌ها را به ازدهای هفت‌سر تعبیر کردم. در ادامه سؤالات دیگری نیز مطرح که به دلیل ضیق وقت امکان پاسخ‌گویی فراهم نشده، اما گروه در تلاش برای برگزاری برنامه‌ای دیگر با حضور دکتر اکبری خواهد بود.



## سرزمین وحی به روایت سفرنامه‌نویسان معاصر عرب

دکتر معصومه نعمتی قزوینی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۶ دی‌ماه ۱۳۹۹، سخنرانی خود را با عنوان «سرزمین وحی به روایت سفرنامه‌نویسان معاصر عرب» از طریق وبینار و فضای مجازی ارائه کرد.



او در ابتدای سخنانش گفت: سفر حج یکی از مهم‌ترین و در عین حال باشکوه‌ترین سفرهای دینی به شمار می‌آید که افزون بر بعد دینی با مسائل سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی پیوند خورده است. از آنجایی که یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این سفر، تحقق بخشیدن به آرمان وحدت امت اسلامی است، سفر حج همواره در کانون توجه جوامع اسلامی قرار داشته و به تبع آن بخشی از تولیدات فرهنگی و ادبی آنان را به خود اختصاص داده است. بر این اساس بررسی سفرنامه‌های حج در بسترهای تاریخی و اجتماعی آنها می‌تواند ابعاد بیشتری از روابط تاریخی و فرهنگی ملت‌های مسلمان را تبیین و ریشه‌یابی کند.

نعمتی قزوینی با اشاره به مطالعه و بررسی سفرنامه‌های حج عربی در خلال سال‌های مهم و پرحادثه ۱۳۳۰-۱۳۶۰ قمری گفت: در کنار تبیین نوع نگاه اندیشمندان معاصر عرب به حوادث بخش مهمی از جهان اسلام، اسناد ارزشمندی را پیرامون سفر روحانی حج بازنمایی کند. بررسی سه سفرنامه‌ی حج از سه نویسنده و اندیشمند معاصر عرب در دوره‌ی یادشده؛ یعنی شکیب ارسلان، محمد لطفی جمعه و محمد حسین هیکل نشان‌دهنده‌ی نکات زیر است:

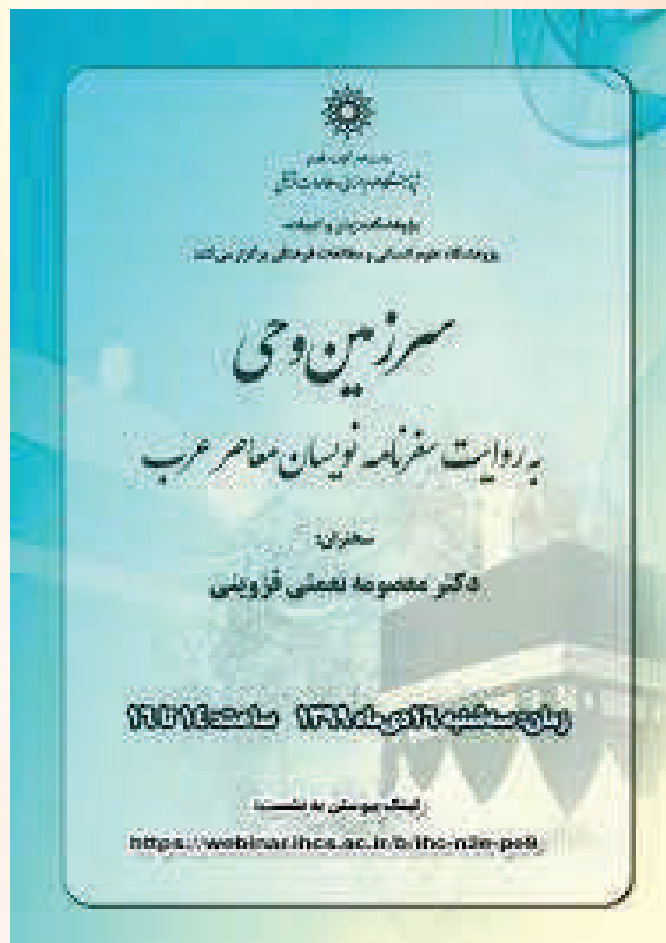
- نویسندگان عرب، اطلاعات گسترده‌ای را درباره‌ی وضعیت جغرافیایی و اقلیمی سرزمین حجاز ارائه کرده‌اند و گستره‌ی اطلاعات ارائه شده، نشان از اهمیت این مسئله از نگاه آنان دارد. این درحالی است که نوع نگاه سفرنامه‌نویسان عرب، بر خلاف تصور عموم نسبت اقلیم حجاز، کاملاً مثبت است.
- نویسندگان عرب در سفرنامه‌های خود به‌طور مختصر و گذارا از دشواری‌های سفر سخن گفته‌اند. به‌نظر می‌رسد از نگاه آنان دشواری‌های این سفر روحانی در ازای دستاوردهای عظیم معنوی آن بسیار ناچیز و کم اهمیت جلوه کرده است.
- در سفرنامه‌های عربی اطلاعات فرهنگی ارزشمندی ارائه شده است که عمده‌ی آن مربوط به وضعیت فرهنگی حجاز و به‌ویژه در دو شهر مکه و مدینه است.
- سفرنامه‌نویسان عرب، توجه خاصی را به مسائل سیاسی حجاز داشته و اطلاعات ارزشمندی را در این خصوص ارائه کرده‌اند به‌ویژه این که هر سه نویسنده از رجال سیاسی برجسته‌ی عصر خود بوده‌اند. به‌طور کلی نگاه نویسندگان عرب به‌وضع سیاسی حجاز در دوران آل سعود مثبت است. برقراری امنیت کامل و مبارزه با انواع مفاسد رایج، از مهم‌ترین دستاوردهای سیاسی آل سعود از نظر آنها است.
- نویسندگان عرب نسبت به مسائل حجاز و به‌ویژه امر حج از نگاهی انتقادی برخوردارند و مصالح سیاسی مانع از بیان نقاط ضعف و کاستی‌های موجود نشده است. نکته‌ی مهم در این‌باره این است که انتقادهای صورت گرفته



نه با هدف عیب‌جویی و شکایت بلکه با هدف اصلاح صورت گرفته و غالباً با ارائه‌ی پیشنهاد همراه است. - نویسندگان عرب در کنار توجه به مسائل پیرامونی حج، به توصیف مناسک و حکمت‌های آن نیز توجه داشته‌اند. این رویکرد سبب شده تا سفرنامه‌های عربی تا حدی از صبغه گزارشی فاصله گرفته و صبغه‌ای تأملی به خود گیرند.

- در حوزه‌ی اندیشه‌ی دینی، مهم‌ترین محور فکری نویسندگان عرب، اندیشه‌ی وحدت اسلامی به مرکزیت مکه است. بر این اساس گرایش‌های مذهبی و تفرقه‌انگیز مانند نگاه تقابلی و ستیزه‌جویانه نسبت به دیگر مذاهب اسلامی و به‌ویژه تشیع در سفرنامه‌های مورد بررسی دیده نمی‌شود. نقی افراطی‌گری و سطحی‌نگری از دیگر بنیان‌های فکری نویسندگان یادشده است که نمود آن را در انتقاد ایشان از سیاست‌های افراطی وهابیون در ویرانی برخی اماکن متبرکه می‌توان دید.

نعمتی قزوینی در خاتمه‌ی سخنانش تأکید کرد: ملی‌گرایی به سه صورت در منظومه‌ی فکری اندیشمندان عرب تبلور یافته است. اول: ملی‌گرایی وطنی؛ دوم: ملی‌گرایی قومی؛ سوم: ملی‌گرایی اسلامی. در این میان اندیشه‌ی ملی‌گرایی اسلامی، مهم‌ترین محور فکری سفرنامه‌نویسان عربی بوده و دو اندیشه‌ی دیگر پیرامون آن شکل گرفته‌اند به‌طوری‌که هر جا از هویت قومی (عربیت) سخن به‌میان آمده، بر هویت اسلامی هم تأکید شده است. به دیگر بیان، مرزهای هویت قومی در منظومه‌ی فکری نویسندگان عرب تا جایی گسترش می‌یابد که در تعارض با هویت اسلامی قرار نگیرد. افزون بر این نویسندگان عرب، در عین تمایل به مدرنیسم، در مواجهه با غرب از نگاهی واقع‌بینانه برخوردارند. به‌نظر می‌رسد اثرپذیری از آرای اندیشمندان روشنفکری مانند سیدجمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده و نیز زندگی و تحصیل در غرب و آشنایی نزدیک با تفکر و تمدن غربی در بروز چنین نگاهی مؤثر بوده است. این درحالی‌است که در نگاه آنان، در وهله‌ی نخست، غرب و سپس ترک‌ها، «دیگری» هویت عربی-اسلامی به شمار می‌آیند.



## استعاره‌ی مفهومی در پژوهش‌های ادبی

نشست «استعاره‌ی مفهومی در پژوهش‌های ادبی» چهارم اسفندماه ۱۳۹۹، از طریق وبینار و به‌صورت مجازی برگزار شد.

در ابتدای این نشست، دکتر مونا بابایی، مدرس دانشگاه تهران با موضوع «مفهوم‌سازی استعاری در متون عرفانی زبان فارسی» سخنرانی کرد و گفت: یکی از مهم‌ترین نکاتی که پژوهشگران زبان‌شناسی شناختی در معرفی



استعاره‌های مفهومی به آن اشاره کرده‌اند این است که جایگاه استعاره نه در واژه‌ها، که در اندیشه‌ی ماست. ما معمولاً برای درک حوزه‌های انتزاعی و غیر ملموس‌تر از حوزه‌های عینی و شناخته‌شده‌تر استفاده می‌کنیم و ساختار حوزه‌های عینی را بر حوزه‌های انتزاعی فرافکنی می‌کنیم. بنابراین استعاره‌های موجود در متون ادبی نیز دقیقاً همان استعاره‌های قراردادی‌ای است که به‌شکل روزمره در زندگی به کار می‌بریم و معمولاً به آن‌ها بی‌توجهیم. شیوه‌ی درک هم‌هی ما از مفاهیمی انتزاعی چون مرگ، زندگی و زمان اساساً بر پایه‌ی استعاره بنا شده است. شعرا و نویسندگان نیز در آثار خود از همان استعاره‌های بنیادین روزمره بهره می‌گیرند، هرچند در مواردی با گسترش، شرح و بسط و زیر سؤال بردن استعاره‌های قراردادی و نیز ترکیب چند

استعاره قراردادی با هم استعاره‌ها را در سطح مفهومی و زبانی از استعاره‌های قراردادی فراتر می‌برند و آن‌ها را به استعاره‌های شاعرانه بدل می‌کنند. بنابراین، استعاره‌های شاعرانه برآمده از همان استعاره‌های قراردادی است. بابایی ادامه داد: در مجموع، زبان‌شناسان شناختی باور دارند ساختاربخشی مفاهیم انتزاعی در ذهن براساس تجربه‌های زیستی و دانش فرهنگی و یا براساس تجربه‌های بدنی ماست. بدنمندی ذهن ما به این معنی است که شناخت در انسان به‌شدت به جسم فیزیکی او وابسته است و معنا در تجربه‌ی حسی-حرکتی ما زمینه‌سازی می‌شود. در نتیجه، ما بخش مهمی از مفاهیم زندگی را براساس تجربیات بدنی‌مان درک می‌کنیم. همین‌طور، دانش فرهنگی و زیستی ما از دنیای پیرامون نیز در مفهوم‌سازی‌های استعاری‌مان به کار گرفته می‌شود. ما دنیا را آن‌طور می‌شناسیم که فرهنگمان به ما معرفی می‌کند. در نهایت، در فرآیند مفهوم‌سازی‌ها ما با پیوستاری سروکار داریم که فرهنگ و بدن دو وجه عمده‌ی آن هستند.

متون عرفانی به‌دلیل سروکارشان با مفاهیم انتزاعی تا حد زیادی بر اساس استعاره‌های مفهومی بنا شده است. مفاهیمی چون خداوند، معرفت و سلوک عارفانه، که از مرکزی‌ترین مفاهیم حوزه‌ی تصوف است، بدون مفهوم‌سازی‌های استعاری درک نمی‌شود. در ادامه با ذکر مواردی از مفهوم‌سازی‌های استعاری نشان خواهیم داد که چه‌طور قلمروهای ملموس و عینی در مفهوم‌سازی مفاهیم انتزاعی حوزه‌ی تصوف اندیشه‌ی ما را راهبری می‌کنند.

وی با اشاره به گفته‌ی لیکاف و ترنر (۱۹۸۹) که «زندگی سفر است»، گفت: یکی از قراردادی‌ترین استعاره‌هایی است که ما برای مفهوم‌سازی حوزه‌ی زندگی از آن بهره می‌گیریم. ما در فهم زندگی براساس سفر از دانش‌مان درباره‌ی سفرها استفاده می‌کنیم. سفرها مستلزم مسافران، مسیرهای پیموده شده مکان‌های شروع سفر و جاهایی است که در طول سفر در آن‌ها حضور می‌یابیم. زندگی ما نیز دارای مبداء و مقصد است. اگر زندگی را هدف‌مند بدانیم، برایش مقاصدی نیز در نظر می‌گیریم. برای مثال؛ عبارت زبانی «تو هنوز در آغاز راهی» برگرفته از همین استعاره‌ی قراردادی است. محمد عبدالشکر منعم (۲۰۰۶) نشان داده است که در قرآن کریم نیز زندگی دنیوی براساس سفر مفهوم‌سازی می‌شود: انسان باید در صراط مستقیم حرکت کند و به سبیل مجرمین منحرف نشود. سلوک معنوی نیز دقیقاً براساس طرح‌واره‌ی ذهنی ما از سفرها مفهوم‌سازی شده است. خود واژه‌ی سلوک بر همین امر دلالت دارد. اصطلاحات دیگری چون سالک، طریقت، سیر الی‌الله، عقبه، وادی، مقام، مسافر و اسفار در متون عرفانی دقیقاً مفهوم سفر را، که برگرفته از تجربه‌ی زیستی و دانش فرهنگی ماست، بر مفهوم انتزاعی سلوک معنوی انطباق می‌دهند.

بابایی تصریح کرد: عالمیان همه مسافرانند، روی به سفر قیامت آورده و دنیا بر مثال ریاطی است بر سر بادیه‌ی قیامت نهاده، عمرهای خلق بالا و پهنای آن سفر است. سال‌ها چون منازل است، ماه‌ها چون مراحل است، شب و روز بر مثال فرسنگ است، نفس‌ها هم‌چون گام‌ها، سفر دور و دراز است و عقبه‌ی تند و دشوار





است و مسافر غافل و کاهل و بیکار است. (کشف الأسرار و عده الأبرار، ج ۱۰، ۲۳۲)

راه خدا کدام است، بگو؟ می‌گویم طریق خدا این است. البته، گذر به آق‌سراست، و البته آن گذشتن است بر پول جاهدوا باموالهم و انفسهم. اول ایثار مال است. بعد از آن کارها بسیار است، الا اول ممر به با آق‌سراست. هیچ گذر نیست الا آق‌سرا هست... پیش دلت چیست؟ بگو آنچه هست اگر مانعی هست، بازگو. اگر بازگویی مانع را، من طریق پیاموزم که بر تو سهل شود. من طریق به از تو دانم. (مقالات شمس تبریزی، ۱۱۹)

وی در مورد «مفهوم‌سازی خداوند در متون عرفانی» توضیح داد: هرچند در متون فلسفی و کلامی خداوند به منزله‌ی موجودی شناخت‌ناپذیر معرفی می‌شود، در عمل ذهن ما برای داشتن تصویری از خداوند او را به شکل استعاری درک می‌کند. استعاره‌ی خداوند به مثابه‌ی انسان از کلان‌ترین استعاره‌هایی است که در متون مذهبی و عرفانی دیده می‌شود. ما در انسان‌انگاری (personification) مفاهیم و موضوعات غیرانسانی را براساس تجربیات انسانی و نیز بدن خودمان مفهوم‌سازی و درک می‌کنیم. در متون عرفانی دو استعاره‌ی خداوند پادشاه است و خداوند معشوق است استعاره‌های خاص‌تری است از استعاره‌ی عام خداوند انسان است. حوزه‌ی مفهومی حکومت و استلزام‌های آن یکی از شناخته‌شده و دم‌دستی‌ترین حوزه‌هایی است که انسان‌ها در طول تاریخ همواره با آن در ارتباط بوده‌اند. سوییتسر (۲۰۰۵) در مقاله‌ی «استعاره‌هایی برای خداوند» این موضوع را مطرح می‌کند که بخشی از مفهوم‌سازی‌های کتاب مقدس درباره‌ی خداوند براساس همین استعاره شکل گرفته است. در قرآن نیز خداوند پادشاهی است دارای عرش و کرسی که بر ملک استیلا دارد: فتعالی الله ملک الحق (۲۳:۱۱۶). در متون عرفانی نیز بخش مهمی از مفهوم‌سازی‌های استعاری خداوند به حوزه‌ی فرمانروایی مربوط می‌شود:

نمی‌دانی که پادشاه مرا کدام خلعت خواهد پوشانیدن و کدام ملک خواهد بخشیدن. (مقالات شمس تبریزی، ۱۸۰)

جز به دست و دل محمد نیست حل و عقد خزانه‌ی اسرار (حدیقه الحقیقه، ۱۰۰)

خداوند معشوق است

الگوی ذهنی ما از عشق آسمانی براساس تجربه‌مان از عشق زمینی مفهوم‌سازی می‌شود. طرحواره‌ی ذهنی ما از عشق به گفته‌ی کوچش (۱۳۹۳) براساس یکی شدن و نزدیکی مکانی شکل گرفته است. در متون کلاسیک تصوف عاشقانه خداوند به‌صورت انسانی کمان‌ابرو، سیاه‌چشم، خوش‌قامت و دارای خال و خد مفهوم‌سازی می‌شود و قصد عاشق نزدیکی و اتصال به اوست. همان‌طور که مشخص است، مفهوم‌سازی‌های عشق الهی براساس تجربه‌ی عشق جسمانی یا دانشمان از آن عشق شکل گرفته است:

تو چه دانی ای عزیز! که این شاهد کدام است و زلف شاهد چیست و خد {خط} و خال کدام مقام است؟ (تمهیدات، ۲۹)

جانمردا یُحِبُّهم با یُحِبُّونه هم‌سر شده است و لا زحمة فی البین.  
خالی است سیه بر آن لبان یارم مُهری است ز مشک بر شکر پندارم  
گر شاه حبش به جان دهد زنه‌ارم من بشکنم آن مهر و شکر بردارم (همان، ۲۹)  
خلق می‌خواهند حور و روضه‌ی رضوان ولی جز وصال آن پری‌پیکر نمی‌باید مرا  
(دیوان حلاج، ۶۴)

معرفت دیدن است / عدم وجود معرفت ندیدن است

دکتر بابایی توضیح داد: ایو سوییتسر (۱۹۹۰) نشان داد که استعاره‌ی دانستن دیدن است، که در واقع صورت خاص‌تری است از استعاره ذهن جسم است، را در بسیاری از زبان‌های هند و اروپایی می‌توان پیدا کرد. در این استعاره ما فرایند فهمیدن را براساس ادراک‌های حس بینایی مفهوم‌سازی می‌کنیم. برای مثال؛ وقتی فردی را دارای بصیرت می‌دانیم، منظورمان آگاه‌بودن اوست و حوزه‌ی دانستن را، که انتزاعی‌تر است، براساس حوزه‌ی حسی بینایی مفهوم‌سازی می‌کنیم. معرفت، که از شاخص‌ترین مفاهیم حوزه‌ی تصوف است، در متون صوفیه براساس استعاره‌ی قراردادی دانستن دیدن است ساختار یافته است. در این مفهوم‌سازی معرفت الهی با حس بینایی پیوند می‌خورد و اصطلاحاتی نظیر رؤیت قلبی، مشاهده، معاینه و تجلی حاصل همین انطباق است. اگر معرفت و دانستن به واسطه‌ی چشم حاصل شود، وجود موانع در بینایی به نادانستن و عدم حصول معرفت می‌انجامد. به این ترتیب اصطلاحات پرده، حجاب، غین، عما و کوری در متون تصوف با استعاره‌ی ندیدن درنیافتن است پیوند می‌خورد:

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. این طایفه اول در دنیا خود در دوزخ بودند که امروز در حجاب معرفت باشند و فردا به حسرت از رؤیت و مشاهده‌ی خدا محروم باشند. (تمهیدات، ۴)

چون تو را به سلوک طریق راه دهند دیده‌ای یابی. چون دیده یافته باشی، درنگری و به خود بینا گردی. بدانی که هرگز خود را ندیده‌ای و از خود در حجاب بوده‌ای. اشراق نور الله تو را دیده‌ای داد. از پوست بیرون آمدی. بدانستی که هرگز ندانستی و بدیدی که هرگز ندیدی. (همان، ۳۵۸)

دکتر بابایی درباره‌ی «استعاره‌ی معرفت خوردن است» شرح داد: استعاره‌ی قراردادی دیگری است که مفهوم ذهنی فهمیدن را براساس مفهوم حسی خوردن ساختار می‌بخشد. به این ترتیب، با این استعاره ساختار قلمروی حسی خوردن و استلزام‌های آن با قلمروی ذهنی دانستن و آگاهی (معرفت الهی) انطباق می‌یابد. اصطلاحات سکر، شراب معرفت، ذوق (چشیدن)، ری (سیراب‌شدن)، تساکر و باده در متون تصوف استلزام‌هایی از این استعاره‌ی مفهومی است و از آن جمله ذوق و شرب است و این عبارتی بود از آن‌که ایشان یابند از ثمرات تجلی و نتیجه‌های کشف و پیدا آمدن واردهای بدیهی و اول این ذوق بود، پس شرب و پس سیری. هر که دوستی او قوی بود، شرب وی دائم بود و چون این حال دائم بود، شرب او را سکر نیازد. (ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه، ۱۱۴)

– چون مرد بدان مقام رسد که از شراب معرفت مست شود، چون به کمال مستی و به انتهای خود رسد نفس محمد را که لقد جاءکم رسول من انفسکم بر وی جلوه کنند. (تمهیدات، ۵۹)

پاکدلی نظیف‌بودن است

مفهوم پاکیزگی در فرهنگ‌های مختلف با آب گره خورده است. فرد با شست‌وشوی جسم خود را از آلودگی‌ها پاک می‌کند. همین‌طور، غسل و طهارت هسته‌ی اصلی بسیاری از آیین‌های مذهبی است. این عمل با این باور توأم است که با پاک‌ی جسم به پاک‌ی درون می‌رسیم. به همین علت در متون مقدس به افرادی که قصد توبه دارند دستور داده می‌شود که با انجام غسل و ایجاد پاکیزگی جسمی به پاکیزگی معنوی دست پیدا کنند. کنایه‌هایی مانند آب توبه بر سر کسی ریختن و گناه کسی را شستن از انطباق میان پاکیزگی جسمی با پاکیزگی معنوی به وجود می‌آید. در متون عرفانی نیز اصطلاح‌های رجس، نجاست، غسل، طهارت و تزکیه از انطباق حوزه‌ی پاکدلی با نظافت به وجود آمده است و در واقع، گمان بر این است که با پاکیزگی جسمی می‌توان به پاکیزگی معنوی رسید و آثار گناهان قبلی را از بین برد:

– «لایمسه الا المطهرون». این خطاب با کسانی باشد که جز طهارت صورت فهم نکنند... هیچ نماز مقبول حضرت نباشد مگر با چنین وضو و طهارت که شنیدی. (تمهیدات، ۷۹)

– و از ابویزید می‌آید که گفت: «هرگاه که اندیشه‌ی دنیا در دلم گذر کند، طهارتی بکنم و چون اندیشه‌ی عقبی گذرد غسل آرم از آنچه دنیا محدث است و اندیشه‌ی آن حدث باشد. (کشف المحجوب، ۳۷۷)

اشتیاق داشتن تهیدستی است

حوزه‌ی اقتصاد و استلزام‌های مربوط به آن از قلمروهای مبداء رایجی است که انسان در تجربه‌ی فرهنگی و زیسته‌ی خود فراوان با آن سروکار داشته است. در عبارات زبانی‌ای چون فقیر، فقر، درویش، سؤال و نیاز (که در متون عرفانی به کرات به کار رفته‌اند) از فرافکنی ارزش‌های مادی بر ارزش‌های معنوی استفاده شده است و اشتیاق به ساحت خداوند بی‌نیاز در ارتباط با نیازمندی مادی مفهوم‌سازی شده است:

– ای عزیز، طالبان از روی صورت بر دو قسم آمدند؛ طالبان و مطلوبان... این طلب را فقر خوانند. اولش «الفقر فخری» باشد. به اصطلاحی دیگر فنا باشد. (تمهیدات، ۱۹)

تا سر بر آستان نهادیم پای فقر بر هفت فرق گنبد دوار می‌نهم (دیوان حلاج، ۷۵)

بابایی در خاتمه‌ی سخنانش نتیجه‌گیری کرد: متون عرفانی به سبب سروکار داشتن با مفاهیم انتزاعی بستر مناسبی برای پژوهش در زمینه‌ی استعاره‌های مفهومی است. استعاره‌های بنیادین و اصلی موجود در این متون همان استعاره‌های قراردادی و روزمره‌ای است که ما به صورت ناخودآگاه در زندگی معمول به کار می‌بریم. از میان این استعاره‌ها برخی به همان شکل در صورت زبانی انعکاس یافته است و برخی دیگر با دخل و تصرف‌های شاعرانه به صورت استعاره‌های شعری درآمده است.

در ادامه دکتر مرتضی براتی، مدرس دانشگاه فرهنگیان اهواز سخنان خود را با موضوع «استعاره‌ی مفهومی نور در قرآن کریم» آغاز کرد و گفت: استعاره از چشم‌اندازهای مختلفی بررسی شده است و دو دیدگاه کلی درباره‌ی

استعاره وجود دارد. نظریه‌ی سنتی، استعاره را جایگزینی یک واژه به جای واژه‌ی دیگر می‌داند یا به تعبیر علم بیان استعاره تشبیهی است که یکی از طرفین آن باقی مانده است. در دیدگاه سنتی، استعاره صنعتی آرایشی است که برای آراستن کلام به کار می‌رود و مخصوص زبان ادبی است.



زبان استعاری زبانی انحرافی و ثانویه است. بیش از دو هزار سال این تعریف در بلاغت شرق و غرب حاکم بوده است. در قرن ۲۰ نگاه به استعاره متحول شد. دیدگاه‌های متعددی درباره استعاره به وجود آمد. دیدگاه «ماکس بلک» دیدگاه استعاره‌ی تعاملی است. به‌نظر «ماکس» بلک استعاره حاصل تعامل بین مستعار منه و مستعار له است. ویژگی‌ها و صفاتی از دو طرف استعاره با هم تعامل می‌کنند و استعاره را می‌سازند. این ویژگی‌ها باید از یک پالایه یا صافی عبور کنند و آنچه باقی می‌ماند استعاره را می‌سازد.

برای اشاره به این‌که، دیدگاه «دونالد دیویدسون» دیدگاه استعاره بدون معنا است، گفت: او در مقاله استعاره چه معنایی می‌دهند، می‌گوید استعاره‌ها معنایی جز معنای تحت‌اللفظی ندارند. استعاره

مربوط به حوزه‌ی تأثیر و کاربرد است. برای مثال، کمرم شکست را در بافت فارسی مدنظر می‌گیریم. اگر خسته باشیم و بگوییم کمرم شکست، یک معنی می‌دهد. اگر مصیبتی بر ما وارد شده باشد و بگوییم کمرم شکست معنای دیگر. اگر از ارتفاع به زمین پرت شده باشیم بگوییم کمرم شکست به معنای دیگر است. اگر بگوییم «با گل زودهنگام کمر تیم شکست» معنای دیگری دارد. دیدگاه شیخ اصفهانی شبیه دیدگاه «دونالد دیویدسون» است. شیخ محمدرضا اصفهانی در کتاب «وقایع الاذهان» به بحث استعاره می‌پردازد و او هم معتقد است که استعاره‌ها فقط معنای تحت‌اللفظی دارند. برای مثال، وقتی حضرت یوسف(ع) بر زنان مصری وارد می‌شود، زنان مصری می‌گویند «حاشا لله ما هذا بشر ان هو الا ملک کریم». اصفهانی می‌گوید، اگر ملک را به معنای یوسف بگیریم بلاغت از بین می‌رود. اگر نظر اصفهانی را بپذیریم که می‌گوید، «یوسف در این‌جا فرشته‌ای زیباست» در این صورت مبالغه کاملاً درک می‌شود.

نمونه‌ی دیگر، داستان فرزندان حضرت یعقوب(ع) است وقتی به نزد حضرت یعقوب آمدند و گفتند که بنامین دزدی کرده است و او را به جرم سرقت دستگیر کرده‌اند؛ حضرت یعقوب حرف آن‌ها را باور نکرد. آن‌ها گفتند، و سَأَلُ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا. از شهری که در آن بودیم پرس. اصفهانی معتقد است که شهر در این‌جا به معنای حقیقی خود به کار رفته است زیرا از نظر برادران یوسف دزدی بنامین چنان آشکار است که در و دیوار شهر هم گواهی می‌دهند.

در دیدگاه سنتی، استعاره‌ی جایگزینی یک واژه به جای واژه‌ی دیگر بود اما در نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی، استعاره فهم یک حوزه‌ی مفهومی بر اساس حوزه‌ی مفهومی دیگر است. این دیدگاه که بنیان‌گذار آن لیکاف و جانسون هستند در کتاب «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم» مطرح شده است. استعاره در این دیدگاه، فهم یک حوزه‌ی مفهومی بر اساس حوزه‌ی مفهومی دیگر است. دو نقش عمده برای حوزه‌های مفهومی قرار گرفته در استعاره مفهومی وجود دارد. حوزه‌ی مبداء حوزه‌ی مفهومی که نمودار بیانات استعاری است و حوزه‌ی مقصد؛ حوزه‌ی مفهومی که سعی در درک آن داریم. برای مثال؛ در استعاره‌ی «زندگی سفر است»، زندگی حوزه‌ی مقصد و سفر حوزه‌ی مبداء است. لیکاف و جانسون برای بیان ارتباط حوزه‌ی مبداء و مقصد از اصطلاح نگاهت استفاده می‌کنند. نگاهت دستگاه منظمی از ارتباطاتی است که بین عناصر و اجزای سازنده حوزه‌ی مبداء و مقصد وجود دارد. در این‌جا یک حوزه‌ی ذهنی و انتزاعی بر اساس یک حوزه‌ی عینی و محسوس مفهوم‌سازی و درک می‌شود. راز ماندگاری زبان و پویایی آن در استعاری بودنش است و هرچه زبان استعاری‌تر باشد درک ما از هستی درست‌تر و ارتباط ما با آن بیشتر خواهد بود.

حوزه‌های مبداء معمولاً از تجارب زندگی روزمره‌ی انسان‌ها یعنی اموری شناخته شده و معمولاً محسوس هستند. شناخت حوزه‌های مبداء متداول موجب می‌شود که در طراحی یک گفتمان یا استعاره از هر حوزه مبداء نامربوطی استفاده نکنیم.



دکتر براتی در خاتمه‌ی سخنانش تأکید کرد: مهمترین حوزه‌های مبداء پرکاربرد استعاره‌های مفهومی در قرآن بدن و افعال انسان، گیاهان، سلامت و بیماری، حیوانات، بناها، ابزارها، تجارت و کسب و کار هستند. استعاره مفهومی نور در قرآن یکی از کلیدی‌ترین استعاره‌ها در قرآن است. نور در قرآن هر چیزی است که ظاهراً نفسه و مظهر لغیره باشد. در استعاره‌ی مفهومی نور، خداوند همان‌گونه که در قرآن نیز آمده، نور آسمان‌ها و زمین است و کلان استعاره‌ی مفهومی است. آنچه غیر خداست جلوه‌هایی از نور اوست و مبداء و مقصد همه‌ی این نورها خداست. هر چیزی که به سمت این مقصد می‌رود یا می‌کشانند نور است و هر آنچه از این مقصد باز می‌دارد و مانع رسیدن به آن می‌شود ظلمت است. در این استعاره، خداوند در مرکز و نورالانوار است و اسلام، کتاب‌های آسمانی، پیامبران، اولیاء، امامان، علم، استدلال، حق و حقیقت و امثال این‌ها به‌عنوان خوشه‌ها این کلان استعاره و نموده‌های استعاره‌های زبانی آن در نظر گرفته می‌شوند. چون مقصد همه‌ی این‌ها خداوند است خود آن‌ها نیز نور و زایل کننده تاریکی و ظلمت هستند.



سومین سخنران این نشست مجازی دکتر علیرضا شعبانلو، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بود که سخنانش را با عنوان «بنیاداساطیری استعاره‌ی مرگ در آثار مولوی» آغاز کرد و گفت: در اساطیر ملل، دیدگاه‌های متنوعی درباره‌ی مرگ وجود داد، ولی اکثر این دیدگاه‌ها از یک جهت با هم مشترکند و آن پایان راه دانستن مرگ است. صاحبان اساطیر زندگی را مانند سفر می‌بینند و مرگ را مقصد و نهایت راه می‌دانند و در آیین‌های خود برای نمادین کردن پایان و نهایت و کمال هر چیزی از مرگ استفاده می‌کند. در نظر عرفای اسلامی، آفرینش، حرکت و روند مدور دارد که از خدا آغاز می‌شود و به خدا هم ختم می‌شود. در این چرخه، آفرینش به منزله‌ی دور افتادن از اصل و جدایی از حق

و حقیقت است؛ و مرگ و فنا به منزله‌ی نزدیکی به اصل و واصل گشتن بدان است.

شعبانلو افزود: غالب تفکرات عرفای مسلمان، از جمله مولوی درباره‌ی مرگ، بر بنیاد دیدگاه قرآنی و اسلامی بنا شده، اما از اندیشه‌های اسطوره‌ای و فلسفی کهن نیز بهره گرفته است. مولوی اندیشه‌ی بنیادی خود درباره‌ی رابطه‌ی میان هستی مادی و خالق را با تمثیل موج و دریا بیان می‌کند. از نظر وی انسان و دیگر مظاهر هستی موج‌هایی هستند که از دریا بر آمده‌اند و بدان بازمی‌گردند، یعنی اجزائی هستند که به حکم قاعده‌ی «یَرْجِعُ كُلُّ شَيْءٍ إِلَىٰ أَصْلِهِ»، به سوی اصل خود باز خواهند گشت:

عقل پنهان است و ظاهر عالمی، صورت ما موج یا از وی نمی

مولوی موضوع «زادن صورت از بی‌صورتی» و «برآمدن موج از دریا» و «فروشدن در دریا» را به‌همین روال در بخش بعدی نیز پی می‌گیرد و تمثیل رایج موج و دریا را در توجیه و معرفی رابطه‌ی سخن و اندیشه به کار می‌برد؛ ولی از همین نتیجه، مقدمه‌ای می‌سازد برای نتیجه‌گیری نهایی خود که «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» است. شعبانلو با اشاره «تمثیل موج و دریا» توضیح داد: مولوی در این تمثیل به این نتیجه می‌رسد که زندگی و مرگ، وجود حقیقی مستقل از هم ندارند. این‌گونه نیست که در طول حیات فقط یک‌بار زاده شویم و یک‌بار هم بمیریم؛ بلکه هر لحظه زادنی و مردنی است و زندگی و مرگ پیوسته در جریانند. این اندیشه‌ی مولوی متأثر از درک اسطوره‌ای از زمان است. زمان در بینش اسطوره‌ای، جریان خطی ندارد؛ بلکه حرکت زمان‌گرد و دایره‌وار است که در مقاطع مشخصی از سال، «زمان» نو می‌شود و «جهان» زندگی را از سر می‌گیرد.

مولوی در داستان «مرد عرب و جفت او» مرد را عقل می‌داند و زن را نفس. این طرز تلقی، بنیاد اسطوره‌ای اندیشه‌ی عرفانی، و تأثیر اسطوره در اندیشه‌ی عرفانی یا دست‌کم مشابهت آن‌ها را تأیید می‌کند.

ماجرای مرد و زن افتاد نقل آن مثال نفس خود می‌دان و عقل

این زن و مردی که نفس است و خرد نیک بایسته‌ست بهر نیک و بد

در اساطیر اغلب ملل کهن مانند ایرانی، چینی، یونانی، بابلی، شمال اروپا و آمریکا، تاریکی و زمین و دوزخ و دریا و آب، مؤنث هستند و روشنایی و آسمان، مذکرند. مولوی متأثر از این اندیشه، برای نشان دادن برتری عقل



بر نفس، از استعاره‌ی مرد و زن بهره برده است.

نمونه‌ای دیگر، دیدگاه‌های مربوط به رستاخیز است:

دردمی در صورگویی الصلا بر جهید ای کشتگان کربلا

ای هلاکت دیدگان از تیغ مرگ بر زنید از خاک سر چون شاخ و برگ

آنچه که در این بیت اهمیت دارد، این اندیشه است که مرگ مانند دروگر است و انسان‌ها چون گیاه، همان گونه که گیاه پس از درویدن دوباره سر بر می‌آورد و می‌روید، انسان‌ها نیز بعد از مرگ سر برمی‌آورند (رستاخیز) و زنده می‌شوند.

این اندیشه، بسیار شبیه به اندیشه‌ی اسطوره‌ای خدایان شهیدشونده است که در جهان کهن، روایی بسیاری داشته. بنیاد اندیشه بر این بوده است همان‌گونه که غلات پس از دروده شدن (بریده شدن سرشان و کشته شدنشان)، مدتی بعد در فصل بهار و موسم گرم سال می‌رویند و زندگی را از سر می‌گیرند و به‌همان بالندگی خود می‌رسند، انسان‌ها نیز به‌عنوان خدایان غله کشته می‌شوند تا در زمانی دیگر زنده شوند. به‌عنوان نمونه می‌توان به اسطوره‌ی سیاوش که از خونش گیاه سیاوشان می‌روید و به اسطوره‌ی ایزیس و اوزیریس اشاره کرد.

دکتر شعبانلو در خاتمه‌ی سخنانش با اشاره به این که بسیاری از استعارات مرگ در مثنوی، بنیاد اسطوره‌ای دارند، یادآور شد: ازجمله تشبیه انسان به دانه، که همان اسطوره‌ی فوق است و تشبیه مرگ به زادن که بسیار نزدیک به‌همین تفکر و اندیشه است و زندگی انسانی را به زندگی گیاهی مانند می‌کردند.

استعاره‌ی «مرگ سفر است»، کلان استعاره‌ی مرگ در مثنوی است و زیر استعاره‌های آن عبارتند از:

مرگ شناخت است

مرگ بازگشت است

مرگ صعود است

مرگ، رهایی روح از زندان است

مرگ جدایی عناصر است

استعاره‌ی سفر و زیر استعاره‌های همگی به نقش شناختی مرگ در وصول به حقیقت اشاره دارند. مولوی در استعاره‌های زیادی به نقش مرگ در شناخت حقیقت پرداخته است، ازجمله در حکایت «آوردن پادشاه جهود زنی را با طفل و انداختن او طفل را در آتش و به‌سخن آمدن طفل در میان آتش»، از استعاره‌ی «مرگ زادن است» بهره برده است. زیرا همان‌گونه که رنگ و جنسیت کودک پیش از زاده‌شدن، مشخص نیست و پس از آن است که مشخص می‌شود به چه کسی تعلق دارد؛ و به قول مولوی زنگی است یا رومی؛ مرگ نیز آشکارکننده‌ی حقایق است.

حکایت اخیر، کاملاً مشابه بخشی از اسطوره‌ی ایزیس و اوزیریس است. بر اساس این اسطوره، ایزیس فرزند شاه را در میان شعله‌ها نهاد تا گرم شود و کودک بدون هیچ‌گونه صدمه برجای ماند. در این هنگام مادر کودک که وارد تالار شده بود، از دیدن فرزندش در میان شعله‌های آتش وحشت زده شد و کودک را از میان آتش بیرون کشید. ایزیس گفت، چنانچه کودک اندک‌زمانی دیگر در میان شعله‌ها برجای می‌ماند به جاودانگی دست می‌یافت، اما اکنون فقط عمر زیادی خواهد داشت.

تعبیر استعاره‌ی مولوی از مرگ و نقش آن در ایجاد شناخت و وصول به حقیقت، از اندیشه‌ی جهان‌فروری در حکمت ایران باستان متأثر است که بر اساس آن صور نخستین همه‌ی انواع از انسان، جماد و نبات به‌صورت مینوی در آن عالم مینو، در آغاز آفرینش توسط خدا آفریده شد. این اندیشه بعدها از سوی افلاطون با نام نظریه‌ی مُثل طرح شد. اساس این اندیشه، اعتقاد به دو وجهی بودن انسان (بعد روحی و مادی داشتن) است. در این میان روح اصل است و کالبد در حکم مرکب یا زندان وی است. بر اساس این تفکر آفرینش دارای سلسله مراتب است. به‌این‌صورت که روح از مرتبه‌ی خود تنزل یافته تا به مرتبه‌ی مادی و مظاهر هستی رسیده است و باید دوباره پالایش یابد و تصعید شود تا به مقرر اصلی خود بازگردد.

این اندیشه که بر اساس اسناد موجود، نخستین بار در اوستا (یشت سیزدهم) طرح شده است و پس از آن در آثار افلاطون آمده است، به‌وجود مینوگ موجودات اصالت می‌دهد و صورت مادی و محسوس موجودات را سایه‌ی وجود مینوگ و فاقد اعتبار می‌شمارد. همه‌ی حقایق در جهان مینو یا عالم مُثل است و در این دنیا فقط سایه‌های تحریف شده‌ی حقایق را می‌شود دید. پس برای آگاهی از راز هستی و شناخت حقایق راهی جز انداختن پرده‌ها و رسیدن به عالم مُثل یا عالم صور مینوی وجود ندارد. گفتنی است، دکتر یوسف محمدنژاد، رئیس پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات پژوهشگاه دبیر علمی این نشست بودند.



## ارزیابی انتقادی فمینیسم پسا ساختارگرا

گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشکده‌ی مطالعات اجتماعی، نشست تخصصی مجازی «ارزیابی انتقادی فمینیسم پسا ساختارگرا با تکیه بر آرا و اندیشه‌های دریدا، کریستوا و ایریگاری» را روز ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۹۹، با حضور و سخنرانی دکتر حامد علی‌اکبرزاده پژوهشگر فلسفه و دبیر علمی نشست دکتر آتنا غلام نیارمی، دبیر گروه جامعه‌شناسی تاریخی انجمن جامعه‌شناسی ایران برگزار کرد.

در ابتدای برنامه دکتر نیارمی، دبیر علمی نشست صحبت خود را با مقدمه‌ای در باب پارادایم پسا ساختارگرایی و چگونگی حضور فمینیسم در این پارادایم آغاز کرد و گفت: از دهه‌ی هشتاد، مجموعه‌ای از اندیشه‌های فیلسوفان و جامعه‌شناسان با گرایش فرانسوی ایجاد شد که در صدد توسعه‌ی پارادایم ساختارگرایی و در واقع عبور از ساختارها بودند و به جریان فرانسوی پسا ساختارگرایی شهرت یافتند. برخی از آنان مانند دریدا و کریستوا و ایریگاری به فمینیسم با نگاهی پسا ساختارگرایانه نگریده و میحث زبان را به‌عنوان زیرشاخه‌ای از مباحث پسا ساختارگرایی در حوزه‌ی جنسیت مطرح کردند. از نگاه آنان، در فمینیسم به‌عنوان یک نظریه‌ی اجتماعی، ابتدا تنها مسئله‌ی جنسیت مطرح بود؛ اما اندکاندک به یکی از مسائل مهم در حوزه‌ی زبان تبدیل شد که از زیر مجموعه‌های پارادایم پسا ساختارگرایی محسوب می‌شود. آنان به‌نوعی، رویکرد جنسیتی را به حوزه‌ی فلسفه وارد کرده و به نفی دوگانه‌ی زن و مرد پرداختند. دریدا با به‌چالش کشیدن منطق کلامی



فلسفه‌ی غرب، نوعی واسازی و از نو بنا نهادن را در پسا ساختارگرایی مطرح کرد. در ادامه دکتر علی‌اکبرزاده، پژوهشگر فلسفه به جریان پسا ساختارگرایی و دیدگاه چهره‌های شاخص این حوزه اشاره کرد و گفت: ساختارگرایی جریانی است که با فیلسوفان و اندیشمندانی مانند میشل فوکو، ژاک دریدا و دیگران شناخته شده و در حوزه‌های مختلف فکری و علمی مانند ادبیات، تاریخ، فلسفه و مطالعات اجتماعی تأثیرگذار بوده است. این جریان که ادامه و واکنشی در برابر ساختارگرایی بودن است در فرانسه شکل گرفت و کم‌کم در کشورهای دیگر نیز خود را تسری داد. این نگرش به‌شدت با بنیان‌گرایی و تعیین و هر گونه ثباتی در حوزه‌ی معنا و دیگر حوزه‌ها مخالف است و حیات و پویایی را در تغییر مستمر و مداوم و نفی هرگونه مفهوم متعالی و مرکزی می‌بیند. ایده‌ی ساخت‌گشایی یا ساختار شکنی از دل همین جریان بیرون آمده و به حوزه‌ی فمینیسم هم گسترش یافته است.

علی‌اکبرزاده گفت: دریدا به‌عنوان شاخص‌ترین فرد این جریان به‌خاطر تمرکززدایی از نگرش‌های مردانه و نفی جنسیت‌گرایی به نفع مردان، مورد توجه فمینیست‌ها قرار گرفته است. او نگرش مردسالارانه را رد می‌کند چرا که اساساً هرگونه دوگانه‌انگاری مانند زن و مرد و ... را نمی‌پذیرفت. ایریگاری دیگر فیلسوف فمینیست پسا ساختارگر نیز معتقد بود، گرایش مردانه‌ی زبان مانع از شکل‌گیری هویت مستقل زنانه است و باید برای رفع این تبعیض، زبانی زنانه ایجاد کرد. زبان مردانه باید تمرکززدایی و ساخت‌گشایی شود.





کریستوا نیز معتقد بود باید نظم موجود در تفکیک زن و مرد را باید بر هم زد. این نظم عقلانیت را انحصاری کرده و تکنوکراسی و فن‌سالاری را حاکم کرده است. زبان مسلط بر تکنوکراسی هم زبان مردانه و نره‌سالاری است. این نظم و سلطه باید بر هم بخورد و کارکردهای متنوع ایجاد شود و زبان مسلط مردانه کنار رود. وی افزود: پس‌اساختارگرایی جریانی است که با فیلسوفان و اندیشمندانی مانند میشل فوکو، ژاک دریدا و دیگران شناخته شده و در حوزه‌های مختلف فکری و علمی مانند ادبیات، تاریخ، فلسفه و مطالعات اجتماعی تأثیرگذار بوده است. این جریان که ادامه و واکنشی در برابر ساختارگرایی بودن است، در فرانسه شکل گرفت و کم‌کم در کشورهای دیگر نیز خود را تسری داد.

این نگرش به‌شدت با بنیان‌گرایی و تعیین و هر گونه ثباتی در حوزه‌ی معنا و دیگر حوزه‌ها مخالف است و حیات و پویایی را در تغییر مستمر و مداوم و نفی هرگونه مفهوم متعالی و مرکزی می‌بیند. ایده‌ی ساخت‌گشایی یا ساختارشکنی از دل همین جریان بیرون آمده است و به حوزه‌ی فمینیسم هم گسترش یافته است.

## انتصاب‌ها

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طی احکامی جداگانه،  
دکتر سیده زهرا اجاق را به‌عنوان سرپرست پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات و  
تحقیقات اسناد فرهنگی آسیا،

دکتر آریتا افراشی را به‌عنوان سرپرست پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری،

دکتر علیرضا منجمی را به‌عنوان سرپرست پژوهشکده‌ی مطالعات فلسفی و تاریخ علم،

دکتر سیدروح‌الله شهابی را به‌عنوان سرپرست پژوهشکده‌ی اخلاق و تربیت،

دکتر سیروس نصرالله‌زاده را به‌عنوان سرپرست پژوهشکده‌ی زبان‌شناسی،

دکتر علی‌رضا شعبانلو را به‌عنوان سرپرست پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات،

دکتر نیره دلیر را به‌عنوان سرپرست پژوهشکده‌ی تاریخ ایران،

دکتر امید طبیب‌زاده، به سمت «سرپرست گروه گویش‌شناسی»،

دکتر ابراهیم التجائی را به‌عنوان سرپرست پژوهشکده‌ی اقتصاد،

دکتر موسی نجفی را به‌عنوان سرپرست پژوهشکده‌ی اندیشه‌ی سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی،

دکتر منصور ساعی را به سمت «سرپرست گروه ارتباطات و علم و فناوری،

دکتر سعید ناجی را به سمت «سرپرست گروه مطالعات فکری‌پروری کودک و نوجوان»

منصوب کرد.

## تمثیل‌های مشترک مثنوی و غزلیات شمس

سخنرانی دکتر زهرا حیاتی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه با موضوع «تمثیل‌های مشترک مثنوی و غزلیات شمس» روز ۱۸ بهمن‌ماه ۱۳۹۹ برگزار شد.



دکتر حیاتی در ابتدای سخنانش با تأکید بر این‌که در همه‌ی تعریف‌ها و دسته‌بندی‌هایی که از تمثیل ادبی شده است، گفت: یک زیربنای واحد؛ یعنی اشتراک ساختار تشبیهی در گونه‌های مختلف تمثیل وجود دارد و دو وجه تمایز خودنمایی می‌کند؛ ۱- پیوند تمثیل با روایت داستانی؛ ۲- استوار بودن تمثیل بر بلاغت ادبی (تمثیل بلاغی). از تمثیل‌های داستانی و روایی که بگذریم، پیوند تمثیل با تشبیه بلاغی ما را به بحث تمثیل بلاغی می‌رساند که نقطه‌ی تلاقی عرفان و ادبیات نیز هست و اصلاً یکی از خاستگاه‌های این تمثیل‌ها، متون دینی است.

حیاتی افزود: بلاغیون تمثیل را در دایره‌ی تشبیه جای داده‌اند و تفاوت آن با تشبیه این است که در تمثیل، وجه شبه مفرد و واحد نیست و از چند چیز متعدد تشکیل شده است؛ هم‌چنین عقلانی است و کمتر به واقعیت نزدیک است؛ و نیز، آشکار نیست و به تفسیر و تأویل مخاطب هم منوط است. به‌هرروی، کاربرد تمثیل در ادبیات عرفانی بسامد بالایی دارد؛ زیرا شاعر یا نویسنده، ناگزیر است مفاهیم دشوار عرفانی را از طریق معادل قراردادن با امور محسوس و قابل فهم، تفهیم کند. برای مثال، مولوی می‌خواهد این مسئله را به ما بگوید که: «انسان‌های ناآگاه، فریب مدعیان دروغینی را می‌خورند که به کسوت ارشاد درآمده‌اند و به آنان می‌گروند». او برای بیان این مطلب از یک مشبه‌به حسی مرکب بهره می‌برد و می‌گوید: «پرندۀ بی‌تجربه هم فریب آواز صیادی را می‌خورد که به آواز پرندگان شباهت دارد و به‌سوی او پرواز می‌کند»؛ هر خسی دعوی داودی کند/ هر که بی‌تمیز، کف در وی زند / از صیادی بشنود آواز طیر/ مرغ ابله می‌کند. آن سوی سیر (۲۵۶۴/۳) می‌توان این پرسش را مطرح کرد که منظور از تمثیل‌های مشترک مثنوی و غزلیات شمس کدام نوع تمثیل است؟ تمثیل‌های داستانی و روایی؟ یا تمثیل‌های بلاغی و اقناعی؟ آشکار است که در مثنوی مانند دیگر آثار تعلیمی، تفکر تمثیلی غالب است و مولوی مانند سنایی و عطار، برای انتقال تجربه‌های انتزاعی، شهودی و معنوی، از هر دو گونه تمثیل بهره برده است؛ هم تمثیل بلاغی و اقناعی؛ هم تمثیل‌های داستانی و روایی. اما قالب غزل و نوع ادب غنایی، تمثیل روایی را بر نمی‌تابد و در این پژوهش، تمثیل‌های روایی کنار می‌روند. بسامد بالایی تمثیل‌های مشترک مثنوی و غزلیات شمس به تمثیل‌های کوتاه اقناعی مربوط می‌شود که گاه در قالب غزل به شکل اولیه‌ی خود، یعنی تشبیه برمی‌گردد.





وی ادامه داد: برای مثال، تصویرهایی که در مثنوی با عناصر آهن و آینه ساخته شده‌اند، این معنی و معانی مشابه را بیان می‌کنند که انسان تا زمانی که همه‌ی اوصاف ناشایست را از وجود خود پاک نکند، به اخلاق ربانی و اوصاف الهی آراسته نمی‌شود؛ همان‌طور که آهن تا زمانی که زنگارش زدوده نشود، به آینه تبدیل نمی‌شود.

پاک کن خود را ز خود هین یک‌سری در ریاضت آینه‌ی بی‌زنگ شو تا ببینی ذات پاک صاف خود (۱/ ۳۴۵۸)	گر ز نام و حرف خواهی بگذری هم‌چو آهن ز آهنی بی‌رنگ شو خویش را صافی کن از اوصاف خود
---	--

در مثنوی که یک اثر تعلیمی است، مولانا به‌عنوان یک معلم از این مضمون که «انسان باید ریاضت بکشد تا به صفای درون برسد، همان‌طور که آهن باید صیقل خورد تا به آینه تبدیل شود»، به‌عنوان یک موضوع مورد تعلیم با مخاطب (تو) سخن می‌گوید. تصویر ادبی این شعر یک امر غایب است که و لحن مولانا، تجویزی و ترغیبی و سرشار از جملات امری است. اما همین معنی و همین تصویر، در غزلیات شمس که ذیل ادبیات غنایی است، خطاب به خود (من) یا در وصف من شاعر بیان می‌شود و لحنی انشایی و انگیزشی عاطفی دارد و در غزلی می‌گوید:

دلا در بوت‌هی آتش در آ مردانه بنشین خوش که از تأثیر این آتش، چنان آئینه شد آهن	و در غزلی دیگر می‌گوید:
---	-------------------------

آهنی‌ام ز عشق تو، خواسته نور آینه	آتش و زخم می‌خورد، چون که صفا بخواستم
-----------------------------------	---------------------------------------

هم‌چنین است درباره‌ی آهن و آهن‌ریا. در مثنوی از این امر سخن می‌رود که هرچیزی در جهان، هم‌سنخ خود را جذب می‌کند و به تعبیر مولوی، آن را سوی خود می‌کشد؛ چنان‌که آهن‌ریا، آهن را می‌کشد و کهربا، که را، و از این طریق، عیار هر آدمی شناخته می‌شود، چنان‌که کفر، کافر را می‌کشد، و رشد (راه راست) مرشد را.

در جهان، هرچیز، چیزی می‌کشد کهربا هم هست و مغناطیس هست برد مغناطیست از تو آهنی	کفر کافر را، مرشد را رُشد تا تو آهن یا کهی، آبی به شست ورکهی بر کهربا برمی‌تنی (۴/ ۱۶۳۳)
--	--

اما در غزلیات که رابطه‌ی انسان و جهان و رابطه‌ی انسان و خدا نه از یک معلم منبرنشین، بلکه از نگاه یک عاشق شیدا بیان می‌شود، افعال در محور جانشینی تغییر می‌کنند و این بار مولوی به‌جای این‌که بگوید در جهان هر چیز، چیزی را می‌کشد و جذب می‌کند، می‌گوید در جهان هرچیز به دنبال چیزی دوان است. تفاوت کشیدن به‌معنای جاذب‌بودن و جذب‌کردن با دوان‌بودن به‌معنای مجذوب‌بودن و مشتاق‌بودن، یکی از تفاوت‌های سبک بلاغی در ادبیات تعلیمی و غنایی است.

جمله خیالات جهان، پیش خیال او دوان	مانند آهن پاره‌ها، در جذبه‌ی آهن‌ریا
------------------------------------	--------------------------------------

تفاوت فعل دوان‌بودن و کشیدن، علاوه بر این‌که تفاوت دیدگاه و جهان‌بینی شاعر ادبیات تعلیمی را با شاعر غنایی نشان می‌دهد، تفاوت‌های دیگری را هم در ساختار ایماژ ادبی نشان می‌دهد و به‌کاربردن فعل و کنش انسانی دوان‌بودن برای آهن‌پاره‌ها، ما را به شگرد ادبی تشخیص توجه می‌دهد؛ یعنی همان مضمون و همان تصویر تمثیل‌ساز مثنوی در غزلیات شمس یک تشخیص را ساخته و پرداخته است. در نمونه‌ی مشابه در غزلی دیگر، آهن از جذبه‌ی آهن‌ریا سبک‌سار است و سبک‌ساری می‌کند:

خروش و جوش هر مستی ز جوش خم «می» باشد	سبک‌ساری هر آهن ز تو آهن ربا باشد
---------------------------------------	-----------------------------------



## نقد و بررسی رمان «قوها انعکاس فیل‌ها»

نشست علمی نقد و بررسی رمان «قوها انعکاس فیل‌ها» در روز چهارشنبه، سیزدهم اسفندماه ۱۳۹۹ به میزبانی پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با همکاری انجمن ایرانی زبان و ادبیات فرانسه به صورت مجازی برگزار شد. سخنرانان این نشست دکتر حمیدرضا شعیری، منتقد آثار هنری و ادبی و استاد دانشگاه تربیت مدرس و دکتر فرانک جهانگرد، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بودند. رمان «قوها انعکاس فیل‌ها» اثر پیام ناصر در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده و در همان سال جایزه‌ی «احمد محمود» را دریافت کرد.

دکتر شعیری، سخنران نخست نشست، در بررسی این اثر گفت: نام این رمان از تابلوی مشهور «سالوادور دالی» با عنوان «قوها فیل‌ها را منعکس می‌کنند» گرفته شده است. روایت، مبنای حرکت خود را از تابلو آغاز می‌کند. در طول روایت آقای ناصر این تصویر پخش و متکثر می‌شود و در پایان نویسنده آن را جمع می‌کند؛ این مسئله از نکته‌های جذاب روایت است.



بین زبان این اثر و تصویر تابلو ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. «دالی» ما را با جهانی دولبه مواجه می‌کند. ما بر لبه‌ی چنین جهانی ایستاده‌ایم. یک لبه‌ی این جهان، سبک و سفید و لبه‌ی دیگر آن سنگین و پایدار است. در تصویر دالی، قوها در لبه‌ی سبک و در حال تلاطم و حرکت هستند و فیل‌های لبه‌ی سنگین برای تثبیت خود تلاش می‌کنند. لبه‌ی سبک رهایی است و ما را به بالا هدایت می‌کند و تمرینی برای سبکی است. لبه‌ی سنگین ما را به پایین و به افتادن و سقوط دعوت می‌کند. در تابلوی دالی بال‌های قو، گوش‌های فیل را می‌سازند و گردن قوها، خرطوم فیل‌ها را و درختان پاهای فیل‌ها را که انعکاسی از فضا در فضا و از وجود در وجود مشاهده می‌شود. از ضرب وجود در وجود چیزی به دست می‌آید که تلاطم هستی است. در تابلو انسانی پشت به درختان ایستاده و روبه‌روی او فضایی تاریک قرار دارد، به گونه‌ای که اگر به عقب برگردد، به دریاچه می‌افتد و اگر به جلو رود پرتاب می‌شود.

شعیری تأکید کرد: در همه‌ی تابلوهای دالی درختان خشکیده نماد تخیلی از زندگی‌اند، که به‌طور هم‌زمان حرکت و انجماد را نشان می‌دهند؛ حرکتی که در عین حال درهم می‌پیچد و زنجیر می‌شود، ایستا و منجمد است. دالی جهانی دوگانه و وضعیتی دوگانه را به تصویر می‌کشد. این جهان دوپل و دوگانه در طول رمان تکرار می‌شود. نمونه‌ی آن را در توصیف تابلوی بشارت و حتی در نام «نورا» می‌توان دید. نورا کسی است که مقابل پرتو نور قرار می‌گیرد؛ گویا نورا و نور در تقابل با هم قرار دارند. دوگانه‌بودن راوی و دالی، کدام یک شبیه دیگری نقاشی می‌کند؟ در کتاب به این نکته اشاره شده که هر آدمی، یک اثر هنری و یک نقاشی است، بنابراین هر آدمی دوپل است که حتی راوی خودش را هم مانند نقاشی آبستره می‌داند.



وی ادامه داد: انعکاس در طول متن راوی وجود دارد و ما را رها نمی‌کند. انعکاس شخصیت‌ها، انعکاس نورا، انعکاس زبان در هستی و هستی در تصویر و انعکاس زمان در زمان (زمان گذشته همواره در زمان حال جاری است). همه‌ی اینها نشان می‌دهد که هستی چیزی جز انعکاس نیست! چیزی که ما آن را جایی دیده و نسبت به آن واکنشی نشان داده‌ایم. بارها در کتاب این نکته آمده است که ذات زندگی در تقابل شکل می‌گیرد؛ جاودانگی و زوال شانه‌به‌شانه پیش می‌روند. فرشته‌بودن و شیطان‌بودن همراه هم هستند. هیچ چیز با هیچ چیز، همه‌چیز است. زیبایی و ماندگاری هم یک وضعیت دوگانه و متضاد می‌سازند و بالاخره جنون و آگاهی، این دو همواره دوپل و در عین حال متضادند و به هم نیاز دارند. آگاهی به جنون نیاز دارد و بالعکس. شعیری توضیح داد: این کتاب یک داستان پرسش‌گر است. تقریباً در هر صفحه یک پرسش هستی‌شناختی مطرح می‌شود؛ راوی بی‌آن‌که پاسخ مستقیمی به پرسش‌ها بدهد، تنها پیشنهادهاتی برگرفته از تجربه‌ی خود را مطرح می‌کند. سؤال و پرسش هستی‌شناسانه‌ی کتاب این است که هنرمند در کجای هستی ایستاده است؟ بر کدام لبه؟ لبه‌ی واقعیت یا خیال؟ ایستادن بر لبه باعث می‌شود گاه به عالم خیال و گاه به عالم واقعیت پرت شود. پرسش اساسی دیگری که مرتب در کتاب مطرح می‌شود درباره‌ی مرز بین جنون و آگاهی است. این مرز هم چنان که بسیار ضعیف است، بسیار طولانی است. ما کجای این مرز ایستاده‌ایم؟ هنرمند کجا ایستاده است؟ راوی کجاست؟ مرز زمان هم مطرح می‌شود: زمان گذشته و حال. راوی جستجوگر است. او در جستجوی چیست؟ دو نوع زمان را جست‌وجو می‌کند؛ یکی زمان تخیل و واقعیت و دیگری زمان گذشته و حال را. سه زمان گذشته، حال و آینده زمان‌های گرامری و دستوری‌اند. اما زمان دیگری هم داریم با عنوان «زمان بزنگاه» که زمان دستوری نیست. یکی از مسائل مهم کتاب همین زمان بزنگاه و در بزنگاه زمان بودن است. در تصویر تابلوی دالی درست است که کسی ثابت ایستاده، اما در لبه‌ی قو و فیل بودن، زمان بزنگاه است. در ابتدای کتاب هم از آن سخن می‌رود؛ جایی که راوی مورد حمله‌ی زن خشمگین قرار می‌گیرد.

شعیری توضیح داد: ویژگی‌های زمان بزنگاه را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: این زمان گسستی، لحظه‌ای و ناگهانی است؛ ناگهان از جایی کنده می‌شود و شکل می‌گیرد. زمان عزلت و انزوای خاص است، چرا که چیزی شبیه آن، نه قبلاً بوده و نه بعداً خواهد بود. زمان منحصر به فردی است که فشاری شدید و یا شوکی نامنتظر ایجاد می‌کند چون هیچ آمادگی‌ای برای ورود به آن نداریم. این زمان جهش دارد، از عادت و تکرار گریزان و محصول درخشش است. دارای فوریتی است که نمی‌توان جلوی آن را گرفت. قابل معامله نیست. مانند بارقه عمل می‌کند؛ پیوستگی ندارد، اما تعددپذیر است. ممکن است بارها اتفاق بیفتد. نامنظم است. اگر به جهان دالی ورود پیدا کنیم، همه‌ی تابلوهای او چنین ویژگی‌ای دارند. در زمان بزنگاه، چیزی در روح و جسم ما حک می‌شود؛ مانند جای زخمی که در طول روایت بر سر راوی حک شده و از بین نمی‌رود. زمان بزنگاه دارای قدرت و استقلال است، وابسته به چیزی نیست. ما توسط آن ربوده می‌شویم. بنیادین است، بنیان «رخداد» جدید به زمان بزنگاه وابسته است. شروعش در پایانش و پایانش در شروعش است. دارای ریتم کوشی است. پرتاب از درون به بیرون است. ابتدا از

پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
با همکاری انجمن ایرانی زبان و ادبیات فرانسه برگزار می‌کند:

مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی  
انجمن ایرانی زبان و ادبیات فرانسه

نشست علمی تدریس‌رسان

# «قوها انعکاس فیل‌ها»

**سفرانان:**  
**دکتر حمیدرضا شعیری**  
**دکتر فرانک جهانگرد**

**با حضور نویسنده اثر:**  
**پیام ناصر**

زمان: چهارشنبه ۱۳ اسفندماه ۱۳۹۹ ساعت: ۱۴ تا ۱۶

**لینک پیوست به نشست:**  
<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-tdt-way>



درون منقلب و سپس متوجه بیرون می‌شویم. بقیه زمان‌ها برعکس‌اند. دکتر شعیری در خاتمه‌ی سخنانش گفت: زمان بزنگاه زمان غافلگیری است. راوی بزنگاه را در جاهای مختلف کتاب تجربه می‌کند. زمان‌هایی که نمی‌توان برای آن‌ها علت و معلول یا شناخت و وضعیت شناختی در نظر گرفت. جهان روایت قوها جهان ماندن و سقوط و جهان ادامه و استمرار یا فروپاشی است. روایت بندباز کوری است که یک پایش بر لبه‌ی بام و پای دیگرش بر سیم فلزی است، در لحظه‌ی جدا شدن از بام، در زمان بزنگاه قرار دارد و آماده‌ی سقوط است و هم‌زمان «بر دو لبه بودن» را تجربه می‌کند. در بخش دوم نشست دکتر فرانک جهانگرد رمان «قوها انعکاس فیل‌ها» را بر اساس نقد اسطوره‌ای و کهن نمونه‌ای بررسی کرد. در این بخش دیدار راوی با نورا؛ بانوی درخشان، از جنس دیدار دانه با بناتریس در کمندی الهی و راوی با زن اثری در بوف کور صادق هدایت، دیداری با آنیما؛ نیمه‌ی دیگر وجود و یا به تعبیر



دکتر پورنامداریان دیدار با فرشته خوانده شد. این دیدار شبانگاه، زیر نم باران و در سرما، که همگی از نمادهای زنانه هستند، اتفاق می‌افتد و مسیر زندگی راوی را تغییر می‌دهد. نورا در حالت عدم تعادل بر راوی رخ می‌نماید. در گفت‌وگوی کوتاه آن‌ها، نه بر معلومات و دارایی‌های راوی، که بر ندانسته‌ها و نداشته‌های او انگشت می‌گذارد، چیزی که مبنای سفر راوی در زندگی و در عالم خیال می‌شود. راوی در زندگی دوگانه‌اش در واقعیت و در عالم خیال با شخصیت‌هایی همراه می‌شود که در تمام مسیر داستان با او هستند و غیبت هر دسته با ظهور دسته دیگر همراه است.

دکتر جهانگرد ادامه داد: کلید درک این بخش از رمان را می‌توان در نام شخصیت‌ها یافت، نام‌هایی که بادقت انتخاب و بر شخصیت‌ها نهاده شده است. عالم خیال با سمیر (که در لغت به معنای مرد افسانه‌گوی است)، هنر، فال‌بینی ... و عالم واقعیت با پایان‌یافتن دوران دانشجویی راوی و کار گرفتن و اجاره‌کردن خانه، در هم تنیده می‌شود.

وی توضیح داد: روایت اصلی داستان، خرده روایت‌هایی هم وجود دارند که بن‌مایه‌ی اسطوره‌ای دارند. راوی پس از پایان تحصیلات خانه‌ای اجاره می‌کند که خود آن را غار می‌نامد و کاری پیدا می‌کند در اتاقی کوچک و بی‌روغن و به آن نام تابوت می‌دهد. او حرکت خود از غار به تابوت را حرکتی بین بدویت و مرگ می‌خواند. بن‌مایه‌ای که یادآور اسطوره «سزیف» است. در بخشی دیگر از رمان از نقاشی سخن می‌رود که تابلوهای خود را در محل گودبرداری ساختمان‌ها می‌کشد و به این شکل آن‌ها را نابود می‌سازد. این نقاش یادآور ایزدان آفرینش در فرهنگ‌های مختلف است که آفریننده و در عین حال از بین‌برنده‌ی موجودات هستند.



## هفدهمین نشست کمیته‌ی طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور

هفدهمین نشست کمیته‌ی «طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور» در تاریخ دوم اسفندماه ۱۳۹۹، خورشیدی به صورت مجازی و حضوری با مشارکت جمعی از استادان حوزه‌ی علوم انسانی، اعضای کمیته‌ی علمی طرح جامع اعتلاء برگزار شد.

در ابتدای نشست، دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه، ضمن تبریک مناسبت‌های مبارک ماه رجب، میلاد حضرت امام علی (ع) و مبعث حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص)، از تلاش‌های دست‌اندرکاران دبیرخانه‌ی طرح جامع اعتلاء قدردانی کرد و در ادامه موضوع کتاب‌های منتشرشده در طرح اعتلاء را مورد اشاره قرار داد و درباره‌ی اهمیت و جایگاه برخی از این آثار نکاتی را بیان کرد. رئیس طرح جامع اعتلاء در ادامه بر موضوع ضرورت توجه به سایر خروجی‌های طرح جامع اعتلاء و اتخاذ راه‌های گوناگون ترویجی‌سازی یافته‌ها و خروجی‌های مجموعه‌ی طرح‌ها تأکید کرد و افزود: برگزاری جلسات علمی و نشست‌های نخبگانی از جمله اقداماتی است که باید در راستای انتشار آثار صورت گیرد. از دیگر اقدامات مهم در این راستا توزیع گزارش‌های راهبردی و توصیه‌های سیاستی به نحو مقتضی در جامعه‌ی علمی و مهمتر از آن رساندن این دست خروجی‌ها به ذی‌نفعان در سراسر کشور است.

وی در پایان سخنانش بر ضرورت استمرار فرآیند انتشار طرح‌ها در قالب کتاب تأکید کرد و گفت: به فضل پروردگار و با تداوم همکاری معاونت اداری، مالی و مدیریت منابع و هم‌چنین معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی، خصوصاً انتشارات پژوهشگاه رشد خروجی‌های طرح‌ها در سال آینده نیز ادامه خواهد یافت. در ادامه مدیر نشست و دبیر کمیته علمی، دکتر فرهاد زیویار، برنامه‌ی رونمایی از ۸ اثر منتشر شده در طرح جامع اعتلاء را اعلام کرد. هشت کتاب رونمایی شده به این شرح هستند:

- ۱- کتاب علوم انسانی و مسئله‌ی تأثیر اجتماعی؛ اثر دکتر مقصود فراستخواه، استاد مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
- ۲- اخلاق در زندگی کنونی و شرایط اخلاقی پیشرفت و اعتلای علوم انسانی؛ اثر دکتر رضا داوری اردکانی، استاد دانشگاه تهران و رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران
- ۳- تائلم نظر و عمل در تلقی از علوم انسانی به مثابه فرونیسیس؛ اثر دکتر مهدی معین‌زاده، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی





- ۴- تعامل حوزه‌ی علمیه با رشته‌های علوم انسانی؛ اثر دکتر عبدالمجید مبلغی، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۵- پیش‌درآمدی بر مسئله‌شناسی علوم اجتماعی در ایران؛ اثر دکتر سیدمحمد رضا امیری طهرانی‌زاده، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۶- نگاهی انتقادی به علوم اجتماعی در ایران (آموزش، مهارت و اشتغال) نویسندگان: دکتر محمدسالار کسرابی؛ دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دکتر آتنا غلام‌نیارمی؛ پژوهشگر مطالعات اجتماعی.
- ۷- علم تربیت در ایران (بازخوانی نود سال آموزش علوم تربیتی در ایران)؛ اثر دکتر سیدروح‌الله شهابی، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۸- بازخوانی هشتاد و دو سال آموزش رشته‌ی باستان‌شناسی در ایران (تأسیس، توسعه، اشتغال) اثر دکتر مهسا ویسی، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- گفتنی است سه طرح پایانی در ذیل مسئله‌ی مهم برنامه‌ریزی آموزش عالی و نسبت آن با مهارت و اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های علوم انسانی طراحی و منتشر شدند.
- در ادامه‌ی مراسم رونمایی، دکتر یحیی فوزی، جانشین رئیس در طرح جامع اعتلاء و رئیس دبیرخانه‌ی طرح، درباره‌ی هر یک از آثار رونمایی شده توضیحاتی بیان کرد و مهمترین ویژگی‌های هر یک از طرح‌ها را برشمرد. وی در بخش دوم صحبت‌های خود به ارائه‌ی توضیحاتی اجمالی از دیگر خروجی‌های طرح‌ها و موضوع اثربخشی طرح جامع اعتلاء پرداخت. فوزی ضمن اشاره به موضوع اثربخشی برون‌نهادی یا برون‌دانشگاهی، به انتشار مقالات علمی-پژوهشی و هم‌چنین گزارش‌های راهبردی مستخرج از طرح‌ها، تأکید کرد: برای رفع خلاءها و کاستی‌های موجود در حوزه‌ی اثربخشی، دبیرخانه‌ی طرح اعتلاء نیازمند همراهی و همکاری کل پژوهشگاه و به‌عبارتی عزم راسخ پژوهشگاه برای حرکت در این مسیر است. حرکت مجموعه‌ی معاونت‌های پژوهشگاه، خصوصاً معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی، هم‌چنین روابط عمومی پژوهشگاه و دیگر بخش‌ها برای موضوع ترویجی‌سازی دستاوردها و تلاش برای اثربخشی طرح‌ها بسیار مؤثر است. برقراری ارتباط با حوزه‌های مختلف سیاست‌گذارانه و نهادها و مؤسسات ذی‌ربط از یک‌سو و ارتقای آگاهی جامعه و هم‌چنین ارتباط با حوزه‌ی آموزش اعم از آموزش عالی و آموزش و پرورش از سوی دیگر، همه نیازمند برقراری ارتباط در سطوح گوناگون با بخش‌های مختلف جامعه و همکاری متمرکز همه‌ی اعضای پژوهشگاه در این زمینه است. دکتر فوزی در پایان سخنانش از اعضای کمیته علمی تقاضا کرد تا پیشنهادهای سازنده و مؤثر خود را در زمینه‌ی موضوع «راهکارهای ارتقای اثربخشی طرح‌ها» به دبیرخانه ارائه کنند.
- بخش بعدی نشست به گزارش آماری وضعیت طرح‌ها در سال جاری و مقایسه آن با سال‌های گذشته و هم‌چنین ارائه چشم‌انداز انتشار طرح‌ها در سال آینده اختصاص داشت که توسط دکتر زیویار ارائه شد. وی ضمن اشاره به این‌که تا پیش از سال ۱۳۹۹ تنها ۳ طرح از مجموعه طرح‌های طرح جامع اعتلاء، امکان انتشار در قالب کتاب را داشتند، افزود: انتشار ۸ عنوان کتاب تا نیمه زمستان ۱۳۹۹ که احتمالاً تا پایان سال این تعداد افزایش هم خواهد داشت، نشان از رشد بالای خروجی‌های طرح جامع اعتلاء دارد. بر اساس برآورد آماری صورت‌گرفته در حال حاضر ۱۴ اثر نیز در مراحل گوناگون انتشارات قرار دارند، و چنان‌چه حمایت‌های لازم هم‌چنان تداوم داشته باشد، در نیمه‌ی نخست سال ۱۴۰۰ می‌توانیم شاهد انتشار این آثار باشیم. در همین راستا بیش از ۹ طرح دیگر نیز از سوی مجریان طرح‌ها تحویل دبیرخانه شد که مراحل داوری خود را می‌گذارند و به‌زودی برای چاپ به واحد انتشارات ارسال خواهند شد.
- بخش دوم نشست کمیته‌ی علمی بر اساس روال معمول به بررسی طرح‌نامه‌ی پیشنهادی از سوی مجریان اختصاص داشت. این طرح‌نامه‌ها پیشتر مراحل بررسی و داوری‌های لازم را در «کارگروه‌های تخصصی طرح جامع اعتلاء» طی کرده و هم‌چنین «کمیسیون تخصصی کمیته علمی» نیز نظرات خود درباره‌ی آن‌ها را ارائه کردند. در زمان ارائه‌ی طرح‌نامه در کمیته‌ی علمی، رئیس کارگروه مربوطه درباره‌ی طرح‌نامه پیشنهادی و فرآیندهای طی شده درباره‌ی آن و هم‌چنین امتیازات طرح، توضیحات لازم را برای اعضای کمیته ارائه می‌کنند.
- چهار طرح‌نامه‌ای که در این نشست کمیته‌ی علمی بررسی شدند، همه به کارگروه تخصصی کاربردی مسائل علوم انسانی اختصاص داشت و دکتر عبدالرحمن حسینی فر به‌عنوان رئیس کارگروه مربوطه درباره‌ی هر یک از این طرح‌ها توضیحات لازم را بیان کرد.

## آموزش کدام زبان فارسی: سواد در عصر واگرایی

سخنرانی مجازی «آموزش کدام زبان فارسی: سواد در عصر واگرایی» با سخنرانی دکتر حسین سامعی، استاد دانشگاه اموری امریکا، به همت انجمن زبان‌شناسی ایران و با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و بنیاد سعدی ۲۶ بهمن ۱۳۹۹ برگزار شد.



در ابتدای نشست، دکتر شهین نعمت‌زاده، رئیس انجمن زبان‌شناسی ایران، گفت: انجمن زبان‌شناسی بنا دارد از فرصت برگزاری نشست‌های مجازی برای دیدار منظم با زبان‌شناسان بهره‌برد. وی در ادامه به معرفی دکتر سامعی پرداخت و افزود: دکتر سامعی، دکتری زبان‌شناسی از دانشگاه تهران، متخصص حوزه‌ی صرف و یکی از سه مؤلف فرهنگ هزاره و فرهنگ اصطلاحات دوره‌ی قاجار است که پیشتر عضو شورای واژه‌گزینی فرهنگستان نیز بوده است و اینک در دانشگاه اموری به تدریس زبان فارسی و زبان‌شناسی مشغول هستند.

در ادامه دکتر سامعی سخنرانی خود را این‌گونه آغاز کرد: موضوع سخنرانی از یک تجربه‌ی شخصی شروع و به یک سؤال عمومی که تلاش می‌شود به آن پاسخ داده شود، منتهی می‌شود. وی افزود: بیست سال قبل برای تدریس زبان فارسی به دانشگاه اموری دعوت شد. اولین مسئله‌ای که به‌عنوان مدرس زبان فارسی مطرح بود، این بود که کدام زبان فارسی را باید آموزش دهد. زبان فارسی ادبی، زبان فارسی روزمره، زبانی که در ایران صحبت می‌شود یا زبان فارسی که در دیگر نقاط صحبت می‌شود؟ دانشگاه دستورالعمل مشخصی برای تدریس ندارد و از نظر آن‌ها یک زبان فارسی وجود دارد. در ابتدا تصورشان اولویت زبان فارسی، زبان فارسی ادبی و کلاسیک بود اما بعد متوجه شدند که چنین چیزی نیست و زبان برای ایجاد ارتباط در اولویت است. دکتر سامعی گفت: «جان پری» در سال ۲۰۱۲ مقاله‌ای منتشر کرد که در آن به شکل‌گیری زبان فارسی به‌عنوان زبان عمومی و زبان مشترک در منطقه‌ی وسیعی از آسیا می‌پردازد. از ابتدا شروع می‌کند و می‌گوید، چه عواملی در شکل‌گیری این زبان مشترک مؤثر بودند. از خود زبان عربی گرفته تا مسلمان شدن ایرانی‌ها تا اختیار خط عربی و همه این مباحث. و در نهایت به یک زبان عمومی مشترک می‌رسد. وی از اصطلاح «هوموگلاسیا» برای زبان فارسی در دوره بعد از گسترش آن استفاده می‌کند، اصطلاحی که در زبان‌شناسی به‌کار نرفته است. می‌شود آنرا تک‌زبان‌گونگی یا تک‌زبانی و هم‌زبانی خواند. مقاله‌ی دیگری هست که «برایان اسپونر» با عنوان «فارسی، دری و تاجیکی» می‌نویسد. وی در این مقاله بحث می‌کند که چه‌گونه زبان مشترک فارسی از قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی به بعد، شروع به تجزیه و تفرقه می‌کند و از هم‌زبان‌گونگی «پری» دور می‌شود. در



نهایت از تغییر زبان فارسی در هند به دست انگلیسی‌ها گرفته تا وضعیت آموزش زبان فارسی در امریکا را مطرح می‌کند.

دکتر سامعی افزود: یک دوره‌ی هم‌گرایی داریم که زبان فارسی از چین مرکزی در شرق و تا اروپای شرقی در بوسنی شکل می‌گیرد. زبانی است به‌شدت باز، شبیه انگلیسی امروز. همه چیز را جذب می‌کند و زبان سواد می‌شود. البته با آن گفت‌وگو می‌کنند اما زبان مکتوب و کاربردی است. و این زبان، زبان ادب و زبان فرهنگ والا می‌شود. از این‌رو، سواد و آموزش در مورد این زبان اهمیت می‌یابد. دوره‌ی واگرایی زبان فارسی دوره‌ای است که زبان فارسی به تدریج به شعبه‌های مختلفی تقسیم می‌شود. حضور غربی‌ها در منطقه و حوادث تاریخی به این واگرایی کمک می‌کند و الان در این عصر واگرایی هستیم.

دکتر سامعی درباره‌ی وضعیت تاریخی آموزش زبان فارسی در دوره‌ی ماقبل مدرن، دوره‌ی هم‌گرایی در منطقه‌ی وسیعی مثل ایران هند، آناتولی و افغانستان امروز و آسیای مرکزی گفت: زبان فارسی در این دوره زبان ارتباط و فرهنگ و زبان مشترک بوده است. در کنار تمام زبان‌های محلی و همراه آن‌ها آموزش داده می‌شده است. خط و زبان و فرهنگ و فنون ادبی آموزش داده می‌شده است. عموماً مکتب‌خانه‌ها و مدارس قدیمی بوده‌اند و معلمان هم عمدتاً منشی‌یان و اهل قلم و نویسندگان و شعرا بودند. شاگردان آن‌ها هم طبقات بالای جامعه‌ی شهری بودند که می‌توانستند از سواد بهره‌مند شوند. زبان فارسی ضرورتاً هیچ‌گاه زبان گفت‌وگو در این منطقه وسیع نبوده است و در واقع زبانی فراقومی و فرامنطقه‌ای و زبان اداری و رسمی بوده است. مثلاً علامه «اقبال لاهوری» فارسی صحبت نمی‌کرده اما یکی از قوی‌ترین سخن‌گویان فارسی بوده است. وی افزود: شروع واگرایی فارسی در چند نقطه رخ می‌دهد. در عثمانی زمانی آغاز می‌شود که فارسی را از زبان رسمی کنار می‌گذارند. در افغانستان از نیمه‌ی قرن هیجدهم در زمان احمدشاه درانی شروع اعتلای پشتو است. تغییر در هند هم نمونه‌ای دیگر از واگرایی فارسی است. انگلیسی‌ها از قرن هیجدهم وارد هند می‌شوند در حالی که زبان فارسی، زبان دیوانی و رسمی است. موج نوشتن دستوره‌های زبان فارسی از طریق انگلیسی‌ها متعلق به این دوره است. مدارس آموزش زبان فارسی در سراسر هند برپا می‌شود. در سال ۱۸۳۵ انگلیسی‌ها تصمیم می‌گیرند به جای فارسی، انگلیسی را جایگزین کنند. البته زبان اردو هم تقویت می‌شود و جای فارسی را می‌گیرد. از نیمه‌ی قرن نوزدهم که روس‌ها وارد آسیای مرکزی می‌شوند و حکومت ازبک‌ها را برمی‌اندازند، به واگرایی زبان فارسی کمک می‌کنند و نفوذ روسی به تدریج شروع می‌شود.


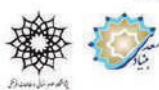
دکتر سامعی در ادامه تأکید کرد: به دنبال این واگرایی‌ها، فارسی تبدیل سه گونه زبانی می‌شود. در ایران زبان فارسی و ملی و زبان رسمی است و حیات جداگانه‌ای را طی می‌کند. در افغانستان از ۱۹۶۴ نامش زبان دری می‌شود. تاجیکی هم در تاجیکستان با عناصری از زبان‌های محلی مثل ازبکی و تحت تأثیر روسی حیات تازه‌ای را شروع می‌کند. هرچند این سه زبان هنوز هم به‌شدت وابسته هستند اما واگرا می‌شوند. فارسی از زمانی شروع به وام‌گیری واژگانی از فرانسه و بعد از انگلیسی می‌کند. دری افغانستان از انگلیسی و تاجیکی از روسی وام‌واژه می‌گیرند. البته از زبان‌های محلی هم تأثیر می‌گیرند. از ۱۹۲۸ در تاجیکستان مسئله سواد متفاوت می‌شود و خط روسی خط کتابت می‌شود. بنابراین، سواد که امر مهمی است و باعث اتصال منطقه وسیعی می‌شده است در این منطقه مسیره‌های متفاوتی را طی می‌کند. آموزش فارسی در این جا به‌عنوان زبان اول بحث شد. اما این وضعیت چه تأثیری بر آموزش زبان فارسی به‌عنوان زبان دوم دارد؟ حال باید فکر کرد به‌عنوان زبان دوم کدام زبان در این منطقه باید آموزش داده شود. آموزش زبان فارسی به‌عنوان زبان دوم در هند برای انگلیسی‌ها سابقه داشته است. فارسی با وجودی که پیشروی خود را در قالب زبان اول از دست می‌دهد اما به‌عنوان زبان دوم هم‌چنان باقی است. در این دوره فارسی ادبی درس داده می‌شده است. با کاهش نفوذ فارسی در این منطقه‌ی فرهنگی، جوامع غربی براساس نیاز خودشان شروع به آموزش زبان فارسی می‌کنند. مثلاً از سال ۱۹۴۹ تا دهه‌ی هفتاد میلادی دانشگاه پنسیلوانیا زبان فارسی کلاسیک آموزش می‌داده است. از آن پس فارسی مدرن را آموزش می‌دهد. چون نیازها در امریکا تغییر کرده است. به‌دلایل سیاسی متعدد فارسی ایران بیشتر از فارسی افغانستان و تاجیکستان مورد توجه قرار می‌گیرد. رشد سواد و ادبیات باعث شد تا زبان فارسی ایران بیشتر مورد توجه قرار گیرد. در این دوره زبان کلاسیک کنار گذاشته می‌شود و آموزش زبان زنده اولویت است اما مسئله این است کدام فارسی ایران مورد توجه است: گفتاری، نوشتاری یا کلاسیک؟ سرگردانی در این زمینه وجود دارد هرچند که تأکید بر زبان گفتاری شده است. اما این تأکید بر



زبان گفتاری خود موجب واگرایی بیشتر می‌شود. در این دوره فارسی در مدرسه‌ها آموزش داده نمی‌شود و به دانشگاه‌ها می‌رود.

دکتر سامعی در خاتمه یادآور شد: برای آموزش زبان فارسی سرگردانی در تمام شیوه‌های آموزش زبان فارسی در امریکا دیده می‌شود. مؤلف کتاب هنوز نمی‌داند با کدام زبان کار می‌کند؟ کتاب واحد نیز وجود ندارد. البته این مشکل از معلم ناشی نمی‌شود بلکه مسئله به گونه‌ی زبانی باز می‌گردد. مریبان زبان فارسی عمدتاً افرادی خارج از حوزه‌ی زبان هستند که وارد حوزه‌ی زبان شده‌اند. وی در پایان گفت مشکلاتی که در حوزه‌ی زبان فارسی از بیست سال قبل بیان شده است همچنان امروزه باقی است. مطالعات نظری گسترش یافته اما روش‌ها همان روش‌های محدود و آشنای معلمان است. افزون بر این که تعداد دانشجویان فارسی کاهش یافته است و به تدریج از ابتدا تا انتهای دوره نیز کاهش می‌یابد. سرنوشت آموزش زبان فارسی در غرب و مخصوصاً امریکا نامعلوم است.

The Linguistics Society of Iran, in collaboration with the Linguistics Research Institute of the Institute of Humanities and Cultural Studies and the Saadi Foundation, organizes:



**Virtual Talk**

**Teaching which Persian?  
Literacy in the Era of Divergence**

**Hossein Samei**  
Senior Lecturer of Persian  
Emory University, Atlanta - Georgia

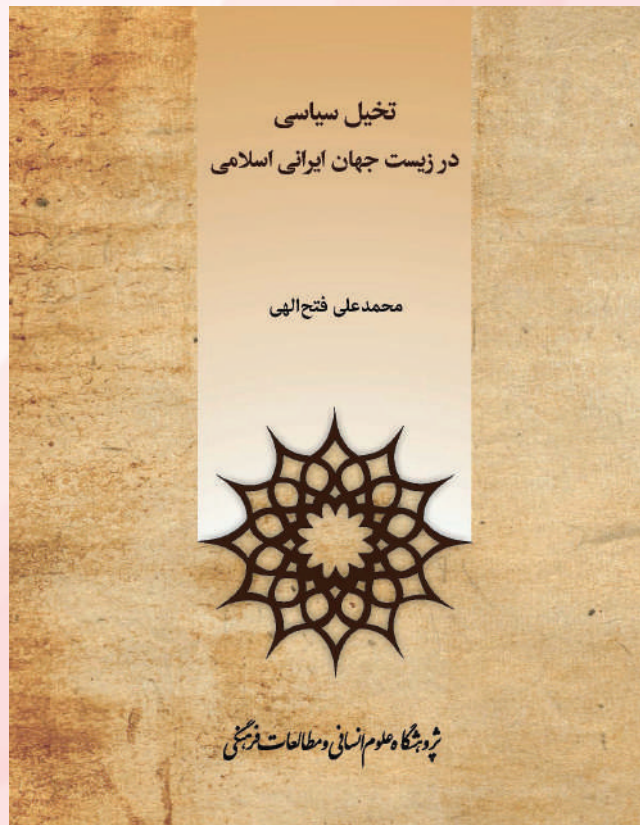
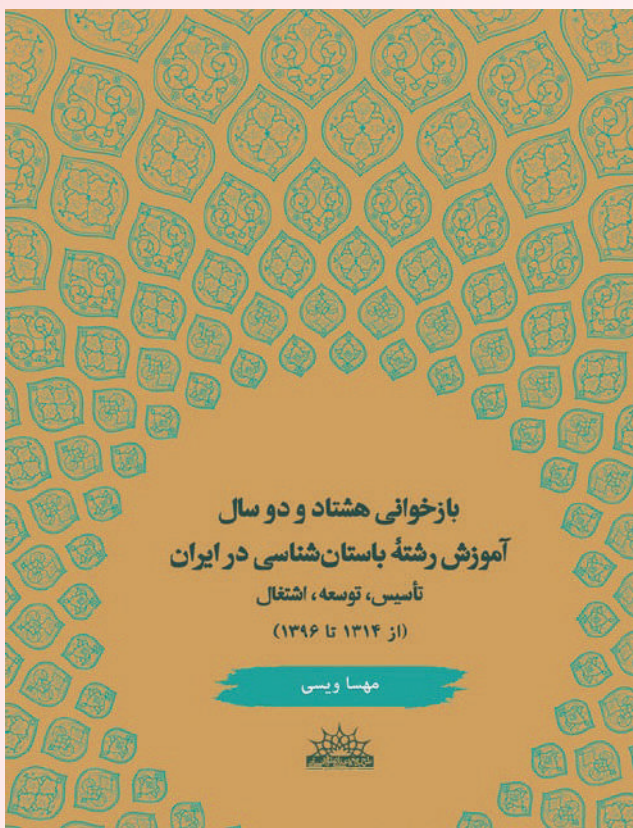
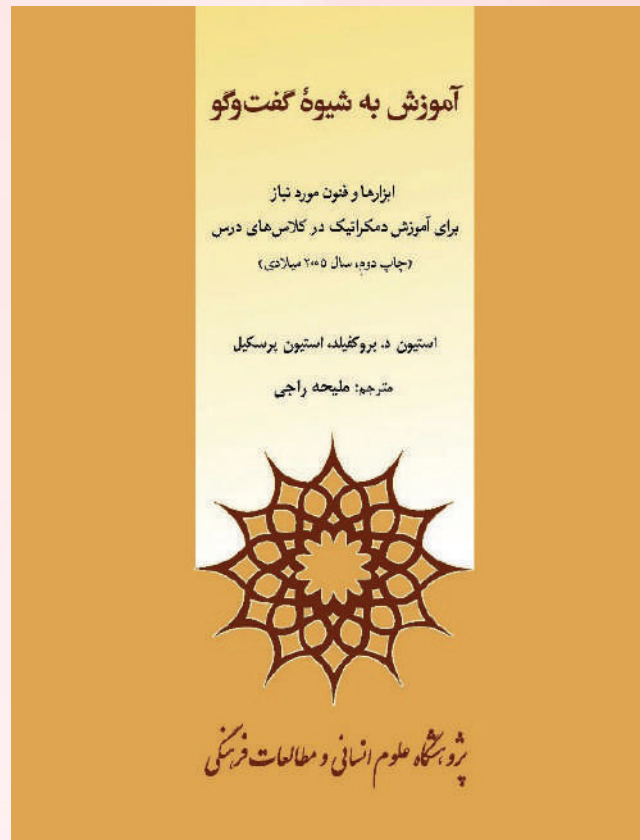
Sunday 14 February 15:00 pm

Enter Webinar:  
<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-j4w-9ga>

Designed by: Z. Khajafi

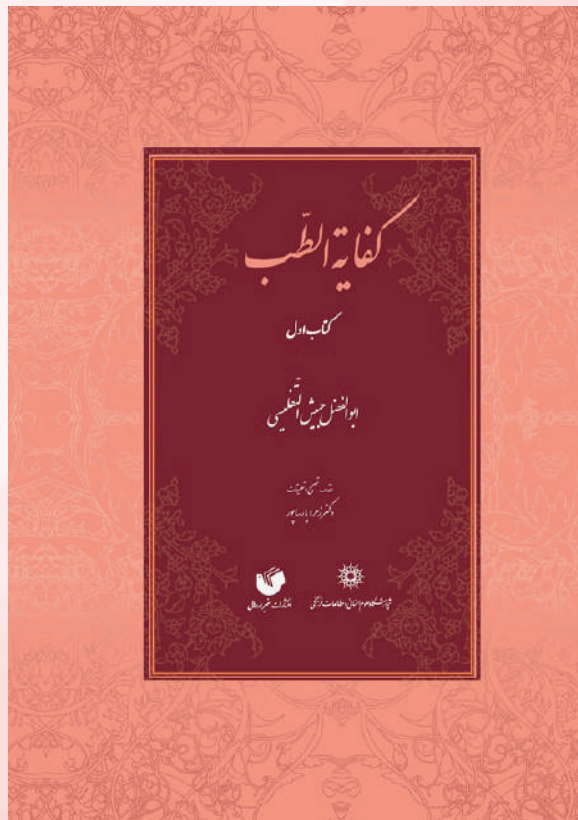
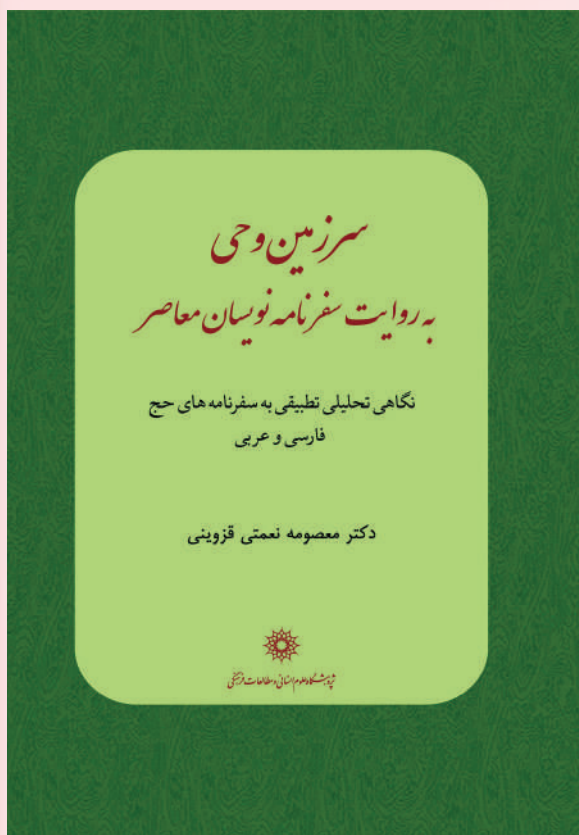


## تازه‌های نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی





تازه‌های نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی





## تازه‌های نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی





إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ  
جناب آقای دکتر طیب زاده  
مصیبت درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم  
و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات  
و برای جنابعالی و خانواده‌ی محترم  
، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.

\*\*\*\*\*

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ  
جناب آقای دکتر مهدی بنایی جهرمی  
مصیبت درگذشت مادر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم  
و از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات  
و برای جنابعالی و خانواده‌ی محترم،  
صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.



### فرخوان مقاله

مرکز مطالعات ایران، بالکان و اروپای مرکزی / معاونت گسترش زبان فارسی و ایران شناسی خارج از کشور / مرکز همکاری های علمی بین المللی وزارت علوم تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران و دانشگاه های گیلان / علامه طباطبائی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به همراه دانشگاه صوفیه کلینت آخریدسکی مقدس، جمهوری بلغارستان برگزار می کنند

First International Conference  
Iranian Studies in the world

# نخستین همایش دو سالانه بین المللی ایران شناسی در جهان

(۲۲ - ۲۰ مهر ماه ۱۴۰۰ خورشیدی)



۱. کرسی های ایران شناسی در دانشگاه ها و نهادهای علمی جهان
- ارزشیابی برنامه های آموزشی در کرسی های ایران شناسی
- همکاری های علمی دانشگاه ها و مراکز پژوهشی ایران با کرسی های ایران شناسی
۲. زبان و ادبیات فارسی، نقد ادبی و ادبیات تطبیقی در مطالعات ایران شناسی
- ادبیات کلاسیک
- ادبیات معاصر
- عرفان و تصوف
- شاعران، نویسندگان و اندیشمندان در تریب ادب تطبیقی
۳. تاریخ و تمدن ایران در مطالعات ایران شناسی
- تاریخ ایران باستان
- تاریخ ایران بعد از اسلام
- فرهنگ و سنت های ایرانی
- مردم شناسی و فرهنگ عامه
۴. ایران شناسان و مکاتب ایران شناسی در جهان
- شرح احوال و آثار ایران شناسان برجسته
- معرفی و نقد مکاتب ایران شناسی
- نقد و تحلیل پژوهش های ایران شناسی
- ایران شناسان و پایه گذاری مطالعات جدید در ایران
- گسترش مطالعات ایران شناسی و همکاری های علمی پژوهشگران ایرانی با ایران شناسان جهان
۵. باستان شناسی و مطالعات ایران شناسی
۶. زبان های ایرانی
۷. هنر ایرانی
۸. اسناد و نسخ خطی فارسی
- اسناد و نسخ خطی فارسی در کتابخانه های معتبر جهان
- ایران شناسان و تصحیح نسخ خطی فارسی
۹. ترجمه و مطالعات ایران شناسی
۱۰. چشم انداز مطالعات ایران شناسی
- آینده پژوهی در ایران شناسی
- زمینه های مطالعاتی جدید در ایران شناسی
- فناوری های نوین در مطالعات ایران شناسی

از علاقه مندان به شرکت در این همایش دعوت می شود چکیده مقاله خود را در حداکثر ۳۰۰ واژه به زبان فارسی یا انگلیسی تا روز اول اردیبهشت ۱۴۰۰ به دبیرخانه همایش بفرستند. فرصت نهایی برای ارسال مقالات کامل ۱۵ مرداد ۱۴۰۰ خواهد بود.

دبیران علمی همایش: دکتر بهادر باقری و پروفیسور ایوو پتف

دبیران اجرایی همایش: دکتر عباس پناهی و دکتر علیرضا پورمحمد

نشانی: [iranianstudies.cbce.org](http://iranianstudies.cbce.org)

نشانی: رایانامه دبیرخانه همایش: [conference@cbce.org](mailto:conference@cbce.org)

مدیر مسئول: سید محسن علوی پور

سر دبیر: حوریه احدی

دبیر تحریریه: شهرام اصغری

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، مجید زارع، سعیده زندی و صادق کیا

[ravabet@ihcs.ac.ir](mailto:ravabet@ihcs.ac.ir)

[www.ihcs.ac.ir](http://www.ihcs.ac.ir)

پیام رسان ها: @ihcss, @pajoheshgah